موانع سخت مجوزهای ساخت و ترجیح احتکار زمین به‌جای خانه‌سازی، نفس مسکن پایتخت را گرفته است

سقوط ساخت و ساز مسکن تهران در ۲۰ سال

صفحه ۱۶

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان
فصل جدید رادیو مضمون: روایت سال‌های جنگ
فرهیختگان
شماره مسلسل ۴۷۴۶
چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
اول جمادی‌الاول ۱۴۴۵
۱۵ نوامبر ۲۰۲۳
شماره ۴۰۰۸
www.Fdn.ir | Wed | 15 Nov 2023 | vol.15 | No. 4008 | 16 Pages

جنگِ تاب‌آوری

تحولات در سرزمین‌های اشغالی به چه مولفه‌هایی وابسته است؟ تبدیل تصویر صهیونیست‌ها در افکار عمومی جهانی به ماشین آدم‌کشی و ضربه اقتصادی سهمگین به اسرائیل ادامه جنگ را سخت می‌کند

عکس: تجمع بزرگ مخالفان جنگ در تل‌آویو

۸

دکتر طهرانچی در کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی رهبر انقلاب:

بازگشت به حکمرانی علم و حکمت بنیان مبتنی بر قرآن

۳

مشکل از گیرنده نیست

بحران مخاطب تلویزیون با ایده جدید و تصمیم قاطع برای ساخت برنامه‌هایی که عموم مخاطبان را در بر می‌گیرد، حل می‌شود

۱۲

فاطمه قاسم‌پور، نماینده مجلس در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

با فقه پویا می‌توان مساله حضانت را حل کرد

۲,۷

پشت‌پرده اصرار اسرائیل برای تخلیه کامل غزه

یادداشت

میراحمدرضا مشرف
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در روزهایی که جنگ در غزه با شدت ادامه دارد، حملات رژیم صهیونیستی به اماکن عمومی غزه همچون بیمارستان‌ها، مدارس و حتی دفاتر سازمان ملل این باور را تقویت کرده است که اسرائیل به چیزی کمتر از تخلیه کامل غزه از ساکنان آن راضی نخواهد شد؛ همان اتفاقی که سال‌ها پیش در دیگر بخش‌های سرزمین‌های اشغالی رخ داد و به خروج بدون بازگشت فلسطینیان از سرزمین و خانه‌هایشان منتهی شد. اما این اصرار مقامات تل‌آویو برای تخلیه کامل و نابودی غزه، در عین حال که توجه تحلیلگران سیاسی منطقه و جهان را به سیر تاریخی تصرف سرزمین فلسطینیان توسط رژیم صهیونیستی جلب کرده است، آنها را به واکاوی اهداف و انگیزه‌های ثانوی و درواقع پشت پرده این رژیم در پافشاری برای تخلیه کامل غزه نیز ترغیب کرده است. در این راستا مطرح شدن دوباره طرح بسیار قدیمی و بایکوت شده کانال «بن‌گورین» همزمان با جنگ در غزه، توجهات همه جانبه‌ای را به سوی خود جلب کرده است. تحلیلگران اقتصادی و سیاسی چون «ریچارد میدهورس» و «کریستن مولر» از این موضوع به‌عنوان یکی از انگیزه‌های اقتصادی مهم پشت‌پرده اسرائیل و حتی آمریکا و غرب برای تخلیه و تصرف کامل غزه توسط تل‌آویو یاد کرده‌اند. علاوه‌بر این افراد، تحلیلگران و رسانه‌های جهانی و منطقه‌ای دیگری هم در روزهای اخیر به این مساله توجه نشان داده‌اند که مقاله تحلیلی «آرجون سنگوپتا» در روزنامه ایندین اکسپرس را می‌توان از همین موارد برشمرد. آنچه در متن زیر می‌خوانید بخشی از تحلیل این روزنامه‌نگار هندی در رابطه با این موضوع است که البته در برخی قسمت‌ها و به‌منظور تکمیل مباحث وی، مواردی از منابع دیگر به متن اصلی افزوده شده است.

فرصتی برای اجرای ایده بزرگ اقتصادی اسرائیل

آرجون سنگوپتا تحلیل خود را با این یادآوری آغاز می‌کند که گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که یکی از دلایل تمایل اسرائیل برای از بین بردن حماس در نواز غزه و کنترل کامل سرزمین محصور فلسطین، بهره‌گیری از فرصت و ایده اقتصادی چشمگیری است که چندین دهه در مورد آن صحبت شده و بدون تردید صلح و ثبات سیاسی در منطقه یک پیش‌شرط اساسی اجرای آن محسوب می‌شود. این ایده بزرگ اقتصادی شامل ایجاد کانال آبی است که از رأس خلیج عقبه (بازوی شرقی دریای سرخ) و از طریق صحرای نقب تحت کنترل اسرائیل تا سواحل دریای مدیترانه امتداد یافته و دریای مدیترانه را به دریای سرخ متصل کند. این کانال درواقع جایگزینی برای کانال سوئز خواهد بود که از بازوی غربی دریای سرخ شروع شده و از طریق شبه جزیره سینا به سمت جنوب شرقی مدیترانه می‌رود. در تکمیل بحث آرجون سنگوپتا در رابطه با مسیر کانال باید این نکته را اضافه کرد که بندر جنوبی «ایلات» را نقطه شروع و ساحل دریای مدیترانه در جوار غزه یا حتی در بهترین مسیر آن، ساحلی در میانه منطقه غزه را نقطه انتهایی این کانال ارزیابی کرده‌اند. آرجون معتقد است که طرح احداث کانال آبی که نام بن‌گورین (بنیانگذار رژیم صهیونیستی) بر آن نهاده شده است، برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی پیش‌بینی شد. [در برخی منابع دیگر سابقه تاریخی آن را به طرح انگلیسی‌ها در سال ۱۸۵۰ نسبت داده‌اند]. در صورت تکمیل، این پروژه می‌تواند با سلب انحصار مصر بر کوتاه‌ترین مسیر بین اروپا و آسیا، دینامیک دریانوردی جهان را تغییر دهد. با این حال هرگونه تلاش برای ساخت این کانال باید بر چالش‌های عظیم لجستیکی، سیاسی و مالی غلبه کند که در شرایط فعلی تحقق آن تا حدی غیرممکن به نظر می‌رسد. به‌رغم چنین ملاحظاتی، در اینجا ما به آنچه که مورد پیشنهاد قرار گرفته و پیامدهای تئوریک آن بر تجارت جهانی و ژئوپلیتیک نگاهی می‌اندازیم.

نگاهی به ویژگی‌های کانال سوئز

تحلیلگر ایندین اکسپرس پیش از ورود به بحث اصلی یعنی کانال بن‌گورین، ابتدا به شرایط و ویژگی‌های تنها کانال موجود یعنی کانال سوئز توجه نشان می‌دهد. در این راستا وی تاکید می‌کند که وقتی کانال سوئز در سال ۱۸۶۹ میلادی افتتاح شد، انقلابی را در تجارت دریایی رقم زد. با اتصال دریای مدیترانه و دریای سرخ از طریق تنگه سوئز این امکان فراهم شد که کشتی‌ها برای سفر در مسیر اروپا و آسیا، دیگر مجبور نباشند که سراسر قاره آفریقا را دور بزنند. این کانال در آن هنگام فاصله دریایی میان لندن و بمبئی را بیش از ۴۱ درصد کاهش داد. تنها در سال مالی ۲۰۲۳-۲۰۲۲ حدود ۲۶۰۰۰ کشتی از کانال سوئز عبور کرده‌اند که تقریبا ۱۳ درصد ازکل حمل‌ونقل دریایی جهان را در بر می‌گیرد. در تکمیل بحث نویسنده هندی ایندین اکسپرس در مورد اهمیت کانال سوئز، شاید مقایسه‌ای از شرایط این کانال با سازه هم‌تراز آن یعنی کانال پاناما جالب باشد. کانال پاناما در سال ۱۹۱۴ (یعنی حدود ۱۵۰ سال بعد از سوئز) شروع به کار کرد و در شرایطی که طول آن نصف کانال سوئز است، به دلیل اختلاف ارتفاع ۲۶ متری موجود در امتداد آن، تنها مناسب عبور کشتی‌های کوچک و متوسط بوده و هر سال در هر جهت از آن تنها حدود ۷۰۰۰ عبور و مرور وجود دارد. این مقایسه به خوبی می‌تواند اهمیت و ویژگی‌های برجسته کانال سوئز را آشکار می‌کند. با این حال کانال سوئز به‌رغم همه ویژگی‌هایش، مشکلاتی نیز دارد. اول اینکه سوئز با طول ۱۹۳ کیلومتر، عرض ۲۰۵ متر و عمق ۲۴ متر، بزرگ‌ترین گلوگاه کشتیرانی جهان است. با وجود گسترش و تعمیق آن طی سال‌ها [طول ابتدایی آن ۱۶۳ کیلومتر بود و چندین مرحله تعمیق، پهن‌تر شدن و تسهیل در تردد را طی کرده است]، همواره پرترافیک مانده و شاهد صف‌های طولانی در ابتدا و انتهای آن بوده‌ایم. علاوه‌بر این در سال مالی ۲۰۲۱ به دلیل مسدود شدن کانال درنتیجه به گل نشستن یک کشتی بزرگ باری، عبور و مرور برای بیش از یک هفته مسدود شد که بایکوت روزانه کالای ناشی از این انسداد و ترافیک، حدود ۹٫۶ میلیارد دلار ارزیابی شد.

مساله کنترل مصر بر این گذرگاه آبی نیز چالش دیگری است که تقریبا به مدت ۷۰ سال تداوم داشته است. در سال ۱۹۶۵ و پس از آنکه جمال عبدالناصر تصمیم گرفت کانال را ملی اعلام کند، جنگی شعله‌ور شد که طی آن بریتانیا، فرانسه و اسرائیل برای بازپس‌گیری کانال متحد شده و مصر را مورد تهاجم قرار دادند. بحران سوئز با پیروزی نظامی برای متجاوزان به پایان رسید، اما درنهایت یک پیروزی سیاسی قاطع برای مصر را رقم زد؛ چراکه توانست کنترل کانال را همچنان حفظ کند. در عین حال این رخداد یک نقطه‌عطف در جنگ سرد محسوب می‌شد، بدان سبب که تهدیدات شوروی برای توقف مداخله، کلید پایان تهاجم کشورهای متحد به مصر بود. اما از همه اینها مهم‌تر، کانال سوئز در کانون هر دو جنگ اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ قرار داشته و در فاصله سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ مسدود بوده است. علاوه‌بر این باید اشاره کرد که کانال سوئز در اقتصاد مصر نقشی حیاتی دارد. در کنار مزایایی که این کانال برای اقتصاد محلی مصر به ارمغان می‌آورد، از جهت کسب درآمد از محل عوارض عبور نیز برای این کشور حائز اهمیت است. در سال مالی ۲۰۲۳-۲۰۲۲ اداره کانال سوئز از رکورد ۹٫۴ میلیارد دلاری درآمد حاصل از عوارضی سوئز خبر داد که تقریبا دو درصد کل تولید ناخالص ۴۷۶٫۸ میلیارد دلاری مصر را شامل می‌شد. [بعد از صنعت گردشگری، کانال سوئز دومین منبع بزرگ درآمدی دولت قاهره محسوب می‌شود].

مهم‌ترین چالش‌های پیش روی پروژه کانال بن‌گورین

آرجون سنگوپتا تاکید می‌کند که دقیقا روشن نیست که اولین بار یک طرح مشخص برای جایگزینی کانال سوئز چه زمانی پیشنهاد شده است. شواهد مستند را می‌توان در یک یادداشت از طبقه‌بندی خارج شده سال ۱۹۶۳ دولت آمریکا مشاهده کرد. در این یادداشت درخواست استفاده از مواد منفجره هسته‌ای برای حفر کانال در صحرای نقب اسرائیل مطرح شده بود. پروژه کانال بن‌گورین یکی از جاه‌طلبانه‌ترین پروژه‌های زیربنایی است که تاکنون روی کاغذ آمده است. اما مهم‌ترین دلایل و عواملی که تاکنون اسرائیل را از ساخت آن بازداشته است، می‌توان این گونه برشمرد. اولین و شاید مهم‌ترین دلیل این است که اجرای چنین پروژه‌ای بی‌نهایت پیچیده و تقریبا به شکل بازدارنده‌ای گران است. هزینه تخمین‌زده‌شده برای آن شاید به صد میلیارد دلار نیز برسد؛ چیزی بسیار فراتر از بودجه‌ای که احتمالا برای گسترش کانال سوئز و حل مشکل ترافیک آن نیاز است. براساس یادداشت اشاره شد در متن [یادداشت دولت آمریکا]، هزینه حفاری این کانال به سبک سنتی موجب شد تا برنامه‌ریزان به سوی گزینه‌های هسته‌ای سوق پیدا کنند؛ گزینه‌ای که با توجه به بحث تشعشعات هسته‌ای، بسیار خطرناک به نظر می‌رسد. اما صرف نظر از بحث هزینه‌ها، مسیر برنامه‌ریزی‌شده برای کانال بن‌گورین بیش از ۱۰۰ کیلومتر طولانی‌تر از کانال سوئز خواهد بود، که عمدتا به دلایل محدودیت‌های زمین و توپوگرافی است. بنابراین حتی در صورت ساخت، بسیاری از کشتی‌ها ممکن است انتخاب مسیر کوتاه‌تر و قدیمی را ترجیح دهند. در کنار چالش‌های اشاره‌شده از سوی این تحلیلگر هندی، برخی موارد دیگری را نیز برشمرده‌اند که عوامل زیست‌محیطی همچون ویژگی‌های زمین‌شناسی منطقه و سرازیر شدن سالانه دو میلیارد مترمکعب از آب‌های دریای سرخ به بحرالمیت و خسارات به مناطق حاصلخیز مصر از آن جمله است.

تمایل و علاقه‌مندی غرب به اجرای پروژه بن‌گورین

درحالی‌که تحلیلگر ایندین اکسپرس به شکلی گذرا به تمایل آمریکا و غرب برای اجرای این پروژه اشاره می‌کند، کریستن مولر در نشریه گلوبال بریج، ابعاد دقیق‌تر از دلایل این تمایل غرب را آشکار می‌کند. قرارگرفتن تمام کانال در خاک اسرائیل، کاسته شدن از اهمیت ژئوپلیتیک مصر و امکان تحقق یک معامله عظیم مالی برای شرکت‌ها و بانک‌های آمریکایی، تنها بخشی از عواملی است که کریستن مولر به آنها می‌پردازد.

تسلط بر غزه کلید اجرای پروژه بزرگ

همان‌طور که تحلیلگر ایندین اکسپرس در ابتدا به آن اشاره کرده و در انتها نیز بر آن تاکید دوباره می‌کند، کانالی که به‌طور بالقوه ارزش روزانه حمل‌ونقل کالا در آن به میلیاردها دلار می‌رسد، نمی‌تواند در زمینی با شرایط تهدید نظامی دائمی از سوی حماس یا در سایه تهاجمات اسرائیل اداره شود. بنابراین دلیلی خوبی برای تلاش اسرائیل در تسلط کامل بر غزه وجود دارد. اما به همراه این موضوع امنیتی، کریستین مولر به یک دلیل اقتصادی هم اشاره می‌کند. در کوتاه‌ترین نسخه این پروژه دهانه این کانال جدید در دریای مدیترانه در جایی قرار خواهد گرفت که امروز غزه در آنجا قرار دارد. اگرچه امکان ورود به دریای مدیترانه از شمال غزه هم وجود دارد، اما در این صورت کانال بسیار طولانی‌تر و درنتیجه هزینه آن بسیار گران‌تر خواهد شد.

روایت سال‌های جنگ
فصل جدید رادیو مضمون منتشر شد
رادیو مضمون، کاری از گروه پادکست‌های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان
@radiomazmoon
مضمون

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

فاطمه قاسم‌پور، نماینده مجلس در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از برنامه هفتم و نظام مسائل حوزه زنان می‌گوید

با فقه پویا می‌توان مساله حضانت را حل کرد

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

از مسائل پراهمیت هر جامعه و کشوری مسائل حوزه زنان و خانواده و البته در بعد کلان‌تر آن مسائل اجتماعی، رویکرد، ایده و راهبرد آن کشور در این حوزه است. مجلس یازدهم، روزهای آخر خود را پشت سر می‌گذارد. در روزهای فعالیت این دوره از مجلس یعنی فروردین امسال لایحه ارتقای امنیت زنان پس از فراز و فرود ۱۲ساله بالاخره کلیات آن به تصویب رسید. طبیعتا تصویب این لایحه و مفاد آن در حمایت از زنان و جلوگیری از سوءرفتارهای احتمالی برای حوزه زنان و خود مجلس یازدهم دستاوردی به‌شمار می‌رود. یکی از افرادی که در تصویب و بررسی این لایحه نقش موثری داشت فاطمه قاسم‌پور، نماینده حوزه انتخابیه مردم تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر است. قاسم‌پور عضو کمیسیون اجتماعی و کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه است. ما در «فرهیختگان» گفت‌وگویی تفصیلی با این نماینده زن مجلس یازدهم پیرامون مسائل حوزه زنان، مطالبات این حوزه، ساختار معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری، آسیب‌های اجتماعی و مشکلات برخی از اقشار مردم جامعه انجام داده‌ایم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

برنامه هفتم توسعه این روزها در مجلس شورای اسلامی درحال بررسی است. به‌نظر شما این برنامه در مسائل مرتبط با زنان چطور نوشته شده است؟

برنامه‌های توسعه فرصت و رویداد سیاستگذاری مهمی در کشور است. از این جهت که قرار است پنج سال پیش‌روی اقدامات اجرایی کشور و تخصیص بودجه مشخص شود و برای دستگاه‌های اجرایی خیلی حائز اهمیت است. بیشتر از حیث دوم آن؛ چراکه قرار است بودجه را براساس برنامه‌ها دریافت کنند. برای کشور هم مساله مهمی است؛ چراکه باید بتواند مسائلش را درست تشخیص دهد و درست انتخاب کند و بعد از اینکه مسائل مشخص شود، راهبردها و راهکارهای حل مساله را برای مسائل اساسی داشته باشد. برنامه هفتم توسعه پیش از تدوین توسط دولت، در مجمع تشخیص مصلحت نظام در جریان بود. براساس آنچه مقام معظم رهبری مطرح کرده بودند، اینکه برنامه باید مساله‌محور باشد و باید نظام اساسی مسائل کشور در این برنامه مطرح شده باشند، سیاست‌های کلی برنامه نیز براساس همین رویکرد تدوین شد و نهایتا توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد. یکی از این سیاست‌ها، سیاست‌های رشد و شکوفایی زنان و بحث تحکیم خانواده بود. البته مساله رشد جمعیت نیز به‌عنوان یکی دیگر از سیاست‌ها مطرح شده بود. در حوزه آسیب‌های اجتماعی هم بحث کنترل آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان مساله‌ای جدی مطرح شده بود که در آنجا هم با توجه به اینکه ما با نرخ رشد آسیب‌های اجتماعی حوزه زنان مواجه هستیم یا به تعبیر دیگر زنان در این آسیب‌های اجتماعی بسیار تحت تاثیر قرار گرفته‌اند یا به معنایی آسیب‌دیده هستند، این فضا باعث شد که از این سه محور به‌طور مستقیم بحث زنان و خانواده مهم تلقی شود. مساله دیگری هم مطرح است. برنامه‌های توسعه ما یا کلا هر سیاستگذاری‌ای که قرار است در کشور دنبال شود، این سیاستگذاری باید ناظر بر مسائل حوزه خانواده باشد. به معنایی پیوست خانواده داشته باشد و خانواده‌محور باشد. اینها دغدغه‌هایی است که برای برنامه هفتم توسعه مدنظر بود. شاید در دغدغه اول می‌توانم صریح بگویم که موفق عمل کردیم اما در رابطه با دغدغه دوم، نتوانسته‌ایم آن‌گونه که باید و شاید ادبیات خانواده‌محور را در سیاستگذاری‌مان به‌عنوان ادبیاتی مهم و مفهومی که باید دنبال شود، جا بیندازیم و مشخص کنیم که هر تصمیمی که گرفته شود آن تصمیم نهاد خانواده را متضرر نکند. یا به تعبیری مخاطب همه برنامه‌ریزی‌ها در کشور خانواده است و خانواده باید در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و... به‌خوبی متنفع شوند.

ما در بخش اول که موارد اختصاصی حوزه زنان و خانواده بود، اقداماتی را انجام دادیم. اول اینکه لایحه‌ای را دولت ارسال کرده بود از نقاط مثبت آن، این بوده که خود برنامه هفتم توسعه در فصل مجزایی به حوزه زنان و خانواده پرداخته بود یعنی ناظر به سیاست‌های کلی برنامه هفتم، تلاش شده بود که فصلی برای حوزه زنان گنجانده شود. این از اقدامات خوبی است که دولت انجام داده بود اما هدفگذاری‌های کمی و احکام مترتب بر آن هدفگذاری‌ها، نه جامعیت داشت و نه از کلان مسائل اصلی این حوزه بود. در متن دولت بحث آموزش مهارت‌های شغلی زنان آورده شده بود و همچنین بخش دیگر آموزش زوجین بوده و بحث دیگر هم نرخ رشد جمعیت است که در سیاست‌های کلی نیز آمده است. اینکه ما باید به نرخ باروری کل دوونیم فرزند برسیم، ناظر بر اینها یک‌سری احکام نیز آمده بود که این احکام ناظر به کارشناسی‌های صورت گرفته در مجلس تامین‌کننده نبود. ما قبل از اینکه برنامه هفتم به مجلس برسد با توجه به اینکه در هر دوره مجلس برنامه مصوب شده توسط آن مجلس مهم است و حضرت‌آقا نیز در دیداری که با نمایندگان داشتند، گفتند که کار مهم مجلس در سال آخر، برنامه هفتم است که باید دنبال شود برایمان بسیار مهم بود و فرآیند کارشناسی را آغاز کرده بودیم. در بررسی کارشناسی‌ای که داشتیم مجموعه‌ای از احکام طراحی و تدوین شد که آن مجموعه احکام هم در طراحی و تدوین و هم در اینکه کدام یک از این احکام در کمیسیون تلفیق و برنامه باید پیگیری شود، با یک جمع کارشناسی در حوزه زنان به اشتراک گذاشته و نظرات کارشناسان اخذ شد. پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌های حوزه زنان به مجلس دعوت شدند و نظرات خود را ارائه دادند. درنهایت ما به تعدادی حکم رسیدیم که اکنون بخشی از آنها در صحن مجلس مصوب شده و تعدادی هم همچنان در کمیسیون تلفیق برنامه است و امیدواریم در صحن مجلس هم به تصویب برسد. آنجا امری که برایمان مهم بوده این بود که در حوزه شکوفایی زنان یکی از مسائل جدی که به آن توجه شود، موازنه نقش‌های خانوادگی- اجتماعی زنان است. باید این فرصت برای زنان ایجاد شود که بتوانند هم نقش‌های خانوادگی‌شان و هم نقش‌های اجتماعی‌شان را به ظهور و بروز برسانند و بتوانند در نقش‌هایشان موفق باشند. ناظر بر همین مساله نیز بحث انعطاف شغلی و برنامه‌ای برای انعطاف شغلی زنان مطرح شد. اینکه دولت لازم است بتواند برنامه‌ای در این زمینه تدوین کند. در قانون‌گذاری به مواردی مانند حوزه‌های نوآوری‌های اجتماعی، زنان روستایی و مواردی از این قبیل توجه شد. با توجه به تعداد قابل توجه زنان روستایی که ۱۲ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، در حوزه خانواده نیز بحث آموزش و مشاوره یکی از مسائل جدی بود. یکی از مسائل جدی‌مان این است که نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مشاوره به خانواده در کشورمان تعداد بالایی دارند و نهادی تنظیم‌گر در این میان وجود ندارد؛ همه دارند خدمت ارائه می‌دهند اما این خدمات در تناسب یکدیگر قرار ندارند، یعنی ما معاونت جوانان وزارت ورزش و جوانان را داریم، سازمان بهزیستی را داریم، قوه قضائیه و خود نظام روانشناسی را داریم که همه تکلیف قانونی دارند و خدمات مشاوره ارائه می‌دهند، اما هیچ تنظیم‌گری برای ارائه خدمات صورت نمی‌گیرد. همچنین در حوزه خانواده با توجه به اینکه گفتمان ما گفتمان تقویت و استحکام خانواده است قاعدتا باید نظارتی بر نهادهای ارائه‌دهنده مشاوره وجود داشته باشد. این خدمات هم باید با یارانه‌هایی همراه باشد که این یارانه‌ها کمک کنند افراد بتوانند از خدمات موجود، بهره‌مند شوند. این مساله دغدغه ما بود. پیشنهادمان این بود که معاونت زنان این تنظیم‌گری را به عهده گیرد و دولت یارانه دهد که نهایتا دولت مکلف شد این تنظیم‌گری را انجام دهد و آیین‌نامه آن برعهده معاونت امور زنان قرار گرفت و البته دولت یارانه را تقبل نکرد. بحث دیگری که داشتیم، سنجش و رصد وضعیت زنان است. برای سیاستگذاری نیازمند رصد و پایشی هستیم که آینده‌نگر باشد و این را هم در مصوبه مجلس آوردیم. موضوع دیگر بحث الگوی سوم زن است که به‌نوعی آن را دال گفتمانی برنامه هفتم توسعه قرار دادیم تا هم جامعه نخبگانی و دانشگاهی کشور این دال مفهومی را تقریر کنند و هم این دال مفهومی، محور برنامه رصد و سنجش در کشور باشد. این هم یکی از اقداماتی بود که دنبال شد. بحث دیگری که وجود داشت این بود که پیرو احکام مربوط به زنان سرپرست خانوار در برنامه‌های قبلی توسعه، احکامی داشتیم که آن احکام اجرایی نشده‌اند. معمولا سیاست‌های برنامه‌ریزی توسعه در کشورمان به این شکل است که ما همیشه امر را به تعویق می‌اندازیم یعنی می‌نویسیم معاونت امور زنان یا هر جای دیگر مکلف است که برنامه‌ای را طراحی کند. حالا این برنامه کی طراحی خواهد شد و کی اجرا می‌شود، مشخص نیست. حوزه زنان سرپرست خانوار نیز از این دست حوزه‌ها بوده که همیشه دچار این آسیب بود. همیشه برنامه‌اش به تعویق افتاده بود. به این معنا که قرار بود برنامه‌ای طراحی شده تا آن برنامه اجرایی شود. در حال حاضر به آخرین روزهای اجرای برنامه توسعه ششم رسیده‌ایم ولی هنوز اتفاقی نیفتاده است. ما در برنامه هفتم آمدیم و حوزه زنان سرپرست خانوار را از این فضا خارج کردیم. مجموعه اقداماتی را در حوزه زنان سرپرست خانوار برای دولت تکلیف کردیم که دولت این خدمات را انجام دهد. مثلا پنجره واحد ارائه خدمت داشته باشند، سنجش وضعیت دقیق افراد صورت گیرد. ما در حوزه زنان سرپرست خانوار و مساله شناسایی این افراد دچار مشکل هستیم یعنی عملا سنجه‌های مخصوص به خود را نداریم. همچنین با سنجه‌های موجود، شناسایی لازم اتفاق نمی‌افتد. در برنامه دولت را مجاب کردیم که شناسایی باید براساس شاخصه‌های مخصوص اتفاق بیفتد. همچنین افراد وارد پنجره واحد شوند و خدمت‌شان را از طریق نهادهای مرتبط دریافت کنند. یک‌سری از خدمات را نیز مشخص کردیم که حتما برای زنان سرپرست خانوار ارائه شود مثل مشاوره. دلیل‌مان این بود که ارائه خدمت را منظم کنیم و این‌گونه نباشد که برخی افراد خدمات بیشتر دریافت کنند و برخی افراد دیگر خدمتی دریافت نکنند و همچنین طبق برنامه‌ای واحد پیش بروند. یعنی براساس یک الگوی واحد، افراد خدمات دریافت کنند و مهم‌تر از تمام اینها از فردای ابلاغ برنامه هفتم، دستگاه‌ها وارد اجرا شوند یعنی ما زمان را برای طراحی، توافق، برنامه و هماهنگی از دست ندهیم. این یکی دیگر از اقداماتی بود که دنبال شد. در برنامه توسعه و در حوزه جمعیت، موضوع مربوط به اهدای جنین و قواعد قانونی مترتب بر آن مدنظر قرار داشت که در صحن اهدای جنین و فریز تخمک و مسائل بیمه‌ای مترتب بر آن مصوب شد. این نیز از خلأهای برنامه هفتم توسعه در حوزه فرزندآوری و جمعیت است و باید دنبال می‌شد. مجموعه این احکام در کنار هم می‌تواند حوزه زنان و خانواده را سامانی اولیه دهد. اما برای خانواده‌محوری فکر می‌کنم که سیاست‌هایمان همچنان نیازمند این است که مساله خانواده‌محوری را به‌عنوان پیوستی مهم ببینیم و شاخص‌های آن را تدوین کنیم. البته پیشنهاد یک حکم در این باره داشتیم اما متاسفانه موفق نشدیم که در کمیسیون تلفیق آن را به نتیجه برسانیم. آن حکم این بود که ستاد ملی زن و خانواده، ادبیات مفهومی مرتبط پیوست خانواده را تولید کند و سپس قانون‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرایی در کشور و سیاستگذاری‌ها براساس پیوست خانواده دنبال شود. ان‌شاءالله قرار است خارج از برنامه هفتم و در یک فرآیند دیگر این موضوع را دنبال کنیم.

ما در حوزه زنان در دولت‌های مختلف می‌بینیم که سمت مشاور امور زنان یا معاونت امور زنان نهادها تبدیل به حیاط خلوتی می‌شود که اغلب انتصابات‌شان نیز فرمایشی است. عمدتا کارهای صورت‌گرفته نیز در حد رزومه‌سازی است. مساله دقیقا کجاست؟ ضعف قانون در تعریف مشاور امور زنان یا معاونت امور زنان است یا بی‌توجهی به منصب مهمی مانند معاونت یا مشاور امور زنان نهادها و ارگان‌ها است؟

فکر می‌کنم طراحی ساختاری‌ای که در حوزه زنان و خانواده اتفاق افتاده، طراحی غلطی نیست. چون مساله زنان و خانواده یک مساله فرابخشی است، ما یک معاونت زنان و خانواده داریم که وظیفه آن وظیفه ستادی است، یعنی یک ستادی باشد که بتواند تمام دستگاه‌های اجرایی را برای ارائه خدمت و انجام اقدامات در حوزه زنان و خانواده به کار بگیرد. این مدل در وهله اول، مدل قابل دفاعی است. اما اینکه این ستاد چرا تا حالا نتوانسته است دستگاه‌های اجرایی را به خدمت بگیرد؟، این نیاز به آسیب‌شناسی جدی دارد. اینکه چرا در دولت‌های مختلف این موقعیت و جایگاه، جایگاهی که باید برای حوزه زنان و خانواده خلق کند را نتوانسته است خلق کند؟، به نظر من بخشی از این بحث به خود موضوع زنان و خانواده بازمی‌گردد. رودربایستی نداریم. حوزه زنان و خانواده، مساله تعداد کمی از جامعه مدیریتی کشور است، یعنی تنها مساله زنان حاضر در جامعه مدیریتی کشور است. حضرت آقا می‌گویند که مساله زنان و خانواده مساله درجه یک کشور است. در بسیاری از بزنگاه‌های مهم می‌بینیم که مساله زنان در ردیف مسائل اصلی کشور قرار دارد اما عملا چنین امری را در حوزه اجرا نمی‌بینیم. من نمی‌خواهم افراد و اشخاصی را در این حوزه متهم کنم اما به نظر می‌رسد وقتی شما مساله مهم اقتصادی را دارید مسائل جدی اقتصادی اولویت پیدا می‌کند. از آنسو مساله فرهنگ طبق این قاعده به حاشیه می‌رود و طبیعتا مساله حوزه زنان بیشتر به حاشیه کشیده می‌شود.

این باعث می‌شود که آن معاونت نتواند نقشی که دارد را به خوبی بازی کند و این امر طبیعی است، یعنی موضوعی است که اهمیت آن برای جامعه مدیریتی کشور، بالا نیست. مثالی برای شما بزنم. در همین مساله مشاوره که می‌گفتم و بحث یارانه به سازمان برنامه و بودجه گفتم که شما اگر اینجا هزینه ندهید بعدا باید برای آسیب‌های اجتماعی هزینه بدهید چون اگر اکنون نتوانید نسبت به نظام خانواده رویکرد مراقبتی داشته باشید و از استحکام نهاد خانواده‌ها مراقبت نکنید بعدها باید بروید در حوزه آسیب‌های اجتماعی برای طلاق و فرزند طلاق و هزار آسیب دیگر هزینه کنید.

نگاه و رویکرد اصلا به‌گونه‌ای نیست که به حوزه زنان و خانواده توجه ویژه شود. خود این مانعی جدی برای سایر مسائل اجتماعی دیگر دارد. این نگاه و رویکرد وجود ندارد. چون این نگاه و رویکرد وجود ندارد وقتی می‌خواهیم برنامه بریزیم و بودجه تخصیص دهیم این موضوع در ردیف مسائل کم‌اهمیت قرار می‌گیرد. همچنین شما همان ساختار ستادی معاونت امور زنان مذکور را یک ساختار نحیف می‌بینید.

به چه معنا؟ معاونان رئیس جمهور در ساختار تشکیلاتی‌شان تا پنج معاون می‌توانند داشته باشند. این ساختار قابلیت این امر را دارد اما معاونت امور زنان یک ساختار به‌شدت نحیف و کوچک با تشکیلات ۳۰ الی ۴۰ نفره است و با دو معاونت اداره می‌شود. این یکی دیگر از ضعف‌های ساختاری این تشکیلات است. از سویی امتداد این معاونت قرار است کجا باشد؟ قرار است که امتدادشان مشاوران امور زنان دستگاه‌ها باشند، یعنی در دستگاه اجرایی باید بتوانند بازوهای اجرایی معاونت امور زنان باشند. می‌بینیم که در اینجا هم این ساختار ضعیف‌تر از ساختار معاونت امور زنان است. علی‌رغم تلاش‌هایی که صورت می‌گیرد، می‌بینید که اراده‌ای برای توسعه این فضا وجود ندارد و چون اراده‌ای برای توسعه این فضا نیست با یک تشکیلات نحیفی مواجه هستید که بار بزرگی برعهده دارد. مطالبات ۵۰ درصد جامعه را باید پاسخ بدهد، مساله خانواده را هم که کنارش بگذارید، می‌شود مطالبات ۱۰۰ درصد جامعه اما با ساختار به‌شدت نحیف روبه‌رو هستیم. ایده من این است تا وقتی ما مساله زنان و خانواده را به گفتمان تمام مسئولان جمهوری اسلامی تبدیل نکنیم بیش از این اتفاقی نمی‌افتد. ما راجع‌به ساختار حوزه زنان و ارتقای حوزه زنان در برنامه هفتم توسعه بیش از سه الی چهار بار تلاش کردیم. هنوز هم تلاش خواهیم کرد و ناامید نشدیم. چند باری تلاش کردیم که این ساختار را ارتقا دهیم اما اولین پاسخی که دریافت می‌کنیم این است که قرار است نظام اداری کشور بیش از این توسعه پیدا نکند و ما به دنبال کوچک‌سازی هستیم و نه بزرگ‌سازی. پاسخی که دادیم این بود؛ قاعدتا باید کوچک‌سازی اتفاق بیفتد اما در کنار کوچک‌سازی سیاست‌های کلی نظام اداری مساله منطقی‌سازی نیز وجود دارد. این توسعه ساختار حداقلی‌ترین کاری است که باید دنبال شود اما هنوز موفق نشدیم. البته امیدواریم و باز هم تلاش خواهیم کرد. بحث دیگری که به نظر من بدون تعارف باید به آن توجه کنیم این است که لازم است عملکرد متولیان معاونت امور زنان نیز توسعه پیدا کند و آن هم کمک خواهد کرد، یعنی وقتی یک تشکیلات نشان بدهد که کارآمدی ویژه خودش را با حداقل‌ترین تشکیلات دارد این نیز کمک می‌کند که بتوان آن را توسعه داد. اما روی هم‌رفته به نظر می‌رسد مساله زنان و خانواده در یک غربت به سر می‌برد. این غربت به مدد رسانه می‌تواند کمرنگ شود.

یکی از محورهای مهمی که در اصلاحات لایحه برنامه هفتم در مجلس دنبال کردیم اصلاح ساختار حکمرانی حوزه زنان و خانواده است که در کمیسیون تلفیق به تصویب رسید و مطابق آن دولت مکلف شد به منظور نهادینه‌سازی الگوی زن مسلمان (الگوی سوم) نسبت به بازآرایی و ارتقای ساختار و تشکیلات حوزه زنان و خانواده مشتمل بر ساختار معاونت امور زنان و خانواده و ساختار مشاوران امور زنان و خانواده دستگاه‌های اجرایی اقدام کند. این ارتقای ساختار طبق مصوبه تلفیق باید با هدف بهبود و تقویت راهبری اجرایی سیاست‌ها و قوانین حوزه زنان و خانواده، نظارت بر دستگاه‌ها و قوانین حوزه زنان و خانواده و ایجاد انسجام بین معاونت امور زنان و مشاوران امور زنان دستگاه‌های اجرایی باشد و امیدواریم که به نتیجه برسد.

پرسش بعدی‌مان مربوط به سابقه شما در حوزه زنان است. مساله‌ای که به دغدغه شخصی‌ام هم تبدیل شده است. در چند سال اخیر با آفتی به‌عنوان پژوهشگر حوزه زنان مواجه هستیم. می‌بینیم که این عنوان را خیلی‌ها به خودشان منتسب می‌کنند اما حرف کارشناسانه‌ای که ندارند هیچ بلکه به ضرر زنان نیز رفتار و عمل می‌کنند، یک آسیب‌شناسی در این باره داشته باشیم. اینکه قضیه چیست و از چه وقت و کجا آغاز شد؟

من فکر می‌کنم مساله جدی‌مان در حوزه زنان و خانواده مانند «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها» است، یعنی چون ما زنان نسبت به مساله زنان و خانواده تجربه زیسته داریم این تصور حاصل می‌شود که در این باره می‌توانیم به‌راحتی اظهارنظر کنیم. همه ما بالاخره به‌عنوان یک زن زندگی می‌کنیم و همه زنانی که مادری را تجربه کرده‌اند می‌توانند به‌عنوان مادر دغدغه مادرانگی‌شان را مطرح کنند. زنان می‌توانند از احساس امنیت‌شان صحبت کنند، به‌عنوان یک زن می‌توانند مطالبات‌شان را مطرح کنند. زنان از تجربه زیسته‌شان بگویند. طبیعتا گفتن تجربه زیسته هم درست است. هر کسی که صاحب تجربه زیسته است می‌تواند از آن بگوید. شاید خیلی عجیب‌وغریب نیست. من بی‌واسطه تجربه‌ای دارم و بی‌واسطه، تجربه‌ام را مطرح می‌کنم اما منی که بی‌واسطه تجربه دارم و بی‌واسطه هم می‌توانم آن را بیان کنم به این معناست که می‌توانم تجربه‌ام را تعمیم دهم؟! می‌توانم بگویم این تجربه عمومی زنان است؟! یا باید این مساله از طریق روش‌های تحقیقی و پژوهشی قابلیت تعمیم پیدا کند؟ به نظرم مهم‌ترین امری که همه درباره حوزه زنان صحبت می‌کنند، همین حس تجربه زیسته است اما نباید غافل شویم که حوزه زنان سهل و ممتنع است، یعنی سهل بودن آن همان تجربه مشترک است ولی ممتنع بودن آن این است که تا چه اندازه این تجربه مشترک و صورت‌بندی آن دقیق و درست است که براساس آن راهبرد دهیم؛ چراکه گفتن صرف تجربه هنر نیست. زنان به برکت جمهوری اسلامی وارد عرصه تعلیم و تربیت شده‌اند، به موقعیت‌هایی رسیده و صاحبان تجربه علمی و سیاسی هستند. تمام این گفت‌وشنودها یا برای رفع خلأهاست یا استفاده از ظرفیت‌ها. خارج از این دو قاعده نیست. برای اینکه یکی از این دو باشد باید به صورت‌بندی مهمی برسیم. من فکر می‌کنم مقداری بحث برساخت و قابلیت رسانه‌ای که به افراد داده می‌شود تاثیرگذار است. اکنون شما برای بیان احساسات، عواطف و تجربیات‌تان به‌راحتی می‌توانید از صفحات شخصی‌تان کمک بگیرید. اگر هم صاحب خلاقیت باشید می‌توانید نظر و توجه افرادی را حول بیانات و نوشته‌هایتان جلب کنید. اینها نقاط بحرانی ما شده است. اینکه ما با خلاقیت‌هایی افراد را دور خودمان جمع می‌کنیم و بعضا حتی داریم در موضوعات زنان هم انحراف ایجاد می‌کنیم؛ چراکه ممکن است آن صورت‌بندی ما از تجربه‌مان صورت‌بندی درستی نباشد. نیازمند این هستیم که جامعه پژوهشی و دانشگاهی کشور نسبت به بیان راهبردها و مسائل، نظر کارشناسی دهند. یک خطری را هم دارد ایجاد می‌کند و آن دقیقا همان برساخت رسانه‌ای مسائل است. به این معنا که من از طریق رسانه، تجربیاتم را می‌گویم و به جای اینکه پژوهش‌های عمیق کمی‌وکیفی در کشور دنبال شود اتفاقی که می‌افتد این است که نظرات من به‌عنوان یک فرد صاحب رسانه تبدیل به مسائل اصلی کشور می‌شود. این نقطه بحرانی ماست که اگر اتفاق بیفتد نقطه خطرناکی است. اتفاقا ما بر همین اساس در برنامه هفتم توسعه اجرای دو پیمایش ملی در حوزه زنان و خانواده را در نظر گرفتیم؛ تا وقتی می‌خواهیم درباره مسائل زنان صحبت کنیم آن مرجعیت بخشی به رویکردهای علمی دنبال شود؛ در برنامه هفتم توسعه مساله ارائه مطالعات و پیمایش‌های اجتماعی را قرار دادیم که از این طریق نظام مسائل پیگیری شود. البته از یک امر نباید غافل شویم که بیان مسائل و ارائه راهبرد یک اجماع کارشناسی می‌خواهد. کارشناس حوزه زنان و پژوهشگر حوزه زنان نیز تعریف دارد، یعنی فرد صاحب اثر در حوزه زنان و خانواده باشد. اثر علمی و نتیجه کار علمی فرد دیده شده باشد و این افراد هستند که صلاحیت دارند در حوزه خانواده کارشناس و پژوهشگر شناخته شوند.

در یکی از دیدارهای اخیر مقام معظم‌رهبری از کلیدواژه آزادی مشروع استفاده کرد. در مساله حضانت مادران، ما خلأهای قانونی داریم که بسیار جزئی هستند. از ایجاد حساب بانکی برای فرزند گرفته تا مثلا اجازه یک اردوی مدرسه. داستان چیست؟ خلأ قانونی است یا در این سال‌ها به این موارد اشاره نشده است؟ از سمت دیگر ما از لحاظ مالی کمترین حمایتی از زن سرپرست خانوار می‌بینیم. اینها را توضیح دهید.

خانم‌هایی که همسرشان را از دست داده‌اند در فیش حقوقی‌شان حق اولاد دریافت می‌کنند و بحث عائله‌مندی لحاظ می‌شود. البته یک مطالبه‌ای هم مادران کارمند دارند. اینکه آنها هم مادرند و دارند خرج زندگی می‌دهند. این مساله از مسائلی است که هم معاونت زنان و هم ما در مجلس شورای اسلامی، دغدغه‌اش را داریم اما نتوانسته‌ایم فعلا آن را به نتیجه برسانیم. در مساله حضانت نیز نقشی که مادر دارد مساله جدی تزاحم میان نقش مادر و نقش ولی است. این امر برای همسران شهید و زنانی که همسران‌شان را از

ادامه در صفحه ۷

چین، اروپا و آمریکا طراحی‌های جدید علمی خود را مبتنی بر استقلال پیش می‌برند

اندیشه «دفاع» چگونه محور توسعه فناوری شد؟

فرهیختگان
دانشگاه
WWW.FDN.IR | ۴۰۰۸۵

دکتر طهرانچی در کنگره بین‌المللی

اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری تاکید کرد

بازگشت به حکمرانی علم و حکمت بنیان مبتنی بر قرآن

کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد با حضور مصطفی رستمی رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دکتر محمدمهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد، محمد شریفانی مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد و علی عباسی رئیس جامعه‌المصطفی‌العالمیه در سالن شهید مطهری سازمان مرکزی برگزار شد.

رونمایی از کتاب «سلسله منشورات کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای»

در ادامه این مراسم از کتاب سه جلدی «سلسله منشورات کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای» که چکیده مقالات دانشگاه آزاد است و به همت محمدعلی رضایی اصفهانی، محمد امینی تهرانی و محمدرضا حقیقت سمنانی گردآوری شده رونمایی شد. در این مراسم از فائزه‌سادات عظیم‌زاده اردبیلی، حامد فتحعلیانی، سیدرضا موسوی و طیبه زارعی به‌عنوان نویسندگان مقالات برتر تقدیر به عمل آمد. همچنین از برگزارکنندگان این کنگره ازجمله دکتر طهرانچی رئیس اولین اجلاس کنگره، محمدعلی رضایی اصفهانی دبیرعلمی کنگره، یوسف موسوی دبیر اجرایی کنگره، محمد شریفانی دبیر اولین اجلاس کنگره قدردانی شد.

کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد توسط دانشگاه آزاد و جامعه‌المصطفی‌العالمیه با همکاری بیش از ۱۸۰ مرکز علمی در راستای اجرای تفاهمنامه همکاری دانشگاه آزاد و جامعه‌المصطفی‌العالمیه و در ۱۵ محور با موضوعات قرآنی برگزار شد.

دکتر طهرانچی در کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری تاکید کرد

بازگشت به حکمرانی علم و حکمت بنیان مبتنی بر قرآن

دکتر محمدمهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در نخستین کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای که صبح روز گذشته در سالن شهید مطهری سازمان مرکزی دانشگاه آزاد برگزار شد با قدردانی از دست‌اندرکاران برگزاری این کنگره گفت: «ان‌شاءالله بتوانیم از طریق مطلب ویژه‌ای و با پرداختن به اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری که می‌تواند نوعی نگاه جدید و آوردن قرآن به سفره زندگی باشد اقدام شایسته‌ای انجام دهیم.» وی خاطرنشان کرد: «براساس آیه ۳۰ سوره فرقان ما مورد گلایه پیامبر مکرم اسلام (ص) واقع می‌شویم؛ چراکه قرآن را در زندگی‌مان مهجور گذاشته‌ایم. مهجور گذاشتن قرآن ابعاد مختلفی دارد و باید تلاش کنیم آن را از مهجوریت خارج کنیم. واقعیت این است که قرآن، «مأدبه الله» یا سفره‌ای است که می‌توانیم بر سر آن بنشینیم یا فرهنگستان و ادبستان است که با تمسک و ابتناء به آن می‌توانیم تعلیم و تربیت، سبک زندگی، حکمرانی و سایر امور را مبتنی بر آن پایه‌گذاری کنیم.» رئیس دانشگاه آزاد اسلامی با اشاره به حدیث امیرالمومنین (ع) گفت: «قرآن کریم فقط حدیث گذشته و متوقف به گذشته نیست، بلکه علم آینده است که سخن از گذشته در آن وجود دارد و دوای درد و باعث نظم و ساماندهی است. نکته قابل تامل درباره قرآن این است که کتاب هدایت است اما اشاره‌های جدی به پدیده‌های انسانی، طبیعی و اجتماعی دارد. همچنین گزاره‌های زندگی‌ساز و درهم‌تنیدگی حکمرانی و سبک زندگی در قرآن کریم وجود دارد که باید آنها را استخراج کرد. البته نوع برخورد با قرآن نباید فقط «نقلی» باشد یعنی باید با قرآن ضمن بهره‌گیری از همه ارکان شناخت (سمع، ابصار و افئده) برخورد کرد.» دکتر طهرانچی با اشاره به مفاهیم «جامعه دانش‌بنیان»، «اقتصاد دانش‌بنیان» و «حکمرانی دانش‌بنیان» گفت: «امروزه این مفاهیم زیاد شنیده می‌شود. این سوال پیش می‌آید که آنچه قرآن برای ما به‌عنوان الگو تعیین کرده، این مفاهیم است یا فراتر از آنها؟ وقتی به حکمرانی یا سیاست مدن نگاه می‌کنیم، می‌بینیم دارای چیستی، چرایی و چگونگی است اما عمدتا ما در چگونگی یا حداکثر در مفهوم چیستی به اندیشه می‌پردازیم و به چرایی که پارادایم، مکاتب، رویکرد، نظریه‌ها، اهداف و گزاره‌هاست کمتر عنایت داریم.» وی با بیان اینکه ما در حکمرانی سیاستگذاری را وارد، برنامه‌ریزی را تقلید و قالب‌ها را الگوگیری کرده‌ایم، تصریح کرد: «در ادامه این مسیر که به قوانین می‌رسیم، می‌خواهیم بررسی کنیم که آیا با قوانین شرع مطابق است یا خیر، درحالی‌که در حکمرانی باید در چرایی تأمل کرد. چرایی مانند ریل و چگونگی مثل قطار است و قطار در هر ریلی قرار بگیرد، مسیر آن را طی می‌کند و این نکته بسیار مهمی است. به همین دلیل وقتی تمایز جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورهای مسلمان را می‌بینیم متوجه می‌شویم که بحث بر سر ریل است نه چگونگی و اینکه چگونه ریل را بنا نهاده‌ایم، بحث اصلی است.» رئیس دانشگاه آزاد خاطرنشان کرد: «وقتی سخن از حکمرانی می‌شود، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و قانونگذاری در حوزه‌های سلامت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، محیط زیست، دفاع و امنیت، علم و فناوری و امور اجتماعی را دربر می‌گیرد. البته سیاستگذاری انتخاب بین چند راه است و از امور اداری متفاوت و غالب بر آن است.» دکتر طهرانچی ادامه داد: «وقتی به چرایی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در سیاستگذاری، فلسفه‌ها، مکاتب و رویکردهای متعدد و متفاوتی وجود دارد و نکته مهم این است که فلسفه و رویکرد سیاستگذاری بسیاری از نظامات، ناخواسته تقلید از آنچه در غرب پرورش یافته، است.» رئیس دانشگاه آزاد با طرح این سوال که آیا علم می‌تواند بر سیاستگذاری حاکم شود، به سوره یوسف اشاره کرد و گفت: «خداوند در احسن‌القصص برای حضرت یوسف مراتبی را قرار داده است که اولین آن تعلیم تاویل حدیث است که حضرت یوسف براساس آن آینده‌نگری و آینده‌نگاری می‌کرد. مرتبه دیگر دانش و حکمتی بود که به ایشان داده شد و با آن سیاستگذاری می‌کرد و مرتبه بعدی دانش و امانتداری است که حضرت یوسف با آن برنامه‌ریزی و اجرا را انجام می‌داد.» وی تاکید کرد: «خداوند در سوره یوسف مسیر حکمرانی را براساس آینده‌نگری، آینده‌نگاری، سیاستگذاری، قانونگذاری و برنامه‌ریزی ترسیم می‌کند. براساس این سوره مبارکه حکمرانی دارای ابعاد خاصی است و باید از مشاوران عالم و حکیم، برنامه یا دوره زمانی مطابق با محیط پیرامونی، تغییر سبک زندگی، استفاده از فناوری و انتخاب مدیران علیم و امین استفاده کرد.» دکتر طهرانچی با اشاره به آیه ۲۵۱ سوره بقره گفت: «وقتی بحث حکمرانی و اداره جوامع مطرح می‌شود با دوگانه علم و حکمت مواجه هستیم. این دوگانه در سوره‌های نساء و صاد نیز دیده می‌شود و همواره در بحث حکمرانی، در قرآن حکمت و علم به‌عنوان دو لازمه حکمرانی مطرح است. حکمت چیزی است که پیامبران به بشر تعلیم دادند و یک خیر کثیر است. نکته دیگری که در حکمرانی اهمیت دارد جهت‌دار بودن ابزار علم است. خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید به شناخت پدیده و کارکرد و جهت‌مندی آن اشاره کرده است. همچنین درباره فناوری نیز در آیه ۸۰ سوره انبیا به کارکرد علم و فناوری اشاره شده که باید جهت‌دار باشد. جهت سیاست «لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ» است.» دکتر طهرانچی ادامه داد: «خداوند در آیه ۲۱۹ سوره بقره درباره سوالی که از حضرت محمد(ص) درمورد حکم شراب و قمار می‌پرسند، با منطق دو وجه «اثم کبیر» و «منافع للناس» را بیان می‌کند و در ادامه می‌فرماید «إِثْمُهمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا». یعنی یکی از حکمت است و دیگری منافع للناس است که از علم می‌آید. قاعده‌گذار به حکمت و علم اشاره دارد و جمع این دو، حکمی است که تبیین می‌شود.» وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ویژگی اندیشه‌های رهبری در راهبری نظام جمهوری اسلامی گفت: «وقتی اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب در راهبری نظام را مرور می‌کنیم، شاهدیم که این اندیشه‌ها ابتنای به قرآن، مکتب اهل بیت (ع) و باورمندی مطلق به سنت‌های الهی دارد. در جمهوری اسلامی ایران سیاستگذاری که ابتدای «چگونگی» است، برعهده رهبری است. سوال این است که آیا فقط یک مجتهد در مقام رهبری کفایت می‌کند یا رهبر باید دارای مکتب سیاستگذاری باشد.» رئیس دانشگاه آزاد با بیان اینکه حکمرانی را باید با تعیین پارادایم، مکتب، هدف و رویکرد انجام داد، گفت: «ما از مقام معظم رهبری گزاره‌ها را می‌شنویم اما پشت این گزاره‌ها، یک الگوی ذهنی است که این الگو همان اندیشه‌های راهبری ایشان است. اندیشه‌هایی که ایشان در این ۳۰ سال مطرح کرده‌اند، یک نگاه به قرآن کریم در حوزه حکمرانی و سبک زندگی است که قرآن را برای حکمرانی، پاسخگویی به نیازهای امروز بشر و مواجهه با نظم جهانی به زندگی ما آورده‌اند.» وی به دیدگاه مقام معظم رهبری درباره تحول اشاره کرد و افزود: «تحول مشخصه نظام جمهوری اسلامی ایران است و زمانی که رهبر معظم انقلاب از تحول سخن می‌گویند اشاره‌ای به استفاده از علم غرب ندارند، بلکه می‌فرمایند بدون پشتوانه فکری، تحول اتفاق نمی‌افتد و باید از دارایی معنوی خود استفاده کنیم. این نگاه نشان می‌دهد که ما یک دارایی معنوی داریم و باید به آن اتکا کنیم.» دکتر طهرانچی خاطرنشان کرد: «مقام معظم رهبری در تفسیر سوره تغابن درباره انتخاب جزء ۲۷ و ۲۸ قرآن کریم برای تفسیر می‌فرمایند که سوره‌های این دو جزء غالبا مدنی است و مربوط به بعد از تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر اعظم (ص) می‌شود؛ یعنی اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری مربوط به دوران تشکیل حکومت اسلامی است و این بحث ویژگی منحصربه‌فرد و نگاه قرآنی ایشان به‌عنوان یک عالم قرآنی است که دوران پس از تشکیل حکومت اسلامی را در همه ابعاد نگاه می‌کنند. مقام معظم رهبری به وجود موضوعات مهم اسلامی در سوره تغابن اشاره می‌کنند و وقتی به «لَه الْمُلْكُ» می‌رسند، می‌فرمایند: اساس حکمرانی ما در «لَه الْمُلْكُ» است و توضیح می‌دهند که «ملک به معنای حکومت و سلطنت است. «لَه الْمُلْكُ» یعنی اختیار و اراده آفرینش در دست خداست. ملک حقیقی، ملک الهی است. همچنین «لَه الْمُلْكُ» مبنای فلسفه سیاسی و نظام سیاسی و اجتماعی اسلام هم هست. نظام سیاسی اسلام، نظام حکومت الهی است. حاکمیت الهی است. حاکمیت الهی به معنای همه‌جانبه و کامل، یعنی هم قانون از سوی خداست و هم مجری قانون منصوب خداست. این نگاه که اساسا ما چگونه می‌خواهیم حکمرانی کنیم، از «لَه الْمُلْكُ» شروع می‌شود.» دکتر طهرانچی ادامه داد: «مقام معظم رهبری در تفسیر آیه «خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» از سوره تغابن می‌فرمایند قوانین اسلام مطابق با قوانین طبیعت است و به همین دلیل این نگاه به علم ایشان را متمایز کرده است. همچنین ایشان در تفسیر این سوره مبارکه «وضوح شعارهای انقلاب شبیه شعارهای انبیاء (ع)»، «سوءاستفاده زورگوها از تحقیر مردم در گذشته و حال»، «تفاوت رویکرد انسان معتقد به معاد با منکر آن» و «نقش ایمان به خداوند در تحول مسائل» را مطرح می‌کنند.» رئیس دانشگاه آزاد خاطرنشان کرد: «نقش ایمان به خداوند در تحول مسائل بحثی است که در مساله غزه نمود آن را می‌بینیم. همچنین یکی از دلایلی که گرویدن به اسلام در دنیا افزایش پیدا کرده است، این آیه شریفه است که خداوند می‌فرماید «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَه إِلَّا بِإِذْنِ اللَّه.» وی افزود: «مقام معظم رهبری درباره بحث حکمت در تفسیر آیه «وَ مَنْ يُومِنْ بِاللَّه يَهدِ قَلْبَ هوَ اللَّه بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» می‌فرمایند اگر انسان خداوند را با صفات حقیقی خدا، یعنی همان صفاتی که وجود پروردگار و بندگان شایسته آن ما را به آن صفات هدایت کردند بشناسند دل انسان به حوادث عالم هدایت می‌شود، یعنی خود افراد باایمان را هدایت می‌کنند، دل‌های مومن را با زوایای پنهان و مخفی زندگی که انسان نمی‌تواند آن زوایا را با عقل و فهم معمولی خود بفهمد، هدایت می‌کند، این حکمت است.»

رئیس دانشگاه آزاد گفت: «این تعریف حکمت که مقام معظم رهبری دارند حکمرانی است که فقط ملکی نیست، بلکه اثر ملکوت بر ملک را هم درک می‌کند.» دکتر طهرانچی در پایان خاطرنشان کرد: «اگر نوع رهبری مقام معظم رهبری را دقیق ببینیم، مالامال از نکات ویژه‌ای است که می‌شود هدایت خداوند بر قلب مومن را، که حکمتی است که خداوند به‌عنوان خیر کثیر به ایشان داده است، استخراج کرد. براساس آیه ۳۰ سوره روم انسان‌ها فضایی ساخته‌اند که نتیجه آن تلخ بود و نیاز به یک ارجاع و بازگشت دارند که بازگشت به حکمرانی علم و حکمت‌بنیان، بر ابتنای قرآن کریم و مکتب اهل بیت(ع) است که در اندیشه مقام معظم رهبری به نیکی می‌توان یافت.»

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

رئیس جامعه‌المصطفی‌العالمیه:

نگاه نظام‌گونه رهبری از قبل از انقلاب اسلامی مطرح بوده است

علی عباسی، رئیس جامعه‌المصطفی‌العالمیه در این کنگره با قدردانی از برگزارکنندگان این کنگره گفت: «از حدود دوسال پیش برنامه‌ریزی کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی مقام‌معظم‌رهبری آغاز شد و امروز اولین اجلاسیه بزرگ این کنگره با میزبانی دانشگاه آزاد برگزار شد.» وی با بیان اینکه انقلاب اسلامی تماما مبتنی‌بر اندیشه‌های قرآنی است، اظهار کرد: «خاستگاه و مسیر انقلاب اسلامی براساس برداشت از این کتاب الهی ترسیم شده است. درواقع قرآن منبع اصلی اندیشه اسلامی است، لذا پرداختن به قرآن و تفسیر مفسرانی که قرآن را با نگاه مشکلات زمانه، مساله‌های روزگار و نیاز انسان معاصر مطرح کردند، از ضرورت‌هاست.» رئیس جامعه‌المصطفی‌العالمیه خاطرنشان کرد: «در یک قرن اخیر نگاه مفسرانی را شاهد هستیم که به محتوای قرآن به‌عنوان یک نظام جامع اندیشه و عمل برای زندگی فردی انسان، زندگی اجتماعی انسان‌ها، روابط بین‌المللی و روابط میان ملت‌ها نگاه کرده‌اند، نگاه نظام‌واره و نظام‌گونه به اندیشه‌های مکتشف از قرآن در یک قرن اخیر در میان مفسران ما یک نگاه مشهودی است. شاید در کشور ما و در جوامع علمی ما مرحوم علامه طباطبایی بارزترین شخصیتی است که این نگاه را می‌توان در تفسیر او مشاهده کرد.» وی تاکید کرد: «همچنین یکی از شخصیت‌های بارز و برجسته‌ای که این نگاه نظام‌گونه و اندیشه اسلامی را در محضر قرآن از قبل از انقلاب اسلامی مطرح کردند، شخصیت فرزانه و عزیز رهبر معظم انقلاب اسلامی هستند.» عباسی اظهار کرد: «قرآن کریم یک کتاب الهی است که شما را به یک طریقت و مسیری هدایت می‌کند که مستحکم‌ترین و حکیمانه‌ترین نوع زندگی است. امروز مشکل بشریت همین است. ما امروز با یک تمدن و مدرنیته‌ای مواجه هستیم که مبنای مادی دارد و طبیعتا براساس این مبنای مادی پیامدها و نتایجی در زندگی اجتماعی بشر در عالم حاکم شده است.» وی ادامه داد: «قرآن کریم می‌تواند ما را از ظلمت آلودگی‌ها و تباهی نجات بدهد، لذا جا دارد به این کتاب و تفسیر آن و مبانی فکری که از این کتاب استنباط می‌شود، بپردازیم.» رئیس جامعه‌المصطفی‌العالمیه تاکید کرد: «باعث سربلندی است که امروز این پرچم را مراکز آموزشی و تحقیقاتی و جوانان ما در اختیار گرفتند و تلاش می‌کنند این پیام را به همه بشریت انتقال دهند. امروز این کنگره به یاری خدای بزرگ برای معرفی شخصیت مقام‌معظم‌رهبری و راه و تمدن تازه برای انسانیت، تلاش می‌کند.»

رئیس نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها:

مقام‌معظم‌رهبری در اندیشه‌های قرآنی صاحب‌نظر و نوآور هستند

رئیس نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها نیز در این مراسم گفت: «مقام‌معظم‌رهبری به‌عنوان یک شخصیت عالم، محقق و اهل تامل در قرآن و در اندیشه‌های قرآنی صاحب‌نظر و نوآور هستند.» مصطفی رستمی در کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی مقام‌معظم‌رهبری که در دانشگاه آزاد برگزار شد، گفت: «از دانشگاه آزاد و جامعه‌المصطفی‌العالمیه به‌دلیل اهتمامی که در برگزاری این کنگره ارزشمند و انتخاب این موضوع فاخر داشتند، قدردانی می‌کنم.» وی با بیان اینکه موضوعی که برای این کنگره انتخاب شد، از نظر زمانی دیرهنگام، اما از نظر موضوعی بسیار مهم است، اظهار کرد: «ما به اندیشه‌های قرآنی مقام‌معظم‌رهبری به‌عنوان یک شخصیت عالم، محقق و اهل تامل در قرآن که در اندیشه‌های قرآنی صاحب‌نظر و نوآور هستند، نیاز داریم. ایشان شخصیتی هستند که سال‌های متمادی را به کاوش، تامل و استخراج در قرآن پرداخته‌اند.»

رستمی با بیان اینکه اولین آثاری که در زمینه قرآنی از مقام‌معظم‌رهبری مدون شد در سال ۱۳۵۳ بود، افزود: «قطعا قبل از این تاریخ نیز ایشان در فضای قرآنی فعال بودند. مقام‌معظم‌رهبری شخصیتی هستند که نیم‌قرن در زمینه تامل در قرآن و توجه به قرآن فعالیت داشتند.» رئیس نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها با تاکید بر اینکه قرآن یک مجموعه جامع و پاسخگو به نیازهای بشر است، خاطرنشان کرد: «مقام‌معظم‌رهبری همواره طی سالیان متمادی برای به صحنه آوردن قرآن با استفاده از شیوه‌های مختلف تلاش کرده‌اند. مبارزات اجتماعی و سیاسی و مدیریت عالی جهان اسلام توسط ایشان در راستای توجه به تعالیم قرآن بوده است.» وی با اشاره به اینکه مقام‌معظم‌رهبری قرآن را یک مجموعه نظام‌مند، پاسخگو و دارای محتوای بی‌نیاز از غیر می‌بینند، گفت: «همواره تلاش مقام‌معظم‌رهبری را برای به عرصه درآوردن قرآن در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و... به‌صورت معنادار و پررنگ مشاهده می‌کنیم.» رستمی با اشاره به اینکه قرآن یک کتاب دارای طرح و برنامه هدایت جوامع بشری است، تصریح کرد: «اهل‌بیت(ع) که نگهبانان دین و مبینان قرآن بودند، تلاش کردند که اجازه روایت تحریف شده از قرآن را ندهند و مسیری که اهل‌بیت(ع) پیش‌پای علمای اسلام قرار دادند، منجر به بروز یکی از جلوه‌های علمی قرآنی که انقلاب اسلامی است، شد.»

رئیس نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها خاطرنشان کرد: «مقام‌معظم‌رهبری رویکرد ویژه‌ای به تفسیر اجتماعی، سیاسی و جهت‌گیری هدایتی و تربیتی قرآن دارند.» وی در ادامه با تاکید بر اهمیت توجه به مواجهه با قرآن در تمام ابعاد، اظهار کرد: «امروز قرآن‌سوزی به نمادی برای حرکتی گسترده در بدنه نظام استکباری تبدیل شده است. قرآن کتابی است که هرگز با تفکر استکباری نظام‌های سلطه و تحت سلطه سازگار نیست. قرآن‌سوزی نمادی از عداوت و دشمنی است و در مقابل، انقلاب اسلامی و نظام اسلامی تجلی عینی تلاش مسلمانان برای پیاده کردن قرآن است.» رئیس نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها خاطرنشان کرد: «تفکر اسلامی اجازه نمی‌دهد ملتی توانایی‌هایش سرکوب شده و دیگران بر او مسلط شوند. همچنین فرهنگ شهادت، یکی از عالی‌ترین آموزه‌های قرآن است. ملت اگر معنای شهادت را فهمید، آن وقت می‌تواند بدون دغدغه و با استقلال زندگی کند. امید به آینده و امید به تحقق روزهای عالی حاکمیت ارزش‌های الهی و انسانی در عالم جزء فرمایشات مقام‌معظم‌رهبری است.» وی در پایان ابراز امیدواری کرد که نگاه قرآنی عمیق و راسخ به آینده مقام‌معظم‌رهبری و اندیشه‌های بلند ایشان در مجامع علمی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

دبیر کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی مقام‌معظم‌رهبری:

شناخت بعد علمی رهبری هدف برگزاری کنگره است

محمدعلی رضایی اصفهانی، دبیر کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی مقام‌معظم‌رهبری همچنین در ادامه به ارائه مطالبی درخصوص سیر تطور تفسیر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و روش تفسیری و نوآوری‌های ایشان پرداخت و گفت: «شخصیت قرآنی ایشان حاصل تعامل سه حوزه مشهد، قم و نجف است. درواقع ترکیبی از تعبد نقلی، عقلانیت و ولایت است.» وی اظهار کرد: «ایشان در اوج گرفتاری‌های جنگ، ریاست جمهوری و رهبری تفسیر قرآن می‌کردند و این بعد شخصیتی ایشان برای ما ناشناخته است.» دبیر کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی مقام‌معظم‌رهبری با بیان اینکه ۱۰ جلد از تفاسیر مقام‌معظم‌رهبری چاپ شده است، گفت: «همچنین ۲۳۳ مورد پایان‌نامه ارشد و دکتری درمورد آثار ایشان نگارش شده است.» وی با اشاره به روش‌های تفسیر مقام‌معظم‌رهبری گفت: «تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر روایی، تفسیر عقلی، تفسیر علمی، تفسیر اشاری (باطنی) ازجمله روش‌های ایشان هستند.» رضایی اصفهانی در ادامه گفت: «هدف از برگزاری کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی مقام‌معظم‌رهبری، شناخت بعد علمی، کشف نوآوری‌های ایشان و ترویج فرهنگ قرآنی است.» وی در پایان خاطرنشان کرد: «۵۳ نشریه علمی برای چاپ مقالات این کنگره اعلام آمادگی کرده‌اند که بسیار حائز اهمیت است.»

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی:

ارسال بیش از ۲ هزار مقاله علمی به یک کنگره کم‌سابقه است

آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همچنین در این کنگره گفت: «برگزاری کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی مقام‌معظم‌رهبری حرکت بسیار ارزشمندی است؛ چراکه یک کار علمی بسیار دقیق، عمیق و بجاست.» وی با بیان اینکه بیش از دوهزار مقاله به دبیرخانه این کنگره ارسال شده است، اظهار کرد: «این حجم عظیم از مقالات پذیرفته‌شده در کنگره یک کار بسیار عظیم و کم‌سابقه است. این کمیت توأم باکیفیت است. ما در این کنگره درباره شخصیتی سخن می‌گوییم که یک متفکر، اندیشمند، عالم برجسته تاریخ، دانشمند، فرهیخته، فقیه و سیاستمدار برجسته است. شخصیتی که در هنر نیز صاحب دیدگاه و سرآمد است.» آیت‌الله رشاد ادامه داد: «مقام‌معظم‌رهبری همچنین در حوزه شعر جزء شخصیت‌های طراز اول این حوزه هستند.» رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با تاکید بر اینکه وجه بارز شخصیت مقام‌معظم‌رهبری، قرآنی بودن ایشان است، گفت: «ایشان جزء شخصیت‌های جامع هستند. همه زوایای شخصیتی ایشان برجسته است. از یک ذکاوت فوق‌العاده‌ای برخوردارند و نوآوری و تسلط کارشناسانه به مسائل از ویژگی‌های ایشان است.»

مدرک تحصیلی اینجانب مسعود نفری فرزند احمد به شماره شناسنامه ۰۰۱۰۷۳۵۳۱۳ صادره از تهران مقطع کارشناسی رشته مهندسی متالورژی و مواد –متالورژی صنعتی صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱۲۹۳۱۱۵۰۱۲۷۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج –انتهای رجایی‌شهر–تقاطع بلوار موذن و استقلال–صندوق پستی ۳۱۴۸۵-۳۱۳ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب کژال جادری فرزند فریبرز به شماره شناسنامه ۳۵۵۲ صادره از کرمانشاه در مقطع فوق دیپلم رشته تربیت‌بدنی صادره از واحد دانشگاهی شماره اف ۳۱۴۹۶۳۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه ارسال فرماید.

مدرک دانشنامه احسان کشاورزی فرزند ابوالفضل دارای شناسنامه به شماره ۰۰۱۴۹۰۹۶۶۹ صادره تهران رشته مهندسی ساخت تولید صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه-کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الأنبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

نوبت دوم

شهرداری محمدشهر

مناقصه عمومی دفع آب‌های سطحی ۲

شهرداری محمدشهر در نظر دارد فراخوان دفع آب‌های سطحی ۲ به شماره (سیستمی) ۲۰۰۲۰۰۵۳۱۴۰۰۰۰۵۴ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

تاریخ انتشار فراخوان: ۱۷ /۱۴۰۲/۰۸ از ساعت ۱۴:۳۰

مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۲۵ /۱۴۰۲/۰۸ تا ساعت ۱۴:۳۰

مهلت ارسال پیشنهادات: ۰۵ /۰۹/ ۱۴۰۲ تا ساعت ۱۴:۳۰

زمان بازگشایی پاکت‌ها: ۰۶ /۰۹/ ۱۴۰۲ ساعت ۰۸:۰۰

نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: سپرده شرکت در مناقصه مورد اشاره به مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد که می بایست به‌صورت ضمانتنامه معتبر بانکی با اعتبار حداقل سه‌ماهه یا رسید سپرده نقدی ارائه گردد.

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: استان البرز، محمدشهر، بلوار امام خمینی(ره)، خیابان شهید شاه‌حسینی، شهرداری محمدشهر. شماره تماس: ۳۵۷۰۵-۰۲۶

مهرداد حسن‌زاده
شهردار
شماره شناسه ۱۶۰۳۶۸۵

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه در نظر دارد یک دستگاه اتوبوس بنز تیپ سی ۴۵۷ مدل ۱۳۸۹ را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روزکاری جهت بازدید و دریافت اسناد مزایده در ساعات اداری به دبیرخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه مراجعه نمایند. شمارهتماس ۰۹۹۰۶۱۳۱۳۶۷

شرایط شرکت در مزایده:

۱ـ دانشگاه در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

۲ـ هزینه درج آگهی روزنامه‌ها به عهده برنده مزایده می‌باشد.

۳ـ سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد و مدارک مزایده درج گردیده است.

کانون تبلیغاتی
سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

ادامه از صفحه ۳

۳۹ ایده در دومین روز رویداد مشق امید داوری شد

لذت حل مساله به روایت دانشجویان دانشگاه آزاد

مطهره سادات قاسمی
خبرنگار گروه دانشگاه

آسیب‌شناسی فعالیت دانشگاه‌ها در کشور ما نشان از فاصله جریان آموزش و پژوهش با نیازها و مسائل چالشی جامعه دارد. اگرچه تلاش شده جهت‌گیری کلی حرکت در سال‌های اخیر به سمت و سوی این چالش معطوف شود اما هنوز هم راه زیادی باقی مانده تا دانشجویان ضمن آشنایی برای حل آنها دغدغه پیدا کنند و گام بردارند. همینجاست که جای خالی رویدادی مانند مشق امید حس می‌شود. رویدادی که تلاش کرده با استفاده از بستر فعالان تشکل‌های مختلف سطح دانشگاه ایده‌های اندیشه‌های جوان را برای حل مسائل مهم مناطق مختلف کشور هدایت کند. دومین رویداد مشق امید از دوشنبه در واحد تهران مرکزی آغاز شده و امروز با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان می‌دهد. «فرهیختگان» در گزارش امروز مروری داشته بر تحولات روز دوم این رویداد و نظرات دانشجویان شرکت‌کننده را جویا شده که در ادامه می‌خوانید.

داوری ۳۹ ایده در روز دوم رویداد

در ساختمانی که برای برگزاری رقابت‌ها در نظر گرفته شده است بنر اسامی سرپرست تیم‌ها نصب شده و نشان می‌دهد از شش هزار و ۳۳۸ تیم ثبت‌نام‌کننده ۶۴ تیم توانسته‌اند به مرحله کشوری راه پیدا کنند. موضوعات این تیم‌ها در حوزه‌هایی از جمله فرهنگی و اجتماعی، روانشناسی، فنی و مهندسی، اقتصادی، سیاسی، کشاورزی و پزشکی مهندسی خلاصه می‌شود. زمان ارائه هر تیم نیز در بنر دیگری مشخص شده و در بازه‌های زمانی که مخصوص ارائه طرح‌هاست هیچ داور یا دانشجویی در راهروهای طبقه مربوطه دیده نمی‌شود. تعدادی دانشجو نیز مسئولیت رسانه رویداد را برعهده گرفته‌اند و از این اتاق به اتاق دیگر مشغول تولید محتوا هستند. به‌طور کلی رقابت‌ها در پنج اتاق و با حضور شش داور در ساعات مختلف انجام می‌شود که بناست در دومین روز رویداد ۳۹ تیم طرح خود را ارائه دهند. داورها همواره سعی دارند رفتار خود را به‌گونه‌ای کنترل کنند که کوچک‌ترین استرسی به اعضای تیم ارائه‌دهنده وارد نشود. در زمان امتیازدهی نیز داوران به جهت ایجاد فضای آرام و دقت در ثبت نمره، تیم دانشجویی را به بیرون از اتاق هدایت می‌کنند. در این بین برخی تیم‌ها خوشحال و راضی هستند اما خنده‌های برخی افراد نیز با اضطراب ناشی از رقابت تلفیق شده است. بعد از انجام ارائه‌ها زمان خوبی برای گفت‌وگو با دانشجویان درباره چگونگی طرح‌ها و ارزیابی آنها از رویداد است در ادامه پنج گفت‌وگو با دانشجویان عضو تیم‌های شرکت‌کننده در رویداد مشق امید را می‌خوانید.

مشق امید بستر رشد علمی را برای دانشجویان فراهم می‌کند

مهدی سهیل جمشیدی، دانشجوی دانشگاه آزاد تهران شرق با اشاره به طرحی که در رویداد مشق امید ارائه شده بیان کرد: «عنوان طرح من سیستم کلاج با قابلیت تنظیم لغزش لنت و صفحه بوده که مربوط به بخش کلاج خودرو است که از پیامدهای آن می‌توان به کاهش آلودگی هوا و افزایش دو برابری کارکرد کلاج اشاره کرد. قابلیت تجاری‌سازی این طرح بسیار مورد توجه قرار گرفت و به همین دلیل در رویداد مشق امید حضور پیدا کردیم.»

وی در ادامه گفت: «آلودگی هوا مساله‌ای است که هر روز شرایط آن بدتر می‌شود و تمام کشورها مخصوصا در اروپا سعی می‌کنند این چالش را کنترل کنند زیرا آلودگی هوا باعث سیل و طوفان شدید و تغییر آب و هوا می‌شود. اهمیت این مساله باعث شد طرح اولیه این ایده به ذهن من برسد تا از این طریق بتوانم نقشی در کاهش آلودگی هوا داشته باشم. یکی از اهدافم از حضور در این رویداد این بود که طرحم دیده شود و بتوانم از این طریق برای ثبت اختراع و تولید سرمایه‌گذار و اسپانسر پیدا کنم.» سهیل جمشیدی با اشاره به روند شکل‌گیری ایده تا اجرا تشریح کرد: «این ایده از دوره تحصیل در مدرسه به ذهن من رسید که با آن در چندین مسابقه نیز شرکت کردم و به مرور آن را ارتقا دادم؛ به تازگی برای ثبت اختراع طرح اقدام کرده‌ام که پس از آن تولید سیستم کلاج از اولویت‌ها من است.»

وی با بیان اینکه رویدادهایی مانند مشق امید از نظر علمی می‌تواند باعث رشد دانشجویان شود گفت: «البته بهتر است در این‌گونه مسابقات امتیاز قابل توجهی برای ایده و طرح در نظر بگیرند و نحوه ارائه طرح را در اولویت‌های پایین‌تر قرار دهند زیرا بسیاری از دانشجویان ایده‌های قوی دارند اما از توانایی سخنوری کمتری برخوردار هستند.»

فرصت استفاده از تجربه دیگر دانشجویان فراهم شد

اکبر رجبی، دانشجوی دانشگاه آزاد واحد اصفهان درباره طرح خود بیان کرد: «طرح ما درباره تبیین یک منطقه ویژه اقتصادی با رویکرد درآمدهای پایدار برای جلوگیری از تراکم فروشی و درآمدهای کاذب و ناپایدار بود. منطقه ۱۴ شهر اصفهان به‌عنوان یک منطقه محروم و کمتربرخوردار شناخته شده؛ که به محلی برای ته‌نشین شدن تمام مشکلات شهر مانند بیکاری، اعتیاد، ریزدانگی و بافت فرسوده تبدیل شده است. در عین حال پتانسیل‌های زیادی دارد که از دیدگاه مدیریت شهری مغفول مانده است. برای مثال هزار هکتار اراضی در دسترس با زیرساخت‌های آماده از لحاظ خدمات که می‌تواند محل مناسبی برای ساخت هتل‌ها، بیمارستان‌ها، مراکز تفریحی باشد.» وی افزود: «شهر اصفهان علی‌رغم تمام زیرساخت‌های مناسبی که در حوزه گردشگری دارد به‌عنوان شهری صنعتی شناخته می‌شود که این موضوع باعث آلودگی‌های زیست‌محیطی زیادی برای این شهر شده و اصفهان را از حالت تاب‌آور خارج کرده است. در طرح خود بیان کردیم منطقه ۱۴ پتانسیل‌هایی دارد که اگر از آنها استفاده شود می‌تواند علاوه‌بر برطرف کردن چالش‌های خود به جذب درآمدهای پایدار به‌کمک مدیریت شهری بیاید تا شهر اصفهان به یک شهر زیست‌پذیر در همه شاخص‌های حوزه گردشگری تبدیل شود.» رجبی با بیان اینکه حدود یک سال پیش این ایده مطرح شد، تشریح کرد: «در ابتدا این ایده از جانب فروزان فر که یکی از اعضای گروه هستند مطرح شد؛ نقاط را در بحث شاخص‌های سلامت، گردشگری طبیعی و... بررسی کردیم و با توجه به زیرساخت‌هایی که وجود دارد این طرح در بازه زمانی چهار الی پنج سال می‌تواند عملیاتی شود.» وی در ادامه با اشاره به مزیت رویداد مشق امید برای دانشجویان اظهار کرد: «اینکه این رویداد بستری را فراهم کرده که دانشجویان بتوانند ایده‌های خود را در سطح کشوری ارائه دهند و از تجربه دیگر دانشجویان استفاده کنند، مخصوصا برای دانشجویان شهرستان‌ها بسیار مفید است.»

لازمه پیشرفت هر طرح و ایده‌ای دیده شدن است

فاطمه نجفی، دانشجوی دانشگاه آزاد واحد قم با اشاره به موضوع انتخابی تیم خود در رویداد مشق امید، بیان کرد: «عنوان ایده طرح ما سوپرحلال همه‌کاره است. با توجه به اینکه رشته ما شیمی است بسیاری از افراد سوال می‌کنند که آیا محلولی وجود دارد که بدون آسیب به پوست دست یا سطح بتواند لکه‌ای مانند رنگ و روغن را پاک کند؟ زیرا تینر و حلال‌هایی که دربازار وجود دارد باعث ایجاد مشکلات تنفسی می‌شود.» وی افزود: «با درک این معضل درصدد تولید محلولی برآمدیم که علاوه‌بر پاک‌کنندگی قوی مبتنی‌بر شیمی سبز باشد. یعنی سلامت انسان را به خطر نیندازد، در آن از مواد شیمیایی و مضر استفاده نشود و هیچ‌گونه آسیبی برای محیط‌زیست به همراه نداشته باشد. ایده اصلی از سال ۱۳۹۶ مطرح شد، از همان سال وارد فاز پژوهشی و مطالعاتی شدیم که پس از گذشت دو سال نمونه آزمایشگاهی آن را تولید کردیم که طی مراحلی نهایتا متوجه شدیم یکی از ماده‌های مورد نیاز ما داخل کشور موجود نیست. به این ترتیب از ماده‌ای با پایه طبیعی به‌عنوان جایگزین استفاده کردیم که این ماده عملکرد و میزان پاک‌کنندگی بالایی را به محصول ما داد.» نجفی با اشاره به تاثیر رویداد مشق امید بر رشد دانشجویان اظهار کرد: «لازمه پیشرفت هر طرح و ایده‌ای دیده شدن است. در واقع آشنایی جامعه با طرح‌های علمی به پیشرفت و رشد ایده کمک خواهد کرد. ما در سال‌های گذشته نیز مشابه این مسابقه در نمایشگاه‌های مختلف از طرح خود دفاع کرده‌ایم و مردم با این محصول آشنا شدند. امسال نیز با حضور در رویداد مشق امید پیشرفت در بعد فردی و علمی کاملا مشهود بود.»

رویداد مشق امید انگیزه و امید را به قشر دانشجو بازمی‌گرداند

علیرضا حیدری، دانشجوی دانشگاه آزاد واحد درود با توضیح عنوان طرح تیم خود در رویداد مشق امید، بیان کرد: «عنوان طرح تیم ما افزایش راهکارهای سطح گردشگری در شهرستان درود است که در مرحله استانی رتبه اول را کسب کرده و توانستیم به مرحله کشوری راه پیدا کنیم.» وی افزود: «شهرستان درود پتانسیل‌های گردشگری خوبی دارد و مسئولان باید به این زیرساخت‌ها توجه بیشتری داشته باشند. نرخ بیکاری استان لرستان بسیار بالا است به‌طوری که در سال ۱۴۰۱، نرخ بیکاری ۱۲٫۸ درصد بود که وضعیت آن در شهرستان درود وخیم‌تر است. اگر راهکارهایی که ارائه دادیم به ثمر بنشیند و از ظرفیت اکوتوریسم استفاده شود نرخ بیکاری کاهش خواهد یافت.»

حیدری با اشاره به روند پیشرفت طرح خود در ادامه گفت: «در ابتدا برای این طرح از تجربیات و دانش چند تن از اساتید رشته گردشگری و از منابع و کتاب‌های مختلفی در این زمینه استفاده کردیم.» وی با اشاره به مزیت رویداد مشق امید برای دانشجویان و کانون‌ها، تشریح کرد: «رویداد مشق امید باعث باز شدن فکر دانشجو و تغییر نگاه آنها می‌شود. همچنین امید و انگیزه را به قشر دانشجو برمی‌گرداند. شعار امسال این رویداد مشقی برای ساده‌انگاری و حل مسائل اجتماعی بود و به این معناست که باید معضلات را ساده‌تر در نظر گرفته و راهکار آنها را پیدا کنیم. همان‌طور که مقام‌معظم‌رهبری هم بیان می‌کنند که هر مساله، راهکاری هم دارد که باید برای آن تلاش کنیم.»

تیم‌هایی داوری و دانشجویی در رویداد مشق امید بسیار حرفه‌ای هستند

فاطمه صابری، دانشجوی دانشگاه آزاد واحد جهرم با بیان اینکه طرح ارائه‌شده در این رویداد پدیدارشناسی کیفیت زندگی زناشویی کودک‌همسری با رویکرد کودک‌آزاری و راه‌های مقابله با آن است، بیان کرد: «حدود سه سال است که بر این موضوع کار می‌کنم و در این زمینه مقاله ثبت کرده و پایان‌نامه مقطع کارشناسی‌ارشد را نیز با همین موضوع ارائه دادم.»

وی در ادامه گفت: «این موضوع به نوعی تجربه زیسته من بوده و از کودکی با آن مواجه بودم و از نزدیک لمس کردم و همین مساله باعث شد که سال‌ها ذهنم درگیر معضلی به نام کودک‌همسری باشد اما حالا با حضور در رویداد مشق امید می‌توانم بگویم که به رضایت درون رسیده‌ام.»

صابری با اشاره به اقداماتی که در این حوزه انجام داده است، تشریح کرد: «موضوع کودک‌همسری همواره ذهن من را درگیر کرده بود و می‌خواستم بدانم چرا فردی که ازدواج زود هنگام دارد با اینکه در برخی موارد دچار مشکلات مالی هم نیست، از نظر روحی آسیب‌پذیر و شکننده است؟ رشته مقطع کارشناسی‌ام زمین‌شناسی بود اما برای مقاطع بالاتر جامعه‌شناسی را انتخاب کردم تا بتوانم بر موضوع زنان کار کنم. همچنین استاد راهنمای من در انتخاب موضوع بسیار کمک کرد.» وی افزود: «از روند رویداد مشق امید بسیار راضی بودم و به نظرم همه مراحل منظم و با برنامه‌ریزی انجام می‌شد. در برخی از جلسات ارائه نیز حضور داشتم، تیم دانشجویان و داوری بسیار حرفه‌ای هستند، همین موضوع باعث شد به این رویداد امیدوار باشم.»

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی ۹۴۶-۱۴۰۲

نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴
نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

شهرداری شیراز در نظر دارد عملیات تکمیل و تجهیز ساختمان هلال احمر و انبار ستاد بحران پارک کوهستانی دراک را از طریق برگزاری مناقصه عمومی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) با شماره فراخوان ۲۰۰۲۰۹۶۶۸۰۰۰۷۵۵ به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می‌آید با مراجعه به آدرس WWW.Setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه و تحویل آن اقدام نمایند. درصورت عدم عضویت قبلی، ثبت‌نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی صاحبان امضا مجاز از سوی متقاضیان جهت شرکت در مناقصه الزامی است.

مبلغ برآورد: ۴۵,۰۳۹,۲۳۳,۴۵۹ ریال
مدت قرارداد: ۴ ماه
محل انجام کار: پارک‌های کوهستانی دراک
شرایط شرکت‌کنندگان:
ارائه رتبه‌بندی و صلاحیت دارای اعتبار از سازمان برنامه‌وبودجه کشور حداقل پایه ۵ در رشته ابنیه.
سابقه مرتبط با موضوع مناقصه
ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی
مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۲,۲۵۱,۹۶۱,۶۷۳ ریال به‌صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش واریزی نقدی به حساب سپرده ۱۰۰۸۰۵۵۰۴۷۴۲ کد مرجع ۱۰۰۱۱۳ بانک شهر شعبه چمران به نام شهرداری شیراز
برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
در زمان انعقاد قرارداد ۵٪ مبلغ پیشنهادی به‌عنوان ضمانت حسن اجرای تعهدات به‌صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش واریزی اخذ می‌گردد.
آخرین مهلت دریافت (توزیع) اسناد: متقاضیان می‌توانند حداکثر تا ساعت ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۲ از طریق مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اسناد مناقصه را دریافت نمایند.
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات و ثبت اسناد و مدارک در سامانه حداکثر تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ می‌باشد. شرکت‌کنندگان می‌بایست تا **تاریخ بازگشایی پاکات سپرده شرکت در مناقصه** را به‌صورت فیزیکی به آدرس شیراز، بلوار حسینی‌الهاشمی، پارک کوهستانی دراک، ساختمان اداری مدیریت ارتفاعات، دبیرخانه مدیریت ارتفاعات تحویل نمایند.
تاریخ و محل بازگشایی پاکات: روز دوشنبه ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۳ در محل چهارراه خلدبرین طبقه سوم شهرداری منطقه یک، سالن کمیسیون معاملات عالی شهرداری شیراز می‌باشد.
مدت اعتبار پیشنهادها ۳ ماه می‌باشد.
هیچ‌گونه وجهی بابت پیش‌پرداخت داده نخواهد شد.
بدیهی است هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.
شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار می‌باشد. در این‌صورت سپرده‌ها مسترد می‌گردد.
شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه معاملات شهرداری می‌باشد.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه مندرج است.
آگهی و اطلاعات مربوط به مناقصه از طریق سایت https://shaffaf.shiraz.ir قابل مشاهده می‌باشد.
برنده مناقصه موظف به ثبت‌نام در سایت vendor.shiraz.ir می‌باشد.
برنده مناقصه ملزم به ثبت‌نام در سامانه ثنا می‌باشد.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۱۴۵۶

اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری شیراز
شماره شناسه ۱۶۰۳۵۳۶

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب سپیده رضایی فرزند فریدون به شماره شناسنامه ۰۰۱۶۴۵۵۲۲۳ صادره از تهران مقطع کارشناسی پیوسته رشته مهندسی متالورژی و مواد – متالورژی صنعتی صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱/۸۹۷۴۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج – انتهای رجایی‌شهر – تقاطع بلوار موذن و استقلال – صندوق پستی ۳۱۴۸۵-۳۱۳ ارسال نماید.

نوبت اول

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی مرکز آستانه در نظر دارد جهت آگهی مزایده نوبت اول اجاره ۲۰۰ متر پارکینگ‌های بلااستفاده دانشگاه آزاد اسلامی مرکز آستانه ازطریق مزایده عمومی اقدام نماید، لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد صلاحیت دعوت می‌شود تا ضمن اعلام آمادگی مدارک مورد نیاز را حداکثر تا مدت یک هفته پس از نشر آگهی به نشانی دستگاه مزایده‌گذار تحویل نمایند.
موضوع مزایده: نوبت اول اجاره ۲۰۰ متر پارکینگ‌های بلااستفاده دانشگاه آزاد اسلامی مرکز آستانه
مبلغ خرید اسناد: ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال واریز به حساب شماره ۰۱۰۵۷۴۷۷۶۴۰۰۳ نزد بانک ملی حساب دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
محل دریافت اسناد و اطلاعات مزایده: بلوار امام خمینی(ره) – شهرک دانشگاهی امیرکبیر – دانشگاه آزاد اسلامی اراک – اداره تدارکات دانشگاه
محل تحویل اسناد: بلوارامام خمینی(ره) – شهرک دانشگاهی امیرکبیر – دانشگاه آزاد اسلامی اراک – دبیرخانه حراست دانشگاه
مهلت فروش و تحویل اسناد: از تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۴ لغایت ۱۴۰۲/۰۸/۳۰ به مدت یک هفته
جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تلفن ۰۸۶۳۳۴۱۲۱۴۶ رئیس اداره تدارکات تماس حاصل فرمایید. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادها دارای اختیار تام می‌باشد و هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a66348018@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

کانون تبلیغاتی
سیهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

چین، اروپا و آمریکا طراحی‌های جدید علمی خود را مبتنی بر استقلال پیش می‌برند

اندیشه دفاع چگونه محور توسعه فناوری شد؟

ندا اظهری
مترجم

کشورهای مختلف دنیا به‌ویژه ابرقدرت‌های حوزه علم و فناوری سیاست‌های مختلفی را برای پیشبرد و توسعه فناوری در دهه‌های پیش رو طرح‌ریزی کرده‌اند که اگر با دقت و حساسیت بالایی دنبال شوند، به‌طور قطع می‌توانند افق‌های جدیدی را پیش روی کشورها باز کنند. چین، آمریکا و اتحادیه اروپا از مهم‌ترین فعالان این عرصه‌های مهم هستند که هرکدام از آنها قابلیت تبدیل شدن به ابرقدرت در حوزه‌های علم و فناوری را دارند و از این رو رقابت تنگاتنگی میان آنها وجود دارد که دست آنها را برای اتخاذ سیاست‌های جدید و به‌روزرسانی این سیاست‌ها بسته به اقتضای زمانی ممکن می‌سازد.

یکی از راه‌های استقلال استراتژیک در حوزه تحقیق و توسعه، مداخله سیاست‌های استراتژیک در ارتباط با پیشرفت به‌ویژه در قالب سیاست صنعتی کل‌نگر است که در آن سیاست STI (علوم، فناوری و نوآوری) نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. احیای سیاست صنعتی، موضوع بحثی است که بیش از یک‌دهه به‌ویژه با توجه به نیاز به انتقال سریع پایداری و تهدید رقابت‌پذیری ناشی از سیاست‌های صنعتی چین در جریان بوده است. درحالی‌که ترکیب سیاست‌های صنعتی و نوآوری در اکثر اقتصادهای کشورهای OECD (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی) عمدتا بر تحقیق و توسعه، مشوق‌های مالیاتی و حمایت از سرمایه‌گذاری در مراحل اولیه متمرکز است؛ مداخلات هدفمندی با تنش‌های ژئوپلیتیکی، نگرانی‌هایی را پیرامون زنجیره تامین و اهداف مختلف «فناوری‌های سبز» ایجاد کرده‌اند. انقلاب صنعتی در فرآیند کربن‌زدایی خواستار برقراری ضرب‌الاجل شده و طی آن بر نشانه‌های ارزشی تکیه می‌کنند، به این معنی که تغییرات تکنولوژیکی لازم برای اجرای قطع انتشار گازهای گلخانه‌ای خیلی دیر اتفاق می‌افتد.

بسیاری از اقتصاددانان می‌پذیرند که منطق نظری درستی برای سیاست‌های صنعتی وجود دارد اما نسبت به توانمندی دولت‌ها برای دستیابی به مداخلات هدفمند، به موقع و موثر، بیشتر به‌دلیل عدم تقارن بین بخش‌های دولتی و خصوصی و خطرات سیاست‌ها که از سوی قدرت‌ها و منافع ویژه به دست می‌آید، تردید دارند. کارشناسان بر این باورند که این موانع غیرقابل نفوذ نبوده و درواقع در بیشتر زمینه‌های سیاست دولت‌ها اعمال می‌شوند. در این راستا کشورهای OECD چهارچوبی را برای تدوین آمیزه‌های سیاست صنعتی ترسیم کرده‌اند. این چهارچوب‌ها شامل تمایز بین سیاست‌های هم راستا و هدفمند، ابزارهای کشش تقاضا و فشار عرضه و سیاست‌هایی است که عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد و روی سیاست‌هایی که بر شرایط چهارچوب نوآوری استوارند، تاثیر می‌گذارند. سیاست‌های نوآوری ماموریت‌محور (MOIPs) دیدگاه اکوسیستم مشابهی را دربرمی‌گیرند اما به‌طور محدودتر برای انجام یک ماموریت خاص مانند دستیابی به انتشار گازهای گلخانه‌ای خالص تا سال ۲۰۵۰ متمرکز خواهد شد. این بخش استراتژی‌های صنعتی و برخی ابزارهای اصلی سیاست آنها در چین، اتحادیه اروپا و آمریکا را به‌طور خلاصه تشریح می‌کند.

«امنیت فناوری»؛ محور چهاردهمین برنامه توسعه چینی‌ها

چین چگونه برای ابرقدرتی در علم برنامه نوشت؟

چین باوجود موفقیت چشمگیر اقتصادی خود همچنان در معرض آن است که در دام درآمد متوسط گرفتار شود. دولت چین برای فرار از این چشم‌انداز، چند طرح ابتکاری را طی سال‌ها برای ارتقای توسعه فناوری و ارتقای پایه تولید خود کلید زده است. در این راستا ۱۱ کمپین با عنوان «نوآوری بومی» در سال ۲۰۰۶ به‌عنوان بخشی از دستورالعمل‌های متوسط تا درازمدت ملی راه‌اندازی شد. برنامه‌های بلندمدت توسعه علم و فناوری عزم چین را برای رسیدن به کشورهای پیشرفته صنعتی برجسته کرده و تمرکز مجدد را بر مداخله دولت در توسعه فناوری منعکس کرده است. دستورالعمل‌ها به دنبال حمایت از یک سیستم جامع پیاده‌سازی با ایجاد هماهنگی در سیاست‌های سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه، مشوق‌های مالیاتی، حمایت مالی، تدارکات دولتی، مالکیت معنوی و آموزش بوده‌اند. نقطه عطف دیگری هم در سال ۲۰۱۵ با راه‌اندازی سیاست صنعتی «ساخت چین ۲۰۲۵» اتفاق افتاد که تمرکز را از رسیدن به پیشگامی بر کشورهای OECD در مرز نوآوری به هدف تبدیل چین به یک ابرقدرت در حوزه‌های STI (علوم، فناوری و نوآوری) تا سال ۲۰۴۹ تغییر داد.

حرکت رو به جلوی چینی‌ها در نوآوری‌های بومی

از آن زمان چین پیشرفت سریعی در جهت تبدیل شدن به رهبر جهانی و پیشگامی در برخی حوزه‌های فناوری داشته است. این کشور در زمینه‌هایی چون شبکه‌های 5G پیشرفت کرده و موقعیت قدرتمندی در زمینه‌هایی چون هوش مصنوعی و باتری‌های وسایل نقلیه برقی به دست آورده است. این کشور همچنین سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی را در بخش تحقیقات و پژوهش انجام داده و میزان تحقیق و توسعه چین از اتحادیه اروپا هم پیشی گرفته است. دولت چین همچنین برخی از ابزارهای سیاست صنعتی منحصربه‌فرد به‌ویژه بودجه‌های دولتی، بخش مالی دولتی، شرکت‌های غیرمالی دولتی و هدایت سیاسی حزبی- دولتی از شرکت‌های خصوصی را برای توسعه قابلیت‌های فناوری داخلی در دستور کار خود قرار داده است. به‌طورکلی این حمایت سیاست صنعتی بدان معناست که چین بسیار بیشتر از هر اقتصاد دیگری برای حمایت از صنایع خود هزینه می‌کند، به‌طوری که این میزان بودجه بیش از دوبرابر سطح اختصاص بودجه آمریکا در سال ۲۰۱۹ تخمین زده می‌شود. افزایش تنش‌ها نسبت به آمریکا در سال‌های اخیر باعث شده که دیدگاه چین درمورد جهانی شدن و وابستگی متقابل تغییر کند و «امنیت فناوری» به‌عنوان یک بعد اصلی مفهوم امنیت ملی فراگیر دولت چین در نظر گرفته شود. دولت چین در مواجهه با یک محیط بیرونی به‌شدت آشفته و غیرقابل پیش‌بینی به دنبال نوآوری‌هایی برای برون‌رفت از بسیاری از چالش‌هایی است که با آن مواجه بوده و اهمیت نوآوری بومی را برای متکی شدن به خود حیاتی می‌داند. چهاردهمین برنامه پنج‌ساله توسعه اجتماعی، اقتصادی و ملی و استراتژی گردش دوگانه زیربنای آن با هدف دستیابی به خودکفایی در فناوری‌های اصلی و کاهش اتکای چین به فناوری‌های خارجی مانند نیمه‌رساناهای پیشرفته است؛ جایی که وابستگی‌های حیاتی به آن دارد. این طرح‌های ابتکاری بسیار کلی و مختصر عنوان شده‌اند و اهداف، جهت‌ها، اولویت‌ها و چهارچوب‌های کلیدی را تعیین می‌کنند. آنها معمولا با برنامه‌های عملیاتی دقیق‌تر و مبتنی‌بر اجرا با استفاده از ابزارها و اقداماتی مانند سرمایه‌گذاری‌های دولتی، برنامه‌های تحقیق و توسعه، پروژه‌های نمایشی، مشوق‌های مالیاتی، حمایت مالی و سیاست‌های منابع انسانی دنبال می‌شوند. درواقع، چین مجموعه بسیار جامعی از اسناد برنامه‌ریزی STI از استراتژی‌های سطح بالا تا سطوح بخشی داشته و بسیاری از آنها نیز در سطح استانی تکرار می‌شوند. دولت این کشور از یک سیستم پیچیده «هوش استراتژیک» برای نظارت و اسکن سیاست‌ها، استراتژی‌ها، ورودی‌ها و خروجی‌های داخلی و خارجی STI استفاده و توصیه‌های استراتژیک را به تصمیم‌گیرندگان ارائه می‌کند. این سیستم از پایگاه‌های اطلاعاتی گسترده‌ای استفاده می‌کند که توسط موسسه اطلاعات علمی و فنی چین، به‌عنوان یک موسسه تحقیقاتی زیر نظر وزارت علوم و نوآوری اداره می‌شود. این موسسه داده‌های مربوط به ثبت اختراعات داخلی، استعدادها و دستاوردهای برنامه‌های مهم علمی و فناوری را جمع‌آوری و منتشر می‌کند. همچنین اطلاعات «متن باز» را درمورد منابع، گرایش‌ها و دستاوردهای خارجی STI جمع‌آوری و منتشر کرده و انتقال فناوری از منابع خارجی را به صنایع ملی ترویج می‌کند.

تقویت حاکمیت تکنولوژیکی اروپا با هدف بهره‌برداری دفاعی

اروپا و ترویج مفهوم «استقلال استراتژیک باز»

در حالی که هزینه‌های کمیسیون اروپا پیرامون STI و سیاست‌های صنعتی، کسری از هزینه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا را شامل می‌شود، تاثیر زیادی بر جهت‌گیری سیاست‌های اروپا دارد. سیاست اتحادیه اروپا نقش اساسی در ترویج مفهوم «استقلال استراتژیک باز» در اروپا به‌عنوان بخشی از دستور کار در حوزه‌های دیجیتال و فناوری‌های سبز ایفا کرده است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا نظرات متفاوتی پیرامون معنا و پیامدهای استقلال استراتژیک دارند. برخی سیاست صنعتی اروپا را ترجیح می‌دهند که بخش‌های خاصی را هدف قرار می‌دهد، در حالی که برخی دیگر اقداماتی را ترجیح می‌دهند که شرایط مناسب را برای نوآوری ایجاد می‌کنند. در آستانه همه‌گیری کرونا، کمیسیون اروپا استراتژی صنعتی جدیدی را در حمایت از انتقال فناوری سبز و دیجیتال، رقابتی‌تر کردن صنعت اتحادیه اروپا در سطح جهانی و ارتقای استقلال استراتژیک باز اروپا ارائه کرد. این استراتژی در سال ۲۰۲۱ ابعاد تازه‌تری به خود گرفت که در قالب آن، درس‌های گرفته‌شده از دوران همه‌گیری هم به آن اضافه شد که نیاز به درک بهتر وابستگی‌های استراتژیک اروپا، چگونگی توسعه در آینده و میزان آسیب‌پذیری را منعکس می‌کرد. استراتژی صنعتی، تقویت و تنوع تجارت خارجی از یک سو و تقویت ظرفیت نوآوری اروپا در حوزه‌های استراتژیک کلیدی از سوی دیگر با استفاده از ابزارهایی مانند پروژه‌های مهم منافع مشترک اروپا، اتحادیه‌های صنعتی و تامین بودجه از طرح افق اروپا و صندوق دفاع اروپا را ارائه کرده است.

اتحادیه اروپا در واکنش به همه‌گیری کرونا، صندوق NextGenerationEU را به ارزش ۷۵۰ میلیارد یورو در سال ۲۰۲۰ راه‌اندازی کرد. هدف این صندوق، کاهش اثرات اقتصادی و اجتماعی همه‌گیری، پایدارتر کردن، انعطاف‌پذیری بیشتر اقتصادها و جوامع اروپایی برای مقابله با چالش‌ها و فرصت‌های انتقال دیجیتال و فناوری‌های سبز است. تسهیلات بازیابی و انعطاف‌پذیری (RRF)، ابزار کلیدی در قلب این صندوق محسوب می‌شود. اتحادیه اروپا، RRF را فرصتی منحصربه فرد برای تسریع توسعه و تحول سیستم‌های STI در کشورهای عضو این صندوق می‌داند. کمیسیون اروپا هزینه کلی برای تحقیق و نوآوری در برنامه‌های بازیابی و تاب‌آوری کشورهای عضو را حدود ۴۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون یورو برآورد کرده است که معمولا بین ۴ تا ۱۳ درصد از تخمین RRF یک کشور را شامل می‌شود. این سرمایه‌گذاری‌ها انتقال فناوری‌های سبز، فناوری‌های دیجیتال و سلامت را هدف قرار می‌دهند و با اصلاحات سیاست‌های STI در برخی کشورها همراه هستند.

اگرچه کمیسیون اروپا همچنان بخش اعظم حمایت خود را از تحقیق و نوآوری از طریق «افق اروپا» و صندوق‌های ساختاری دنبال می‌کند، مجموعه ابزار سیاست نوآوری کمیسیون اروپا طی سال‌ها توسعه یافته و کل زنجیره نوآوری را پوشش می‌دهد. این امر منجر به شکل‌گیری راه‌های ابتکاری جدید از جمله شورای نوآوری اروپا شد که در سال ۲۰۲۱ با بودجه ۱۰ میلیارد یورویی طی ۷ سال تاسیس شد. کمیسیون اروپا در سال ۲۰۲۲ دستور کار جدید نوآوری اروپا را تصویب کرد تا اروپا را در خط مقدم موج جدیدی از نوآوری «فناوری عمیق» قرار دهد. فناوری عمیق ریشه در علم، فناوری و مهندسی پیشرفته دارد و نیازمند تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری بزرگی است. در دستور کار ارائه‌شده، اقدامات اختصاصی به‌منظور بهبود دسترسی به منابع مالی برای استارتاپ‌ها و شرکت‌های بزرگ اروپایی مشخص شده‌اند؛ ایده‌های جدید را در بوته آزمایش قرار داده، به شکل‌گیری «دره‌های نوآوری منطقه‌ای» در مناطقی از جمله مناطق عقب‌مانده، جذب و حفظ استعدادها در اروپا و بهبود چهارچوب سیاست STI کمک می‌کند. بسیاری از این فعالیت‌ها مبتنی‌بر اقدامات موجود است که گسترش یافته یا به سایر اقدامات مرتبط خواهند بود.

پیش از نبرد روسیه و اوکراین هم مشخص بود که فضای امنیتی اروپا تغییر یافته و سیستم‌های دموکراتیک اروپا با آمیزه‌ای از تهدیدات ترکیبی به چالش کشیده شده است. کمیسیون اروپا سرمایه‌گذاری روی نوآوری و استفاده بهتر از فناوری غیرنظامی در زمینه دفاع را به‌عنوان کلیدی برای تقویت حاکمیت تکنولوژیکی اروپا و کاهش وابستگی‌های استراتژیک آن تلقی می‌کند. بسیاری از فناوری‌های حیاتی که برای امنیت و دفاع مورد استفاده قرار می‌گیرند به‌طور چشمگیری از حوزه غیرنظامی منشأ می‌گیرند و از مولفه‌های حیاتی با قابلیت‌های دوگانه استفاده می‌کنند. کمیسیون اروپا در سال ۲۰۲۱ برنامه اقدام در زمینه هم‌افزایی بین صنایع غیرنظامی، دفاعی و فضایی را منتشر کرد که هدف آن، تقویت برنامه‌ها و ابزارهای غیرنظامی و دفاعی اتحادیه اروپا، ترویج «اسپین آف»ها نسبت به تحقیق و توسعه دفاعی و فضایی برای کاربردهای غیرنظامی و تسهیل «اسپین این» نوآوری‌های شهری در پروژه‌های همکاری دفاعی اروپاست. این امر در سال ۲۰۲۲ با نقشه راه در مورد فناوری‌های حیاتی به کار رفته در حوزه امنیت و دفاعی دنبال شد. این نقشه راه، فناوری‌های حیاتی حوزه‌های امنیت و دفاعی به کار رفته در اتحادیه اروپا را شناسایی می‌کند. این سازمان به دنبال تضمین این است که ملاحظات دفاعی بهتری در برنامه‌های پژوهشی و نوآوری غیرنظامی اروپا گنجانده شود و بالعکس. همچنان هدف آن از ابتدا ترویج یک رویکرد استراتژیک و هماهنگ در سراسر اتحادیه اروپا برای فناوری‌های حیاتی به کار رفته در حوزه امنیت و دفاع و کاهش وابستگی‌ها و آسیب‌پذیری‌های استراتژیک در زنجیره‌های ارزش و تامین مرتبط با فناوری‌ها بوده است. طرح‌هایی مانند این، در عمل در قالب افزایش همکاری و هماهنگی میان برنامه‌های شهری مانند «افق اروپا» و ابتکارات دفاعی مانند صندوق دفاع اروپا (EDF) برای استفاده موثرتر از منابع و فناوری‌ها عنوان شده‌اند. صندوق دفاع اروپا که در سال ۲۰۲۱ با بودجه ۸ میلیارد یورویی طی ۷ سال تاسیس شد، همکاری تحقیق و توسعه بین پژوهش‌های عمومی (شامل سازمان‌های تحقیقاتی و فناوری به جای دانشگاه‌ها) و شرکت‌ها را ترویج می‌کند. این رصدخانه از پروژه‌های رقابتی و مشارکتی در کل چرخه تحقیق و توسعه، از جمله طراحی، نمونه‌سازی و آزمایش پشتیبانی می‌کند. فناوری‌های حیاتی از جمله کاربرد بالقوه و زنجیره‌های ارزش و تامین آنها و هرگونه علل ریشه‌ای وابستگی‌ها و آسیب‌پذیری‌های استراتژیک را شناسایی، نظارت و ارزیابی می‌کند.

سرمایه‌گذاری ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد دلاری آمریکا در حوزه‌های کلیدی

آمریکا و استراتژی‌های مدرن صنعتی

اگرچه آمریکا به دنبال آن است که از استراتژی رسمی و ملی صنعتی اجتناب کند، تحقیق و توسعه با بودجه دولتی و تدارکات در بخش‌های مرتبط با حوزه‌های دفاعی به لحاظ تاریخی پشتوانه توسعه و رهبری آمریکا در بسیاری از فناوری‌ها ازجمله مدارهای مجتمع، GPS و اینترنت بوده‌اند. پیشرفت‌هایی مانند این موارد، ماحصل ادغام حوزه‌های نظامی-غیرنظامی است که شامل شبکه‌ای در سطح جهانی از دانشگاه‌ها و شرکت‌های آمریکایی است که با همکاری نزدیک، به‌عنوان مثال، از طریق سازمان‌های فدرال مانند آژانس پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته دفاعی حاصل می‌شوند. برتری اخیر چین در فناوری‌های نوظهور حیاتی مانند 5G، سیاستگذاران و تحلیلگران آمریکایی را به این پرسش واداشته است که آیا این رویکرد در میان درخواست‌ها برای یک استراتژی صنعتی ملی فعال‌تر که نه‌تنها به منافع توسعه اقتصادی، بلکه در خدمت امنیت ملی نیز باشد، برای قرن ۲۱ کافی است؟ با پیروی از این استدلال، آمریکا برای پیروزی در رقابت فناورانه خود با چین باید رویکردی رسمی، سیستماتیک و یکپارچه برای سیاست صنعتی اتخاذ کند. چنین رویکردی باید تمام بخش‌های اقتصادی را که به قابلیت‌های فنی کلی کشور و انعطاف‌پذیری تولید کمک می‌کنند، پوشش دهد و هدف آن، ارتقای «فضای عملیاتی» نوآورانه باشد که در آن، شرکت‌ها، موسسات و افراد فعالیت می‌کنند.

لوایح سه‌گانه بایدن برای استراتژی مدرن صنعتی

دولت بایدن سه لایحه اصلی را با حمایت دو حزب امضا کرده است؛ لایحه اول، قانون «تراشه و علم» است که هدف از آن اطمینان از حفظ و پیشرفت آمریکا از طریق سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، مهارت‌ها و تولید در نیمه‌رساناها و نیز در سایر حوزه‌های فناوری مانند فناوری نانو، انرژی پاک، محاسبات کوآنتومی و هوش مصنوعی است. همچنین هدف آن ایجاد فرصت‌های STI (علوم، فناوری و نوآوری) فراتر از برخی حوزه‌ها و هدف قرار دادن گروه‌هایی است که به‌لحاظ تاریخی کنار گذاشته شده‌اند. وزارت بازرگانی آمریکا از آن زمان یک استراتژی اجرایی ۵۰ میلیارد دلاری را برای صندوق تراشه‌ها در آمریکا منتشر کرده است که بخش بزرگی از بودجه این قانون را پرداخت خواهد کرد. بنیاد ملی علوم آمریکا نیز یک اداره فناوری، نوآوری و مشارکتی برای تقویت تجاری‌سازی تحقیقات و فناوری ایجاد کرده است.

لایحه دوم، قانون «کاهش تورم» است که مشاغل کوچک را به‌واسطه اقداماتی شامل دو برابر کردن اعتبار مالیاتی قابل استرداد برای تحقیق و توسعه برای مشاغل کوچک از ۲۵۰ هزار دلار به ۵۰۰ هزار دلار هدف قرار می‌دهد. از دیگر اقدامات نیز می‌توان به صدور الزامات محتوای داخلی و ارائه مشوق‌های مالیاتی هدفمند برای تقویت رشد زنجیره‌های تأمین آمریکایی در فناوری‌هایی مانند فناوری‌های خورشیدی، بادی، جذب کربن و هیدروژن پاک و حمایت از گسترش فناوری‌های موثر در جلوگیری از انتشار گازهای گلخانه‌ای اشاره کرد که بیش از ۵۰ درصد از این سرمایه‌گذاری‌ها در جوامع محروم انجام می‌شوند. اقدام دیگر هم شامل کمک به شرکت‌های تعاونی برق روستایی با تامین مالی ارتقای انرژی پاک و بهره‌وری انرژی است. لایحه سوم هم قانون «سرمایه‌گذاری زیرساخت و مشاغل» با هدف تقویت تولید داخلی جهت احیای پایگاه صنعتی آمریکاست. این لایحه شامل اجرای تعهداتی برای ساخت وسایل نقلیه فاقد آلایندگی و اجزای آنها در داخل کشور، استفاده از کمک‌های بلاعوض برای حمایت از تولید باتری و قطعات باتری، تاسیسات ساخت، و ابزار آلات و مقاوم‌سازی امکانات موجود است. همچنین هدف آن سرمایه‌گذاری در تاسیسات پیشرفته تولید انرژی و پروژه‌های نمایش انرژی پاک در جوامعی است که معادن زغال سنگ یا نیروگاه‌ها در آنها تعطیل شده‌اند.

در این میان کاخ‌سفید اعلام کرده است که استراتژی صنعتی مدرن آمریکا در کنار این سه لایحه می‌توانند چشم‌انداز قدرتمندی را برای آینده صنعتی آمریکا رقم بزنند. این استراتژی متعهد به انجام سرمایه‌گذاری دولتی قابل توجه در سه حوزه کلیدی یعنی زیرساخت، نوآوری و انرژی پاک است. کاخ‌سفید به‌دنبال جذب سرمایه‌گذاری خصوصی و تقویت نوآوری‌هایی است که در جهت دستیابی به منافع اصلی اقتصادی و امنیت ملی فعالیت می‌کنند. تمام این قوانین ماحصل تلاش‌های چند ساله‌ای است که انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری‌ها را در مقیاسی تاریخی رشد دهند به‌طوری که درمجموع، طی یک‌دهه آینده ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار با احتساب سرمایه‌های دولتی و خصوصی سرمایه‌گذاری خواهد شد. استراتژی صنعتی تاکید زیادی روی توسعه قابلیت‌های تولیدی دارد؛ چراکه همین استراتژی‌ها مشاغلی را با درآمد بالا ایجاد می‌کنند، آسیب‌پذیری‌های زنجیره تامین را کاهش داده و مبنای ایجاد و حفظ پیشگامی در فناوری هستند. به این ترتیب این موارد، بخشی از استراتژی کمک به اقتصاد آمریکا را شامل می‌شوند که موقعیت بهتری را برای آمریکا در مقابله با شوک‌های آینده ایجاد می‌کنند. پرداختن به نابرابری‌ها بخش مهمی از این رویکرد بوده و بسیاری از ابزارهای استراتژیک گروه‌ها و مناطق محروم را هدف قرار می‌دهند. علاوه‌براین با وجود تمام تاکیدی که این استراتژی‌ها بر توسعه قابلیت‌های فنی و تولیدی داخلی دارند، اهمیت مشارکت‌های بین‌المللی را برای انجام وظایف خود به‌رسمیت می‌شناسد.

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

دست داده‌اند بسیار پررنگ‌تر است. تزاحم این دو نقش باعث مشکلاتی می‌شود. مادر علاقه‌مند است در یک حوزه خاص برای فرزند سرمایه‌گذاری کند. یا همان مواردی که شما اشاره کردید، مایل است نقش‌آفرینی جدی داشته باشد اما گاهی اوقات مانعی وجود دارد و اتفاق آن‌گونه که باید دنبال نمی‌شود. این مساله ریشه فقهی دارد و اتفاقا از ویژگی‌های فقه پویاست که این دغدغه‌ها را برطرف کند. اکنون نیز مطالبه‌هایی در این موضوعات مطرح است، مثلا همسران برخی از شهدای مدافع حرم. این مسائل را با بنیاد شهید و برخی از فضلای قم مطرح کردیم. اینکه فضایی ایجاد شود که بتوان هم حق ولایت جد پدری حفظ شود و هم مادر بتواند به خوبی نقش حضانتش را ایفا کند. در مجلس به یک طرح رسیدیم که آن را هم ثبت کردیم. البته با توجه به حجم کاری مجلس و بررسی جدی برنامه هفتم این طرح توسط کمیسیون قضایی مجلس بررسی نشده است. اما بیان مطالبات و پیگیری آن از مجرای اصولی خودش ضروری است؛ همان‌طور که عرض کردم این موضوع از ویژگی‌های فقه پویا است و می‌توان میان حقوق جد پدری و مادر یک موازنه ایجاد کرد و مصلحت طفل هم لحاظ شود. اما به‌طور کلی این موضوع از موضوعات مورد اهمیت ما بود و به‌طور جدی بعد از برنامه هفتم، امیدواریم فضای بررسی ایجاد شود و امیدواریم به نتیجه برسد. چراکه نگاه‌مان این است که این مساله، گره غیرقابل حلی ندارد. می‌توان با دادن امتیازاتی به مادر و در کنارش توجه به نقش جد پدری مساله را حل کرد.

اگر در کنار آن موضوعاتی که مورد مطالبه قرار می‌گیرد، اجماع کارشناسی دنبال شود، می‌توان امید داشت که مسائل حوزه زنان حل می‌شوند. ما معمولا یک حلقه مفقوده میان حوزه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و همین مطالبات داریم. حوزه و دانشگاه وظیفه‌شان این است که بتوانند به خوبی این نقش را ایفا کنند اما در حوزه زنان، اندیشکده‌های فعالی که بتوانند میان نهاد علم و نهاد سیاست پیوند ایجاد کنند را نداریم. برای همین هم برخی مطالباتی که مطرح می‌شود، به قوت لازم دنبال نمی‌شود. چراکه به هر جهت اگر قرار به تحقق هدف باشد، باید نهاد علم هم پای کار بیاید و بتواند آن راهبردها و راهکارهای لازم را ارائه دهد و در چهارچوب موازین فقهی، امر دنبال شود. این از خلأهای جدی ما در حوزه زنان است. امیدوارم در آینده به سمتی برویم که اندیشکده‌های حوزه زنان ناظر به حل مساله شکل بگیرند و رویکردشان، رویکرد حل مساله باشد و بتوانند نقش میانجیگری را بین نهاد علم و نهاد سیاست ایفا کنند.

یکی از مسائل دیگر، حوزه آسیب‌های اجتماعی است. علی‌رغم میل مسئولان اما باید بگویم که کارها در این حوزه نمایشی شده است. ضعف کجاست؟ برنامه نداریم یا اساسا آسیب‌شناسی ما مشکل دارد؟ سال به سال اما افزایش آسیب‌های اجتماعی را در جامعه داریم. مشکل کجاست؟

در حوزه مسائل اجتماعی، می‌توانم بگویم مهم‌ترین مساله ما این است که نسبت به مسائل، الگوی اقدام و مداخله‌مان، الگوی اقدام و مداخله مشخص نیست. من زنان سرپرست خانواری که دغدغه‌شان در برنامه توسعه دیده شده است را مثال می‌زنم. قشری که گاه از لحاظ اقتصادی از دهک‌های پایین جامعه هستند. به دلیل دغدغه‌هایی که دارند، خودشان و فرزندان‌شان در معرض آسیب قرار دارند. چه اتفاقی می‌افتد؟ الگوی اقدام ما نسبت به مسائل، الگوی اقدام مشخصی نیست. در برهه‌ای رویکرد و نگاه‌مان صرفا حمایتی است. همین رویکرد حمایتی هم با حداقل امکانات لازم پیگیری می‌شود. یعنی مثلا با ۲۰ درصد حداقل حقوق می‌خواهیم به فرد مستمری دهیم. با چنین نگاهی می‌خواهیم مساله یک قشری را حل کنیم. نگاه‌مان نیز بر این نیست که نتیجه رویکردمان این خواهد شد که فرد در وضعیت قبلی خود، باقی خواهد ماند. یعنی ما به حل مساله آن خانواده کمک نمی‌کنیم. بلکه مساله را با رویکردمان، در آن خانواده نهادینه می‌کنیم. رویکردهای دیگری پس از این رویکرد اخذ می‌کنیم و با مطالعه، متوجه می‌شویم که رویکرد صرف حمایتی اثرگذار نیست و قرار است به سمت رویکردهایی برویم که جنس توانمندسازی دارند. یعنی خانواده را توانمند کنیم و وضعیت فعلی خانواده، نهادینه نشود. باز همین جا نیز یک الگوی راهبری شبیه به هم و موثری نداریم. یعنی اکنون نهادهای حمایتی که در این عرصه فعال هستند را می‌توانید مطالعه کنید که مثلا بهزیستی، کمیته امداد و دیگر نهادهای مشابه درحال انجام چه اقداماتی هستند. خود نهادهای حمایتی در جاهایی، برای اینکه اصل رویکردشان حمایتی است، باز هم جنس توانمندسازی ندارد. قبلا هم عرض کرده‌ام. ما این افراد را در بهترین حالت به کارگر ارزان‌قیمت تبدیل می‌کنیم. دیگر آن مستمری قطع می‌شود و در جایی مشغول به کار می‌شود که یک الی دو میلیون تومان حقوق می‌گیرد. این نشان می‌دهد که نگاه راهبردی در مسائل نداریم. دوم اینکه در حل مسائل اجتماعی، مدل حکمرانی باید مردمی باشد. در این امر شما را به بیانات مقام‌معظم‌رهبری ارجاع می‌دهم. رهبری در فرمایشات‌شان، صحبت از حلقه‌های میانی می‌کنند. حلقه‌های میانی، ناظر به مساله شکل می‌گیرند و مساله که حل شد دیگر قرار نیست این حلقه برقرار باشد. اما وقتی ما برای یک مساله تشکیلات ایجاد می‌کنیم، آن تشکیلات برای اینکه باقی بماند، مساله را نیز با خودش باقی نگه می‌دارد. یعنی مدل حکمرانی ما در مسائل اجتماعی، یک مدل غلطی است و این‌گونه است که ما به‌عنوان تشکیلاتی که برای حل مساله شکل گرفتیم، مسائل را نیز با خودمان باقی می‌گذاریم. به همین جهت باید حکمرانی مردمی، جایگزین رویکرد بروکراتیک و تشکیلاتی شود. از طرف دیگر البته ایده حکمرانی اجتماعی را به خوبی دنبال نمی‌کنیم. ما در مجلس، نگاه‌مان به همین زنان سرپرست خانوار این بود که مهم‌ترین موضوع باید ایجاد حلقه‌های میانی جهت توانمندسازی زنان سرپرست خانوار باشد. باید به این مساله توجه جدی داشته باشیم. مثال دیگری خدمت شما می‌زنم. در حوزه اعتیاد، در یک زمان ما همه تمرکزمان را روی حوزه عرضه می‌گذاریم. می‌گوییم اگر تمام باندهای قاچاق مواد مخدر را از بین ببریم، مساله حل خواهد شد. حتما باید در یک بخش به سراغ عرضه برویم و مدیریت کنیم که عرضه صورت نگیرد اما بخش دیگر این است که باید ببینیم چرا تقاضا نسبت به استفاده از فلان مواد بیشتر شده است. به تعبیر شما، چرا زنان و دختران درگیر اعتیاد می‌شوند؟ چرا سن مصرف پایین آمده است؟ این همه‌اش به این باز می‌گردد که ما در رویکرد حل مساله‌مان همه نظام مسائل مترتب روی مساله و آسیب را ببینیم. یعنی همه جنبه‌ها را در یک بسته کنار همدیگر ببینیم و این‌گونه نباشد که یک بخش از آن را ببینیم و بخش دیگر را پیگیری نکنیم. نکته بعدی، جزیره‌ای عمل کردن در حوزه اجتماعی است. اینکه هر دستگاهی برای خودش مجموعه اقداماتی را پی می‌گیرد. در حوزه آسیب‌های اجتماعی باز ستادی تشکیل شد که آن ستاد بتواند تمام این دستگاه‌ها را با هم هماهنگ کند که متاسفانه ستاد از سال ۹۵ تا به امروز، موفقیت چندانی در هماهنگ‌سازی دستگاه‌ها با یکدیگر نداشته است. همان‌طور که عرض کردم؛ ما باید برای هر مساله اجتماعی بسته راهبردی حل آن مساله را داشته باشیم و همه دستگاه‌ها در کنار هم قرار بگیرند. ما در برنامه هفتم باز هم تلاش‌مان بر این بود که مدل حکمرانی مقابله با آسیب‌های اجتماعی را اصلاح کنیم تا جایگاه ستاد را ارتقا دهد. ارتقا نه به معنای ارتقای تشکیلاتی. بلکه دستگاه‌ها بدانند که همه برنامه‌هایشان را باید در این ستاد بیاورند و تخصیص بودجه به شرطی باشد که در این ستاد، هماهنگ عمل کنند. مدلی را با سازمان برنامه و بودجه به نتیجه رساندیم. اگر در برنامه هفتم طبق آن مدل پیش برویم، می‌توان به هماهنگی بین دستگاهی امیدوار بود. یک بخش دیگر هم بحث نقش جریان‌های مردمی و حلقه‌های مردمی بود که در آنجا هم یک نقش جدی دادیم که این حلقه‌های میانی در نسبت با برنامه ملی دنبال کنند؛ بتوانند آنها هم بیایند و بخشی از ساختار حل مساله شوند.

در موضوع درمان ناباروری، طبق تجربه میدانی‌مان این موضوع را داشتیم که چه در مراکز دولتی چه در مراکز خصوصی، درمان ناباروری برای مراکز تحت این عنوان تبدیل به کاسبی شده است. قیمت‌ها هنگفت بود و هر زوجی که برای درمان اقدام می‌کنند، حتی اگر یک سری آزمایشات اولیه را گذرانده باشند، باید دوباره برای هردوره آزمایشات را از صفر انجام بدهند. طبیعتا این آزمایش‌ها هزینه خودشان را دارند و در دوره (IVF) باید یک سری مبالغ را پرداخت کنند. ظاهر امر از بیرون برای من که در این مساله تحقیق کردم، این بود که گروهی به دنبال منتفع شدن در حوزه مالی از این زوج‌ها هستند، در آن سمت ماجرا با یک شرکت دانش‌بنیانی که تولید تجهیزات اولیه حوزه ناباروری داشت هم صحبت کردیم و اذعان داشت که بازار تامین مواد اولیه در حوزه ناباروری دست افراد خاصی است و شرکت ایرانی دانش‌بنیان هیچ حمایتی نمی‌شود. حتی برای خرید تجهیزات، کارشکنی‌هایی هم صورت می‌گیرد. ما می‌بینیم زوج‌هایی که برای درمان اقدام می‌کنند، شاید هیچ مشکل جدی ندارند و وارد پروسه درمان می‌شوند در حالی‌که شاید با ساده‌ترین درمان مشکلات‌شان حل می‌شد. من کیسی را می‌شناختم که ۱۲ بار (IVF) کرده و سر آخر دنبال رحم اجاره‌ای رفته و هزینه رحم اجاره‌ای را متحمل شده است. مساله ما در حوزه ناباروری چیست؟ چرا جلوی این ماجرا گرفته نمی‌شود؟

در حوزه ناباروری دو سه مساله وجود دارد که باید به آن توجه کنیم. ما با جامعه قابل توجهی از مراجعان نابارور مواجهیم که علاقه دارند فرزند داشته باشند؛ این مساله قابل توجهی است و بخشی هم به استحکام خانواده در فرزندآوری و داشتن فرزند برمی‌گردد. به همین جهت، علاقه و لزوم توجه استحکام به خانواده در زوجین نابارور باعث می‌شود که مساله هم برای خودشان و هم برای تصمیم‌گیران یک موضوع جدی باشد و بخواهند به آن توجه جدی کنند. در بحث ناباروری به گفته کارشناسان امر و در بهترین حالت ۳۳ درصد تلاش‌ها به نتیجه می‌رسد و اثربخش است، اما آنچه ما شاهد هستیم، این است که همین خانواده‌های علاقه‌مند به فرزند تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا این اتفاق بیفتد، مانند مثال‌هایی که شما به آن اشاره کردید. شاید یکی از موضوعاتی که اتفاقا در مجلس یازدهم به آن توجه ویژه شد، حوزه درمان ناباروری بود. در بحث بودجه ۱۴۰۰ که آن موقع من در کمیسیون تلفیق بودجه بودم، یک بودجه ویژه ناباروری علاوه‌بر بودجه‌ای که در سالیان گذشته در بحث ناباروری داده می‌شد، در نظر گرفتیم و در سالیان بعد تداوم پیدا کرد و بعد از آن بحث بیمه ناباروری و بحث‌های دیگر مطرح شد. ولی چرا با تداوم این توجهات، زوجین نابارور از این مساله به نحوی بهره‌مند نمی‌شوند، و آن طعم شیرین تسهیلاتی که گذاشته شده را دریافت نکردند و به یک معنایی این مساله سامان پیدا نکرده است. من فکر می‌کنم احتمالا یکی از دلایل آن راهبرد نادرستی بوده که ما به کار گرفتیم، به این معنی که آمدیم گفتیم باید مراکز ناباروری را در کشور توسعه بدهیم، درحالی که برخی از مراکز ناباروری که توسعه دادیم، اصلا مراجعه‌کننده نداشت، در صورتی که شاید می‌شد به مساله درمان ناباروری به شکل دیگری توجه کرد؛ مثلا در سال ۹۹ ما ۶۰ تا ۸۰ هزار دوره درمان ناباروری و تخت برای عمل‌های جراحی که برای درمان ناباروری انجام می‌شد، داشتیم. یک بحث ما این بود که این مقدار را توسعه بدهیم و عدد ۶۰ تا ۸۰ هزار توسعه پیدا کند. دوم بحث متخصصان بود که برای توسعه این ظرفیت به آن احتیاج داشتیم. سوم اینکه باید در هزینه‌ها به مراجعان نابارور کمک کنیم، ولی شاید به جای بخش اول که توسعه مراکز درمان ناباروری بود، باید به مراکز درمان ناباروری که در کشور موفق عمل کردند، بیشتر توجه می‌کردیم و آن مراکز را توسعه می‌دادیم. باید به این موضوع توجه کنیم که شاید اگر به مرکز درمان ناباروری‌ای که در کشور وجود دارد و زوجین نابارور به آن اعتماد دارند و هنوز هم برای درمان به این مراکز مراجعه می‌کنند، توجه می‌کردیم، تاثیر قابل توجهی داشت. به نظر من این یک موضوع قابل بررسی است که با وجود توسعه‌ای که به مراکز ناباروری دادیم ببینیم آیا این افراد به آن مراکز مراجعه کرده‌اند، یا هنوز سراغ مراکز اصلی می‌روند؟ درواقع ما عملا در توسعه تخت، موفق بودیم ولی آیا توسعه تخت ما به این معنی است که زوج‌های نابارور به ما اعتماد کرده‌اند و از همان جا خدمت می‌گیرند؟ دومین بحث، موضوعی است که در بحث بیمه انجام دادیم و گفتیم ۹۰ درصد درمان افراد مشمول بیمه می‌شود. در حوزه بیمه پایه چه اتفاقی افتاده است؟ افرادی که بیمه سلامت دارند، این بخش برایشان انجام می‌شود ولی درمورد تامین اجتماعی، چون باید این هزینه به تامین اجتماعی داده شود، هنوز افرادی که مشمول بیمه تامین اجتماعی هستند، از این تعرفه‌ها بهره‌ای نبرده‌اند. نکته دیگر چیست؛ ما گفتیم ۹۰ درصد تعرفه‌ها پرداخت می‌شود، خیلی از زوجین نابارور، مراجعه‌شان به مراکز دولتی نیست و سراغ مراکز صاحب نام و خصوصی درمان ناباروری می‌روند و این عدد ۹۰ درصد که برای آن هزینه می‌شود که به زوجین نابارور داده بشود، وقتی به مراکز خصوصی می‌رود، عملا عدد به ۴۰-۳۰ درصد هزینه‌های درمان ناباروری می‌رسد؛ ما یک سری هزینه‌های پاراکلینیکی و هزینه‌های دارویی داریم که تلاش شده آنها هم اضافه شود. این بحث‌های جدی است که زوجین نابارور، علی‌رغم توجهی که سیاستگذار به حل مساله آنها داشته، خیلی شیرینی این بحث را نمی‌بینند و چون رویکرد ما توسعه مراکز و ارائه بیمه به آن مراکز بوده، با این حال، این توسعه خیلی مورد توجه قرار نگرفته است. بحث بعدی که در این داستان داریم این است که ما به هرجهت باید یک شرح خدمات از اندیکاسیون‌های جدی هرکدام از زوجین نابارور داشته باشیم، چون یک نگاهی در این رابطه وجود دارد که ۸۰ درصد زوجین نابارور عملا نیاز به عمل جراحی ندارند و می‌توانند با تغییر سبک زندگی، درمان بشوند. ولی عملا این نوع مداخله اتفاق نمی‌افتد و همه زوجین نابارور به استفاده از عمل جراحی دعوت می‌شوند. آنچه برای ما در حوزه قانون‌گذاری و سیاستگذاری مهم بود، این بود که این اتفاق دنبال شود اما به جهت غلبه رویکرد درمانی و استفاده از عمل جراحی در حوزه پزشکی این رویکرد دنبال نمی‌شود و مجدد همان مسیر قبلی تداوم پیدا می‌کند. این موارد کنارهم باعث شد که حوزه ناباروری و مسائل زوجین نابارور که در حوزه هزینه‌ها و بحث‌های دیگر قرار بود ما باری از روی دوش‌شان برداریم، با تمام بذل توجه‌هایی که به سیاستگذاری در این عرصه‌ها شده است، آن نتایج خود را به دست نیاورد. ما در مجلس در حوزه نظارت چندین‌بار بحث نحوه هزینه‌کرد بودجه‌ها را مورد توجه قرار دادیم، چون سابقا به این شکل بود که وزارت بهداشت لزوما این بودجه را در حوزه ناباروری هزینه نمی‌کرد و عملکرد اشتباه هزینه‌ای در این عرصه داشتیم که هم در این حوزه بتوانیم دقت لازم را داشته باشیم که بودجه‌ها در همین زمینه هزینه بشود و دوم اینکه بودجه‌ها باید ناظر به حل بخشی از مساله زوج‌های نابارور صورت بگیرد، یعنی باید مساله به این شکل جلو برود. ما از جایگاه نظارتی مجلس این امر را شروع کردیم و ادامه می‌دهیم، این مساله باید هم از حیث سیاستگذاری که برای آن اتفاق افتاده و هم از حیث عملکرد وزارت بهداشت بررسی جدی شود تا نظام مسائل آن مشخص شود وگرنه خیلی به حل مساله زوجین نابارور کمکی نکرده‌ایم.

در رابطه با بودجه‌های سنواتی حوزه زنان ظاهرا تغییر و تحولاتی اتفاق افتاده است، در این رابطه نیز توضیح بفرمایید.

در بودجه سنواتی حوزه زنان امسال اتفاق خوشایندی داشتیم و آن این بود که یک درصد از بودجه هزینه‌ای دستگاه‌ها به مساله زنان و خانواده تخصیص پیدا کرد. دولت هم آیین‌نامه‌ای در این زمینه نوشت و من با پیگیری‌هایم متوجه شدم که بخشی از آن درحال اجرایی شدن است، البته ما نسبت به آیین‌نامه حتما نکات نظارتی داریم که در هفته‌های پیش‌رو باید آن را اجرایی کنیم، برنامه‌ریزی کردیم و مطالعه اولیه‌ای درباره آیین‌نامه دولت در این بحث و نحوه هزینه‌کرد داشتیم که قبل از آمدن بودجه ۱۴۰۳ به مجلس و بررسی آن ما این بحث نحوه عملکرد هزینه‌کرد بودجه‌ای یک درصد را حتما بررسی می‌کنیم که ببینیم باید به چه ترتیبی ادامه داشته باشد و احیانا خلأها و مسائلی که دارد، مشخص بشود. اتفاق خوب این بود که برای اولین‌بار دستگاه‌ها مکلف شدند بودجه یک درصد را اختصاص بدهند. پیشنهادی که در دولت مطرح شد، این بود که دستگاه‌ها تا یک درصد به اختصاص بودجه شوند، اما در مجلس گفته شد حتما باید تا یک درصد مکلف شوند، بودجه‌های خود را به حوزه زنان و خانواده اختصاص دهند، چون تا یک درصد به این معنی است که از صفر تا یک را شامل شود و عملا راه فراری برای هزینه نکردن در این زمینه است. دولت باید حتما یک درصد بودجه‌ها را در حوزه زنان و خانواده داشته باشند. چیزی که در مجلس مطرح بود، این بود که نوع موضوعات قابل‌پرداخت در این یک درصد در حوزه سلامت، ورزش، توانمندی‌سازی زنان و مشاوره خانواده در بر گرفته شود. این بحث یک عملکردی دارد و مجلس یک جلسه نظارتی برای نحوه هزینه‌کرد این بودجه طراحی کرده که این جلسه نظارتی را در هفته پیش رو خوهیم داشت ولی این اتفاق قابل‌توجهی است تا قبل از این در دوره‌هایی ما بودجه ۰٫۲۵ درصد را داشتیم که این اتفاق چها برابر این عدد است و فرصتی برای دولت بوده تا بتواند از آن برای توجه به مسائل بهره ببرد و امیدواریم از این فرصت به‌خوبی استفاده کند.

موضوع قابل‌توجه بعدی بحث تابعیت فرزندان مادر ایرانی است و درکنار آن با توجه به بحث‌هایی که اخیرا درباره اتباع افغانستانی مطرح شده است، برنامه مجلس برای اتباع افغانستانی چیست، چون طی دهه‌های قبل برنامه خاصی درخصوص این وضعیت و ظرفیتی که در اختیار نظام قرار گرفته، دیده نشده است و می‌شود گفت الان تاحدودی دیر است برای اینکه ندانیم با اتباع چه کنیم. برنامه مجلس در این رابطه چیست؟

در بحث اتباع، طرح و لایحه‌ای که با هم ادغام شده بود، در کمیسیون امور داخلی و شوراها درحال پیگیری بود. یکی از قوانین مصوبی که در حوزه زنان داریم و در چندسال اخیر و در مجلس قبل مصوب شده بود، بحث تابعیت دادن به فرزندان حاصل ازدواج مادران ایرانی است که انتقادهایی به آن قانون وارد بوده است. یکی از مسائل مهم این قانون رواج کودک‌همسری است و مطابق قانون سال ۹۸ بدون الزام به ثبت ازدواج توسط زوج، افراد می‌توانند برای فرزندان خود مدارک هویتی به‌دست آورند و در این شرایط دیگر تلاشی برای ثبت قانونی ازدواج شرعی خود نخواهند داشت و ثبت قانونی ازدواج یکی از مصادری است که می‌تواند تا اندازه‌ای کودک‌همسری را کنترل کند و در صورت حذف آن میدان برای ازدواج در سنین نامناسب فراهم خواهد شد. درواقع این قانون می‌تواند موجب شود به یک معنایی ظلمی به زنان اتفاق بیفتد و زنان در سنین پایین بحث موسوم به کودک‌همسری را داشته باشند و این ازدواج به‌صورت قانونی شکل نگیرد و اگر این امر قانونی نیست می‌تواند برای آن زن مسائلی را ایجاد کند. وقتی یک امتیاز مثل اعطای شناسنامه به این ازدواج می‌دهیم، عملا تشویق به ازدواج اینچنینی می‌کنیم، یعنی انتقادهایی که مطرح بود نسبت به اعطای شناسنامه به فرزندان حاصل ازدواج مادران ایرانی نبود، بلکه به نحوه این بحث که ازدواج غیرقانونی است، وارد بود. انتقادهای واردشده باعث شد اصلاح قانون به هر جهت مورد توجه قرار گیرد و برخی همکاران ما در این زمینه طرح‌هایی مطرح کردند. در همان طرح سازمان ملی مهاجرت هم این بحث آمده بود که یک جور ساماندهی، بحث اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج مادران ایرانی داده شود که آنجا هم پیشنهاد ما این بود که اصل اعطای شناسنامه، بحثی است که ما به جهت حمایت از مادران ایرانی باید دنبال کنیم ولی باید فرآیندها و نحوه اعطای شناسنامه به‌گونه‌ای باشد که ازدواج زنان ایرانی به ازدواج اجباری منجر نشود یا بابت این ازدواج‌ها مورد ظلم قرار نگیرند، چون می‌دانیم در برخی فرهنگ‌ها متاسفانه سنت‌های غلطی وجود دارد و این سنت‌ها در برخی مناطق کشور ما ممکن است منجر به این داستان شود. بر همین اساس رویکردی که وجود داشت، این بود که ما این را به‌جای ازدواج شرعی برای ازدواج قانونی مورد توجه قرار بدهیم، حتما اعطای شناسنامه باشد ولی برای ازدواج قانونی باشد، برای ازدواج‌های شرعی هم که پیش از این قانون وجود دارد، به معنایی ارتباط مادر با فرزند صحت‌سنجی شود و نهایتا برای قبل از این ازدواج شرعی معنا داشته باشد، ولی برای بعد از این ازدواج قانونی است که باید مورد توجه قرار بگیرد که فعلا این طرح در مجلس ثبت شده است.

با توجه به اینکه افتخارآفرینی بانوان ایرانی در مسابقات آسیایی و پاراآسیایی بیشتر از گذشته بود درباره ورزش قهرمانی زنان هم اگر نکته‌ای دارید بفرمایید.

من فکر می‌کنم در حوزه ورزش مهم‌ترین نکته‌مان مساله ورزش حرفه‌ای زنان است. مساله جدی‌مان این است که در ورزش همگانی توجهاتی شده ولی باید بیش از این توجه شود، چون حوزه سلامت از آن موضوعات مهم است که در حوزه ورزش همگانی اهمیت جدی پیدا می‌کند، در چندسال اخیر و دهه‌های بعد از انقلاب توجه جدی شده و باید بیش از این توجه شود، چون حوزه سلامت از آن بحث‌های مهم است و ورزش همگانی ارتباط مستقیم با حوزه سلامت دارد. باید بحث ورزش همگانی به‌صورت جدی دنبال شود. به حوزه ورزش قهرمانی ما در این چندسال اخیر توجه خیلی جدی شده است و ما نتایج خیلی خوبی در این عرصه‌ها گرفته‌ایم. من از خانم کاظم پور معاون ورزش بانوان پرسیدم که در همین دولت سیزدهم چند مدال گرفته‌ایم؟ خیلی برای من قابل‌توجه بود که گفتند در برخی رشته‌ها برای اولین‌بار کسب افتخار داشتیم و مدال کسب کردیم و شاید بیش از ۳۰۰ مدال کسب کردیم که تازه این قبل از بازی‌های آسیایی و پاراآسیایی بود و عدد قابل‌توجهی بود ولی تداوم این مسیر حتما به توجه به ورزش حرفه‌ای برمی‌گردد. توجه به ورزش حرفه‌ای زنان هم اقتضائاتی دارد، بخشی از ورزش حرفه‌ای در لیگ و فضاهای دیگر به الزاماتی نیاز دارد و یکی از آنها این است که این ورزش دیده شود، قاعدتا ورزش زنان هم مسائل خاص خودش را دارد باید این اتاق‌های فکر و هیات‌های اندیشه‌ورز به حوزه ورزش توجه جدی کنند که ما چطور می‌توانیم ورزش حرفه‌ای زنان را ارتقا بدهیم. البته بحث ارتقای ورزش حرفه‌ای در کشور کلا کار خاصی است و در حوزه آقایان هم نیازمند توجه جدی است ولی برای خانم‌ها اهمیت این مساله دوچندان است. علی‌رغم اینکه توجه‌مان در حوزه ورزش بانوان در ورزش آقایان به اندازه هم نبوده است، نتیجه‌ای که در ورزش بانوان گرفتیم، قابل‌توجه بوده است و حول‌وحوش هم ورزش حرفه‌ای و هم ورزش قهرمانی زنان نیازمند این هستیم که هم در حوزه قانونگذاری و هم اجرا بازنگری جدی داشته باشیم و بخشی از آن را در مجلس دنبال کردیم و به‌نظر می‌رسد که برای رسیدن به نتیجه مطلوب حتما نیازمند همکاری جدی مجلس و دولت در این عرصه هستیم. اینکه برای این قهرمانان در حوزه استخدامی توجه جدی داشته باشیم و بتوانیم به ورزشکاران زن در حوزه مادری‌شان و ازدواج‌شان توجه داشته باشیم، به مسائل خانواده‌شان به‌طور جدی توجه کنیم، چون بالاخره ورزش حرفه‌ای و ورزش همگانی، نیازمند وقت‌گذاری جدی برای خانم‌هاست. باید مسائل اینها را ببینیم و درکنار آن بتوانیم حضورشان را در این عرصه‌ها مستقر کنیم که این هم نیازمند بازنگری قانونی و توجه اجرایی جدی است. یکی از این موارد را در مجلس دنبال کردیم که بحث اصلاحیه لایحه اصلاح قانون سرباز قهرمان بود ولی آن‌طور که باید و شاید در دولت و مجلس در ورزش بانوان ادای دین را به این بانوان انجام ندادیم و این از مواردی است که با کمک کارشناسان باید به سمت بازنگری اساسی این فعالیت‌ها حرکت کنیم.

> حوزه زنان و خانواده، مساله تعداد کمی از جامعه مدیریتی کشور است، یعنی تنها مساله زنان حاضر در جامعه مدیریتی کشور است. حضرت آقا می‌گویند که مساله زنان و خانواده مساله درجه یک کشور است. در بسیاری از بزنگاه‌های مهم می‌بینیم که مساله زنان در ردیف مسائل اصلی کشور قرار دارد اما عملا چنین امری را در حوزه اجرا نمی‌بینیم. من نمی‌خواهم افراد و اشخاصی را در این حوزه متهم کنم اما به نظر می‌رسد وقتی شما مساله مهم اقتصادی را دارید مسائل جدی اقتصادی اولویت پیدا می‌کند. از آنسو مساله فرهنگ طبق این قاعده به حاشیه می‌رود و طبیعتا مساله حوزه زنان بیشتر به حاشیه کشیده می‌شود. این باعث می‌شود که آن معاونت نتواند نقشی که دارد را به‌خوبی بازی کند و این امر طبیعی است

> به نظرم مهم‌ترین امری که همه درباره حوزه زنان صحبت می‌کنند، همین حس تجربه زیسته است اما نباید غافل شویم که حوزه زنان سهل و ممتنع است، یعنی سهل بودن آن همان تجربه مشترک است ولی ممتنع بودن آن این است که تا چه اندازه این تجربه مشترک و صورت‌بندی آن دقیق و درست است که براساس آن راهبرد دهیم؛ چراکه گفتن صرف تجربه هنر نیست. تمام این گفت‌وشنودها یا برای رفع خلأهاست یا استفاده از ظرفیت‌ها. خارج از این دو قاعده نیست. برای اینکه یکی از این دو باشد باید به صورت‌بندی مهمی برسیم. ما با خلاقیت‌هایی افراد را دور خودمان جمع می‌کنیم و بعضا حتی داریم در موضوعات زنان هم انحراف ایجاد می‌کنیم؛ چراکه ممکن است آن صورت‌بندی ما از تجربه‌مان صورت‌بندی درستی نباشد. نیازمند این هستیم که جامعه پژوهشی و دانشگاهی کشور نسبت به بیان راهبردها و مسائل، نظر کارشناسی دهند. یک خطری را هم دارد ایجاد می‌کند و آن دقیقا همان برساخت رسانه‌ای مسائل است

> درحل مسائل اجتماعی، مدل حکمرانی باید مردمی باشد. در این امر شما را به بیانات مقام‌معظم‌رهبری ارجاع می‌دهم. رهبری در فرمایشات‌شان، صحبت از حلقه‌های میانی می‌کنند. حلقه‌های میانی، ناظر به مساله شکل می‌گیرند و مساله که حل شد دیگر قرار نیست این حلقه برقرار باشد. اما وقتی ما برای یک مساله تشکیلات ایجاد می‌کنیم، آن تشکیلات برای اینکه باقی بماند، مساله را نیز با خودش باقی نگه می‌دارد. یعنی مدل حکمرانی ما در مسائل اجتماعی، یک مدل غلطی است و این‌گونه است که ما به‌عنوان تشکیلاتی که برای حل مساله شکل گرفتیم، مسائل را نیز با خودمان باقی می‌گذاریم. به همین جهت باید حکمرانی مردمی، جایگزین رویکرد بروکراتیک و تشکیلاتی شود. از طرف دیگر البته ایده حکمرانی اجتماعی را به خوبی دنبال نمی‌کنیم

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

ادامه از صفحه ۲

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

تحولات در سرزمین‌های اشغالی به چه مولفه‌هایی وابسته است؟ تبدیل تصویر صهیونیست‌ها در افکار عمومی جهانی به ماشین آدم‌کشی و ضربه اقتصادی سهمگین به اسرائیل ادامه جنگ را سخت می‌کند

جنگ تاب‌آوری

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

جنگ رژیم صهیونیستی و فلسطین، فردا وارد چهلمین روز خود می‌شود و هنوز چشم‌انداز روشنی از پایان نبرد وجود ندارد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پایان این جنگ را به دو هدف پیوند زده بود؛ «نابودی کامل حماس» و «آزادی اسرا». تا لحظه نگارش این گزارش، ارتش صهیونیستی نه به هدف نخست دست یافته و نه چشم‌انداز روشنی برای هدف دوم پیش روی خود می‌بیند. در چنین شرایطی، رژیم صهیونیستی تنها دو گزینه پیش روی خود دارد؛ پایان یا ادامه جنگ. پایان جنگ بدون تحقق آرزوی نابودی حماس و آزادی اسرا، در حداقلی‌ترین حالت، منجر به فروپاشی کابینه نتانیاهو خواهد شد. از همین رو صهیونیست‌ها خود را ناچار به ادامه جنگ می‌دانند اما این نیز گزینه کم‌هزینه‌ای برای رژیم نیست چراکه از یک سو با خطر گسترش جدی‌تر جبهه‌های جنگ مواجه است و از سوی دیگر با معضلی به نام فقدان تاب‌آوری. در جنگ، در کنار تسلیحات و توان نظامی، تاب‌آوری نیروی نظامی و افکار عمومی بسیار تعیین‌کننده است. با تداوم بی‌حاصل جنگ و عدم دستیابی به موفقیت و دریافت ضربات پی‌درپی، تاب‌آوری رژیم را به چالش می‌کشد. صهیونیست‌ها تنها ۱۲ روز با عبور از طولانی‌ترین جنگ خود در چند دهه اخیر فاصله دارند؛ با این تفاوت که هنوز برایشان روشن نیست. تاب‌آوری یک کشور در جنگ به طور معمول به تلفات انسانی، قدرت اقتصادی، توانایی تولید یا واردات سلاح و روحیه ملی مرتبط است. این موارد در هر جنگی وجود دارند ولی گاهی تاب‌آوری به برخی مسائل داخلی نیز گره می‌خورد. یکی از این موارد در سرزمین‌های اشغالی، «مهاجرت معکوس» صهیونیست‌ها با تشدید جنگ است. در کنار عوامل به طور کلی خاص، عوامل عمومی هم گاهی اوقات شکلی خاص به خود می‌گیرند. در موضوع «فشارهای بین‌المللی» رژیم صهیونیستی بسیار آسیب‌پذیر است. روز گذشته الی کوهن، وزیر خارجه تل‌آویو اعلام کرد آنها با توجه به این فشارها، «دو هفته فرصت دارند جنگ را به نفع خود تمام کنند.» یعنی جنگی که کمتر از دو ماه طول می‌کشد. آسیب‌پذیر بودن رژیم صهیونیستی را می‌توان با جنگ روسیه و اوکراین قیاس کرد. جنگ این دو کشور اروپایی به دومین سال خود نزدیک می‌شود و فشارهای بین‌المللی بر مسکو بسیار بیشتر از فشار بر تل‌آویو است اما روس‌ها تاب‌آوری به مراتب بیشتری در برابر فشارها داشته‌اند. در طرف دیگر جنگ، فلسطینی‌ها قرار دارند. آنها ۱۱ هزار و ۵۰۰ شهید داده‌اند که نیمی از آنها کودکند؛ زیرساخت‌هایشان ویران شده و در محاصره‌ای کم‌سابقه قرار دارند. تقریبا هیچ فردی در جهان تاکنون شرایطی نزدیک به مردم غزه را نیز تجربه نکرده است. برای همین وضعیت در این منطقه عجیب و غریب است.

دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر ساکن غزه تا پیش از جنگ متراکم‌ترین منطقه مسکونی کره زمین را داشتند. بر اثر جنگ نزدیک یک میلیون نفر شمال را ترک و به جنوب نوار غزه نقل مکان کرده‌اند. این اتفاق یعنی تراکم قبل بیشتر هم شده است. مردم غزه تا کی تحمل دارند؟ مشخص نیست. با این حال اسرائیلی‌ها امید دارند این تاب‌آوری به پایان برسد و اصطلاحا مقاومت شکسته شود. صهیونیست‌ها می‌خواهند با وقوع این اتفاق، مردم در غزه علیه حماس تظاهرات کنند؛ اقدامی که به لحاظ رسانه‌ای، زمینه‌ای مشروع برای تداوم عملیات و خارج کردن غزه از دست حماس است.

در چهلمین روز جنگ، می‌توان چنین گفت که همه چیز به تحمل دوطرف یا همان تاب‌آوری بستگی دارد. اینکه کدام یک زودتر خالی می‌کنند. اگر صحبت از توانمندی‌های مادی بود، نتیجه جنگ از ابتدا مشخص می‌شد اما تاب‌آوری عموما در جنگ‌های فراتر از تجهیزات خود را به نمایش می‌گذارد. نزدیک‌ترین نمونه‌های آن، تاب‌آوری طالبان در برابر ارتش کاملا مجهز آمریکا و متحدانش بود.

شاخص‌های تاب‌آوری

هیچ شاخصی برای اندازه‌گیری میزان تاب‌آوری وجود ندارد. گاهی چند پهپاد مسلح یا حتی چند موشک می‌تواند همه چیز را به یکباره تغییر دهد. نمونه روشن آن، بمب اتمی بود که آمریکا بر سر ژاپن انداخت و توکیو را مجبور به تسلیم کرد. با این حال تاب‌آوری، بیشتر با روحیات درونی مردم و جنگجویان گره خورده است. ممکن نبودن تعیین دقیق نقطه تحمل، اما مانع تخمین حدودی آن نیست. حداقل می‌شود توضیحاتی درباره آن ارائه کرد؛ بدون نتیجه‌گیری و پیش‌بینی کردن. در ادامه با توجه به برخی شاخص‌ها تلاش شده وضعیت تاب‌آوری دوطرف جنگ در غزه بررسی شود.

۱ مهاجران و آوارگان

رژیم صهیونیستی ۹ میلیون جمعیت دارد که ۷ میلیون نفر آن یهودی هستند. در مقابل غزه ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. وضعیت این دو، به لحاظ «خروج از سرزمین» و «آوارگان» قابل بررسی است. روزنامه صهیونیستی دی مارکر می‌گوید از زمان عملیات ۷ اکتبر، ۲۳۰ هزار نفر از سرزمین‌های اشغالی خارج شده‌اند. در مقابل، آمارهای دیگر حکایت از خروج ۷۰۰ هزار تا یک میلیون صهیونیست از سرزمین‌های اشغالی دارد. این افراد به دلیل داشتن تابعیت کشورهای دیگر و همچنین توانمندی تحصیلاتی و شغلی، خیلی راحت و به سرعت از فلسطین اشغالی خارج شده‌اند. نمی‌توان انگیزه همه آنها را «مهاجرت معکوس» دانست اما اگر جنگ طول بکشد، وضعیت متفاوت می‌شود. با تداوم درگیری‌ها، عده‌ای از بازگشت امنیت ناامید می‌شوند. عده دیگری هم ناچار از یافتن شغل برای درآمد و سرگرم شدن خواهند بود. این تصمیمات تبعاتی بلندمدت بر برنامه‌ریزی و آینده افراد دارد. هرچه جنگ طولانی‌تر شود، تعداد بیشتری از فلسطین اشغالی خارج می‌شوند و افراد بیشتری برای ماندن در کشور مقصد برنامه‌ریزی می‌کنند. این‌گونه تلفات جنگ برای رژیم صهیونیستی کاهش جمعیت هم هست؛ بدون اینکه جمعیت کاسته شده، کشته شده باشند. این تهدید برای مردم غزه هم وجود دارد. مقامات اسرائیلی در ابتدای جنگ اصرار داشتند مردم غزه به صحرای سینا در مصر منتقل شوند. اتفاقی که به معنای پایان حیات فلسطینی در غزه بود. این تحول اما به دلایلی رخ نداد. مردم غزه مقاومت کردند، مصر پیشنهاد تل‌آویو را نپذیرفت، جهان اسلام آن را رد کرد و غرب نیز با این شرایط نخواست از آن حمایت کند.

در پرونده آوارگان، بین نیم میلیون تا یک میلیون صهیونیست آواره شده‌اند. در مقابل دوسوم ساکنان غزه یعنی یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر آواره هستند. جمعیت آوارگان غزه، دوبرابر صهیونیست‌هاست. این شکاف با احتساب نسبت جمعیتی، بیشتر هم هست. حداکثر بین ۷٫۵ تا ۱۵ درصد صهیونیست‌ها آواره شده‌اند اما در غزه این آمار به ۷۰ درصد می‌رسد. اگرچه اختلاف بین آوارگان دوطرف بسیار بالاست اما تفاوت اینجاست که بسیاری از صهیونیست‌های آواره امکان خروج از سرزمین‌های اشغالی و بازگشت به وطنی که از آنجا به فلسطین آمده‌اند را دارند و بین تداوم جنگ و زندگی در آسایش در اروپا یا آمریکا، به طور حتم گزینه دوم را انتخاب می‌کنند. مقامات دولت اسرائیل به آوارگان جبهه داخلی خبر داده‌اند احتمالا تا پایان سال جاری میلادی قادر نیستند به منازل خود بازگردند. وضعیت در غزه وخیم‌تر است زیرا ۴۰ هزار خانه به طور کامل ویران شده و بازگشت بدون ساختن مجدد، قابل تصور نیست.

۲ تلفات

روز نخست جنگ حداقل ۱۲۰۰ کشته روی دست تل‌آویو گذاشت. از این میان نزدیک ۳۰۰ نفر جزء نظامیان بودند. مابقی کشته‌شدگان از شهرک‌نشینان صهیونیست بودند که بخش قابل توجهی از آنان نیروهای ذخیره ارتش بودند. صهیونیست‌ها در روزهای بعد هم تلفات زیادی متحمل شدند. تا پیش از تهاجم زمینی، بخش‌هایی از شهرک‌های صهیونیست‌نشین اطراف نوار غزه، همچنان آلوده بودند. رزمندگان فلسطینی در این مناطق با صهیونیست‌ها می‌جنگیدند. گفته می‌شود تلفات صهیونیست‌ها در روزهایی به ۵۰ نفر هم رسید. این مرحله تقریبا تا هفته دوم جنگ طول کشید. با پاکسازی این شهرک‌ها، مرحله آمادگی برای حمله به نوار غزه شروع شد. این مرحله با توجه به پاکسازی شهرک‌ها، شامل زدوخوردهای رو در روی کمتری میان نظامیان اسرائیلی و رزمندگان فلسطینی بود. از سه هفته قبل با ورود زمینی صهیونیست‌ها به غزه، شرایط اما بدتر از زمان پاکسازی شهرک‌های صهیونیست‌نشین شده است. روزانه به طور متوسط ۲۲ تانک و خودروی زرهی اسرائیلی در غزه با موشک‌های ضدزره یاسین ۱۰۵ یا توسط تله‌های انفجاری هدف قرار می‌گیرند. هرکدام از این وسایل حامل سه نظامی هستند. این مساله نشان می‌دهد تلفات روزانه صهیونیست‌ها ۶۰ تا ۷۰ نفر کشته و زخمی است. از آنجا که یک چریک فلسطینی به سمت این خودروها شلیک می‌کند، در صورت شهادت و زخمی شدن، تنها یک نفر در مقابل سه صهیونیست سوار بر خودروی زرهی، آسیب می‌بینند. نیروهای حماس و دیگر گروه‌های مقاومت به دلیل نوع مخفی شدن که در تونل‌های زیرزمینی است، کمتر از بمباران‌ها آسیب می‌بینند. همچنین تلفات‌شان به دلیل جنگیدن به سبک چریکی، اندک است. وضعیت در میان غیرنظامیان اما بسیار بغرنج است. تاکنون ۱۱ هزار و ۵۰۰ فلسطینی در غزه به شهادت رسیده‌اند که معادل ۰٫۵ درصد جمعیت این منطقه است. به عبارتی در غزه از هر ۲۰۰ نفر، یک نفر به شهادت رسیده است. شمار مجروحان نیز نزدیک به ۳۰ هزار نفر است. فراتر از غزه، صهیونیست‌ها در دوجبهه کرانه باختری و مرز با لبنان هم درگیر زدوخورد هستند. برخی منابع می‌گویند صهیونیست‌ها در کرانه باختری روزانه پنج نفر و در مرز با لبنان روزانه هفت نفر تلفات می‌دهند. این تلفات شامل کشته و زخمی‌ها می‌شود. تلفات صهیونیست‌ها با وجود دو جبهه بیشتری که در آن درگیرند، خیلی کمتر از غزه است. با این حال تحمل جبهه داخلی اسرائیل در برابر تلفات به طور سنتی کمتر بوده است. تل‌آویو در جریان جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶ تنها ۱۲۱ نفر کشته داد اما به خاطر همین تعداد مجبور شد سریع‌تر به جنگ پایان دهد. اسرائیل با جمعیت اندکش ۳۶۰ هزار نفر را برای جنگ فراخوان کرده است. در بین این نظامیان، اقشار مرفه و سطح بالای جامعه هم حضور دارند. از پزشکان و وکلا گرفته تا فعالان کسب‌وکارهای مبتنی بر فناوری. حتی هنرمندان هم در بین آنها هستند. چندی قبل «متان مایر» ۳۸ ساله که یکی از اعضای تیم فنی سازنده سریال اسرائیلی فائودا بود، در عملیات زمینی در غزه کشته شد. او به عنوان یک نیروی ذخیره و درپی فراخوان نظامیان به جنگ اعزام شده بود. بسیاری از افراد فراخوانده شده نیز سن بسیار کمی دارند. افراد زیادی بین ۲۰ تا ۲۵ سال در میان کشته‌شدگان وجود دارند.

۳ فشارهای بین‌المللی

مرکز امنیت داخلی اسرائیل اعلام کرده است که از زمان اعلام «روز خشم» توسط حماس در ۱۳ اکتبر تعداد تظاهرات ضداسرائیلی در دنیا به شکل قابل توجهی افزایش یافت و درحال حاضر ۹۵ درصد این تظاهرات در حمایت از فلسطین و ضداسرائیل است و تنها پنج درصد از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند. به گزارش این مرکز از ابتدای جنگ فعلی غزه سه هزار و ۸۹۱ مورد تظاهرات در ۹۲ کشور جهان برگزار شده که تعداد تظاهرات در حمایت از فلسطین بسیار بیشتر از رژیم صهیونیستی بوده و این روند به همین شکل ادامه دارد. دست‌کم در ۸۸ کشور جهان شاهد برگزاری تظاهرات مستمر در حمایت از فلسطین هستیم و بیشترین تظاهرات ضداسرائیلی در چهار کشور جهان یعنی ترکیه، ایران، یمن و آمریکا برگزار شده است. از همین رو الی کوهن، وزیر خارجه اسرائیل روز دوشنبه اعلام کرد فشارهای بین‌المللی علیه رژیم صهیونیستی در حال افزایش است. او به همین دلیل تاکید کرد تل‌آویو تا پیش از موثر واقع شدن فشارها، تنها دو هفته فرصت دارد تا کار را در غزه یکسره کند. درحال حاضر جهان اسلام به طور یکپارچه عرصه مخالفت با اسرائیل شده است. برگزاری نشست فوق‌العاده سران سازمان همکاری‌های اسلامی در عربستان سعودی در روز شنبه، یکی از این عرصه‌ها بود. علاوه بر جهان اسلام، آمریکای لاتین، آفریقا و تقریبا تمام آسیا صحنه مخالفت با تل‌آویو است. در جهان غرب هم وضعیت بهتر نیست. در اروپا و آمریکا افکار عمومی فشارهای زیادی به دولت وارد آورده‌اند. در همین هفته وزیر کشور انگلیس به دلیل انتقاد از اعتراضات طرفداران فلسطین و با فشار افکار عمومی برکنار شد. همزمان رئیس جمهور فرانسه نیز تحت فشار دیپلمات‌های فرانسوی قرار گرفته است. ۱۰۰ دیپلمات فرانسوی امانوئل مکرون را متهم کرده‌اند که با حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل، وجهه پاریس را در میان کشورهای عربی خدشه‌دار کرده است.

رژیم صهیونیستی دهه‌ها با یادآوری هولوکاست و مظلومیت قوم یهود، جهان را به حمایت از خود وامی‌داشت. این رژیم با معرفی خود به عنوان تنها لیبرال دموکراسی منطقه، تمرکز ویژه‌ای بر قدرت نرم خود داشت اما اکنون یهودیان مظلوم دهه‌ها پیش، جنایاتی رقم زده‌اند که در تاریخ کمتر مشابه آن وجود دارد. آنها به بی‌رحمانه‌ترین شکل مردم بی‌دفاع را شهید کرده‌اند. این جنایت به اندازه‌ای شنیع است که رئیس جمهور کرواسی در اظهارنظری گفت که تنها برای ۱۵ دقیقه با اسرائیل همدردی کرده است. منظور او از این جمله آن بود که پس از آن ۱۵ دقیقه رژیم صهیونیستی به اندازه‌ای جنایت کرد که او از این همدردی پشیمان شده است. این نگاه جنایتکارانه به رژیم صهیونیستی از سوی جهان، تاب‌آوری تل‌آویو را در ادامه جنگ به مخاطره کشیده است. در این بین فشارهای بین‌المللی قدرت‌های غربی که بر غزه نیز اعمال می‌شود بسیار بیشتر از آن چیزی است که به اسرائیل وارد می‌شود، اما بنا به دلایلی موثر نیستند. غزه یک بازیگر بین‌المللی نیست و دولتی نیز در آن وجود ندارد که تحت تاثیر این فشارها تاب‌آوری خود را از دست بدهد. برعکس اسرائیل، تظاهرات و راهپیمایی‌ها در سراسر جهان، عامل انگیزشی برای مقاومت مردم غزه در برابر ارتش صهیونیستی است.

۴ خانواده اسرا

پدیده اسارت برای فلسطینی‌ها عادی است. افراد آزاد فلسطینی همین الان خود را به نوعی زندانی می‌بینند. در کرانه باختری، فلسطینی‌ها برای رفتن به روستا یا شهر دیگری که شاید یک ربع طول راه باشد، باید ساعت‌ها در صف ایست‌وبازرسی معطل بمانند. بسیاری از اوقات این رفت‌وآمد با دستورات و ابلاغیه‌های گاه‌وبیگاه دستگاه امنیتی اسرائیل به طور مقطعی ممنوع می‌شود. غزه هم که به بزرگ‌ترین زندان روباز جهان مشهور است. درباره صهیونیست‌ها اما وضعیت متفاوت است. آنها برای یک زندگی بهتر، از کشورهایی عمدتا غربی به فلسطین اشغالی آمده‌اند. شرایطی که برای زندگی آنها ایجاد شده، یک زندگی بهتر نسبت به زندگی‌شان در کشورهای پیشرفته بوده است. هنگامی که نیروهای حماس در ۷ اکتبر به کیبوتص‌ها (مزارع اشتراکی) حمله کردند، با چشم خود این رفاه را دیدند. کیبوتص‌ها مزارع اشتراکی هستند و به همین دلیل شهروندان ساکن در آن چپ‌گرا به حساب می‌آیند. در این روستاها، درآمد همه یکسان است. همه کار می‌کنند و همه بدون تفاوت، از درآمد زمین‌های کشاورزی استفاده می‌کنند. رزمندگان حماس هنگامی که به شهرک‌های صهیونیست‌نشین اطراف نوار غزه که «غلاف غزه» نام دارد وارد شدند، به جای مزارع اشتراکی با ویلاهای متعدد لوکس مواجه شدند. حالا دست‌کم ۲۵۰ نفر از ساکنان صهیونیست این کیبوتص‌ها با تابعیت کشورهای غربی و سابقه زندگی لوکس، در اسارت حماس هستند. خانواده‌های نگران این افراد که دست به اعتراض می‌زنند، بین ۵۰۰ تا هزار نفر برآورد می‌شوند. آنچه درخصوص اعتراضات این افراد اهمیت دارد «پیوستگی» و «برد رسانه»ای آن است. خانواده اسرا هر روز در برابر ساختمان‌های دولتی تظاهرات می‌کنند. با توجه به حساسیت جامعه به اسرا، گفته‌ها و اقدامات‌شان نیز در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها برد زیادی می‌گیرد. تداوم جنگ و اسارت این افراد، شرایط برای ادامه دادن جنگ را سخت می‌کند و افکار عمومی فشار بر دولت برای پایان دادن به این جنگ پرهزینه را افزایش خواهند داد.

۵ جنگ آخر، اقتصاد است

روشن‌ترین جمله درباره جنگ اسرائیل و فلسطین، متعلق به الیوت ویلسون است. او در مقاله‌ای نوشته: «اسرائیل علاوه بر نبرد در غزه و جنگ افکار عمومی در غرب، در جبهه سوم نیز می‌جنگد: اقتصادش.»

سرنوشت جنگ‌ها تا حد بسیار زیادی به زلف اقتصاد گره خورده است. جنگ از دو زاویه اقتصاد را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد؛ ۱- هزینه‌های مالی جنگ و ۲- تعطیلی کارخانجات و انتقال منابع به جبهه نبرد. برخی از اثرات اقتصادی جنگ اخیر آنی بوده است. زمین‌های کشاورزی اطراف غزه به دلیل جنگ غیرقابل بهره‌برداری شده است؛ ۷۵ درصد صنعت گردشگری که حدود سه درصد تولید ناخالص داخلی و شش درصد اشتغال را تشکیل می‌دهد، از کار افتاده و حتی برنامه‌های توریستی تا دو سال آینده لغو شده‌اند؛ شیکل (واحد پولی اسرائیل) به پایین‌ترین سطح در ۱۱ سال گذشته سقوط کرده است. همه می‌دانند که جنگیدن در یک جنگ هزینه دارد، اما اینها اثرات عینی هستند.

حتی قبل از پایان اولین حملات در ۷ اکتبر، نیروهای دفاعی رژیم صهیونیستی شروع به فراخوان نیروهای ذخیره در تعداد بسیار زیادی کرده بودند. اکنون ۳۶۰ هزار پرسنل ذخیره از مجموع ۴۶۵ هزار نفر مستقر شده‌اند. اینها مردان و زنانی هستند که بیش از یک ماهی می‌شود که از نیروی کار کنار گذاشته شده‌اند.

با این حال، نشانه‌هایی از انعطاف‌پذیری وجود دارد. بانک اسرائیل هفته گذشته فاش کرد که در ماه اکتبر ۸٫۲ میلیارد دلار ذخایر خارجی فروخته است تا جلوی ریزش پول خود را بگیرد و شیکل نه‌تنها سقوط خود را متوقف کرده، بلکه تقریبا تمام ضررهای خود را از زمان آغاز درگیری جبران کرده است. این امر اعتبار رژیم صهیونیستی را به صورت استعاری و نیز تحت‌اللفظی، با اشاره‌های تایید از سوی شرکت‌هایی مانند گلدمن ساکس و ولز فارگو، خریداری کرده است. علاوه بر این، شرکت توسعه برای اسرائیل یک میلیارد دلار از فروش اوراق قرضه در ایالات متحده به دست آورده است که برابر با فروش ۹ ماه گذشته سال است.

هفته گذشته «الشرق الاوسط» نوشت روزنامه مالی «کالکالیست» با استناد به آمارهای اولیه وزارت دارایی گزارش داد که جنگ اسرائیل در نوار غزه بالغ بر ۲۰۰ میلیارد شیکل (۵۱ میلیارد دلار) هزینه خواهد داشت. این روزنامه گفت که تخمین معادل ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی، براساس جنگ بین ۸ تا ۱۲ ماه است. در مورد محدود بودن آن به غزه، بدون مشارکت کامل حزب‌الله لبنان، ایران یا یمن. کالکالیست گفت که نیمی از این هزینه صرف هزینه‌های دفاعی می‌شود که به حدود یک میلیارد شیکل در روز می‌رسد.

خسارت مالی در حال حاضر شدید است. سهام اسرائیل بدترین عملکرد جهان از زمان شروع جنگ را داشته است. براساس گزارش بلومبرگ، شاخص اصلی تل‌آویو از نظر دلاری ۱۵ درصد کاهش یافته است که معادل تقریبا ۲۵ میلیارد دلار است. مخارج خانوارها سقوط کرده است و شوک بزرگی به بخش مصرف‌کننده وارد کرده است که حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. به گفته بانک لیومی مستقر در تل‌آویو، از یک نظر، کاهش خرید کارت اعتباری وحشتناک‌تر است از آنچه اسرائیل در اوج همه‌گیری در سال ۲۰۲۰ تجربه کرد بود. بانک مرکزی اسرائیل چشم‌انداز خود را برای اقتصاد در ۲۳ اکتبر کاهش داد، اما همچنان رشد بیش از دو درصدی را در سال جاری و سال آینده پیش‌بینی می‌کند، با فرض اینکه درگیری مهار شود.

حتی با بازگشایی برخی از کارگاه‌های ساختمانی، بسیاری از کارگران ناپدید شده‌اند. این صنعت به شدت به ۸۰ هزار فلسطینی ساکن در کرانه باختری وابسته است؛ منطقه‌ای که از اواسط سپتامبر تحت قرنطینه امنیتی قرار دارد و از زمان آغاز حملات هوایی رژیم صهیونیستی و محاصره تقریبا کامل غزه، ناآرامی‌ها در آن افزایش یافته است.

توقف ساخت‌وساز و املاک و مستغلات، که شش درصد به درآمدهای مالیاتی اسرائیل کمک می‌کند، درآمد دولت را کاهش می‌دهد و می‌تواند باعث افزایش مجدد قیمت‌ها در بازار مسکن شود که یکی از گران‌ترین بازارها در اروپا و خاورمیانه در سال‌های اخیر بوده است. بلومبرگ به نقل از مدیر اجرایی Startup Nation Central، تخمین می‌زند که حدود ۱۵ درصد از نیروی کار فناوری اسرائیل برای وظیفه ذخیره فراخوانده شده‌اند. او گفت که این اعداد در استارت‌آپ‌ها که تمایل به استخدام کارگران جوان‌تر دارند، حتی بیشتر است.

در میان ۵۰۰ شرکت فناوری پیشرفته که هفته گذشته مورد بررسی قرار گرفتند، تقریبا نیمی از آنها لغو یا تاخیر یک توافق سرمایه‌گذاری را گزارش کرده‌اند. در میان پاسخ‌دهندگان که شامل مشاغل محلی و چندملیتی می‌شوند، بیش از ۷۰ درصد گفته‌اند که پروژه‌های مهم به تعویق افتاده یا لغو می‌شوند. حتی زمانی که شرکت‌ها می‌گویند در حال یادگیری سازگاری با وضع موجود هستند، وضعیت اسفبار بسیاری نشان می‌دهد که این بحران زخم‌های طولانی‌مدتی را در سرتاسر اقتصاد اسرائیل بر جای خواهد گذاشت.

هزینه فعلی ۳۲ روز جنگ ۵۰ میلیارد شیکل (۱۲٫۵ میلیارد دلار) تخمین زده شده است و هرچه جنگ طولانی‌تر شود، هزینه آن بسیار زیادتر خواهد بود؛ هم به دلیل هزینه‌های جنگ و هم بسیج مداوم صدها هزار سرباز ذخیره. این آسیب جدی به اقتصاد و آسیب سنگین به مشاغل زده است.

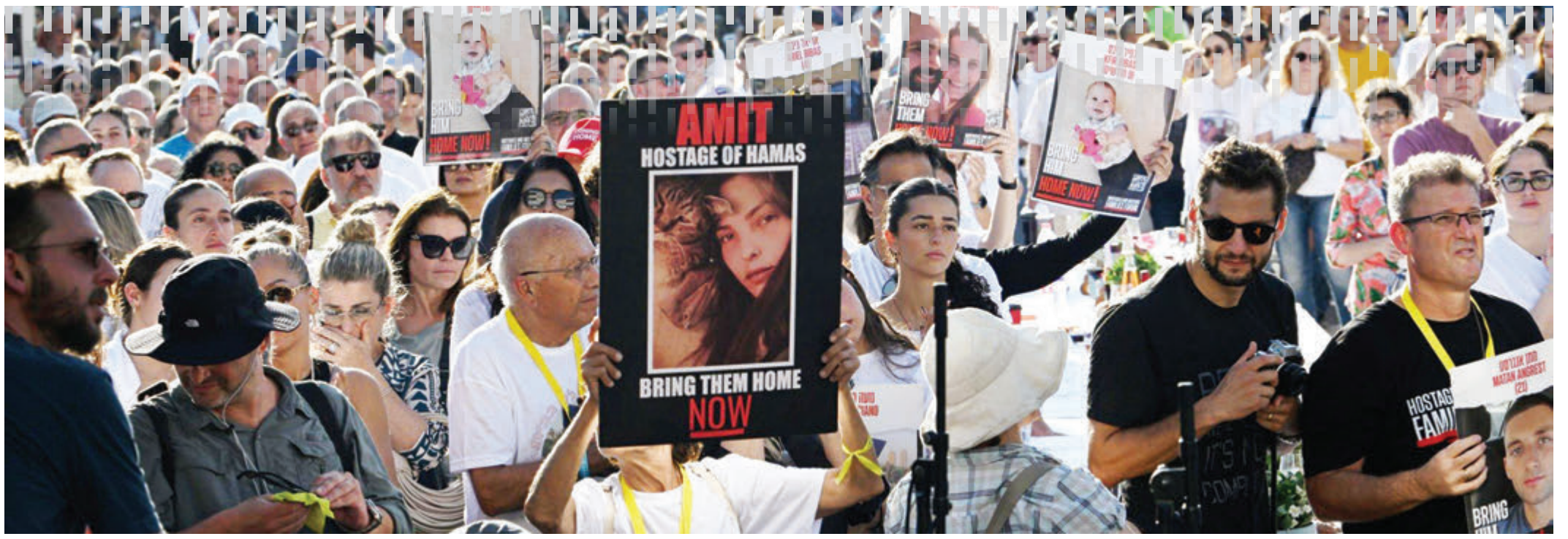

فرهیختگان ورزشی
شماره مسلسل ۴۷۴۶
چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
اول جمادی‌الاول ۱۴۴۵
۱۵ نوامبر ۲۰۲۳
شماره ۴۰۰۸
| Wed | 15 Nov 2023 | vol.15 |
No. 4008 | 16 Pages

بیرانوند که با مصدومیت امیری و نیمکت‌نشینی عالیشاه کاپیتان پرسپولیس شده، دوست ندارد بازوبند را از دست بدهد

سیو بازوبند

نبیل به النصر می‌رسد
امیری فعلا استراحت می‌کند

حسین عبدی، سرمربی تیم ملی فوتبال نوجوانان با وجود بازی قابل احترام تیمش و باخت لحظه آخری به انگلیس از مردم ایران معذرت‌خواهی کرد

آموزش عذرخواهی به بعضی‌ها

فرزاد آشوبی:
باید برای داشتن این بازیکنان مستعد خوشحال باشیم

سفر زمستانی آبی‌ها به جزیره
استقلال در تورنمنت چهارجانبه بین‌المللی کیش

عکس: سعید زارعیان

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

فرزاد آشوبی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: تیم ملی نوجوانان در هر ۲ دیدار تلاش کرد پیام‌آور شادی باشد

باید برای داشتن این بازیکنان مستعد خوشحال باشیم

■ انرژی و سختکوشی بازیکنان در هر ۲ بازی در حد عالی بود ■ نباید امروز و آینده این نفرات را فدای تک‌بازی‌ها کرد

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

تیم ملی نوجوانان فوتبال ایران بعد از برتری مقابل برزیل، در دیدار مقابل یکی دیگر از مدعیان این جام در حالی نتیجه را واگذار کرد که تا دقایق پایانی همچنان امیدها در اردوی این تیم برای کسب نتیجه زنده بود اما یک اشتباه مرگبار از گلر این تیم باعث شد تا نتیجه و ۳ امتیاز از کف شاگردان حسین عبدی بپرد. در این خصوص دقایقی با فرزاد آشوبی پیشکسوت فوتبال ایران که سابقه کار با رده‌های سنی را در کارنامه دارد به گفت‌وگو نشستیم که متن آن را در ادامه می‌خوانید.

بازی با انگلیس چطور بود؟ در اوج ناباوری این دیدار به سود حریف به پایان رسید. به نظر می‌رسد بارش شدید باران تا حد زیادی روی این دیدار از لحاظ مسائل فنی و کارهای تاکتیکی و ترکیبی تاثیرگذار بود.

در وهله اول باید به بچه‌های خوب تیم ملی نوجوانان خسته نباشید و خداقوت بگوییم. در هر صورت آنها دو بازی سخت مقابل انگلیس و برزیل را با تمام وجود مبارزه کردند، جنگیدند و تلاش کردند تا در این دو دیدار پیام‌آور شادی باشند. اتفاقی که در بازی با برزیل محقق شد اما در این بازی نتوانستند دست به این کار بزرگ بزنند اما این تلاش، انرژی و سختکوشی بازیکنان در هر دو بازی این تیم در حد عالی وجود داشت. بنابراین باید به خاطر داشتن این بازیکنان مستعد و باکیفیت خوشحال باشیم.

از لحاظ فنی این دیدار چطور بود؟

بحث اصلی به همین موضوع یعنی بحث فنی در این بازی مربوط می‌شود. متاسفانه نه در مقابل برزیل که با پیروزی ما تمام شد و نه در این دیدار که در دقایق آخر نتیجه را واگذار کردیم هیچ نشانه‌ای از فوتبال امروزی و مدرن را به شخصه مشاهده نکردم. این امر جای تاسف بزرگی دارد چون نزدیک به دو سال است که این گروه مستعد و قوی در اختیار این کادرفنی هستند اما تنها چیزی که ما امروز در مسابقات جام جهانی می‌بینیم، یک تلاش و دوندگی است که از بازیکنان در زمین مسابقه می‌بینیم.

یعنی طرح و ایده فنی خاصی را از سوی تیم ملی در این دیدار مشاهده نکردید؟

حداقل من نتوانستم ایده یا طرحی را در این دو بازی پیدا کنم که به این موضوع خوشبین شوم یا خوشحال شوم که حتی اگر در این دیدارها نتیجه هم نگرفتیم، حداقل به لحاظ ساختار و کیفیت فوتبال، یک تیم با برنامه، هدفمند و امروزی را از خود به نمایش بگذاریم. واقعا نمی‌دانم این دور باطل در فوتبال ما قرار است چه زمانی به پایان برسد؟

به هر صورت به احتمال زیاد ما از این گروه صعود خواهیم کرد.

بله، درست است و این امر هم احتمالا محقق خواهد شد. تیم بعدی هم تیمی نیست که بتواند در مقابل بچه‌های ما مقاومت کند و قطعا بازی آخر مرحله گروهی را با پیروزی پرگلی پشت سر خواهیم گذاشت اما درنهایت رفتن به مراحل بالاتر این جام هم فکر نمی‌کنم عایدی برای فوتبال ما داشته باشد. اصل اتفاق خوب این است که ما بتوانیم در امر سازندگی موفق باشیم و بتوانیم این استعدادها و این بازیکنان خوب را به فوتبال امروزی دنیا نزدیک کنیم و اینها را به این سطح برسانیم.

به این موضوع خوشبین نیستید؟

من نمی‌توانم خوشبین باشم و فقط افسوسش باقی می‌ماند.

فکر نمی‌کنید بارش شدید باران باعث شد تا کیفیت اصلی خود را به نمایش نگذاریم؟

اصلا از این بازی فاصله بگیریم. دیدار با برزیل را عرض می‌کنم. ما در این دیدار هم این طور نشان دادیم که خوب می‌دویم، خوب تلاش می‌کنیم و به دنبال استفاده از اتفاقات بازی هستیم؛ تمام! نه طرحی و ایده‌ای و نه فکر خاصی. اگر ایده‌ای بود در این بازی می‌دیدیم اما آنجا هم روی اشتباهات حریف و کیفیت فردی بازیکنان‌مان در لحظه‌های خاص موفق شدیم به پیروزی برسیم. شاید بیش از حد دارم سخت می‌گیرم اما وقتی سبکی که رقبا دارند کار می‌کنند را می‌بینم، مدلی که ما داریم کار می‌کنیم هیچ سنخیتی با فوتبال امروزی دنیا ندارد و این نقطه مایوس‌کننده ماجرا به شمار می‌رود. ما داریم از رده‌های سنی صحبت می‌کنیم که در ابتدای یک مسیر بزرگ و سخت قرار دارند. نباید امروز و آینده اینها را فدای تک بازی‌ها، تک مسابقات و تورنمنت‌ها کنیم. چطور آنها با این وضعیت می‌توانند ساخته شوند یا چطور برای آینده امیدوار باشیم که بخش بزرگی از این بچه‌ها این موقعیت را داشته باشند که مثلا به فوتبال اروپا بروند؟ با این وضعیت نمی‌شود! با این مدل از فوتبال و این شکل از بازی نمی‌توانیم تصور موفقیت‌های بزرگ را در آینده داشته باشیم.

با این اظهارات، ایراد اصلی شما به کادرفنی تیم ملی است؟

من به کادر ایرادی نمی‌گیرم بلکه ایرادم این است که ما اصلا برای فوتبال‌مان صاحب فلسفه نیستیم. این فلسفه را هم فدراسیون و کمیته فنی باید مشخص کنند. ما باید بتوانیم این کار را انجام بدهیم. چطور می‌شود ژاپن، عربستان، کره، قطر و امارات بتوانند؟ خیلی از آنها از ما کیفیت و پتانسیل پایین‌تری دارند و سعی می‌کنند خودشان را به فوتبال روز دنیا وصل کنند اما ما نتوانیم و به دنبال این مسیر هم نباشیم.

با همه این تفاسیر اما کارشناسان زیادی در این چند روز بین دو بازی تیم ملی، برخلاف نظر شما صحبت کرده و تیم ملی را صاحب سبک و با ایده‌های تاکتیکی درست و مناسب معرفی کردند. فکر نمی‌کنید شاید تعریف و تمجید بیش از حد از بازیکنان باعث اعتماد به نفس کاذب آنها برای بازی با انگلیس شده باشد.

واقعا درباره اعتماد به نفس بازیکنان نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده باشد اما اگر واقع‌بین باشیم، عزیزانی که درباره بازی با برزیل اظهارنظر می‌کنند، در همان بازی هم قابل مشاهده بود که ما تیمی هستیم که دوندگی و تلاش زیاد داریم اما زمانی که توپ را می‌گیریم، فقط یک ایده داریم؛ اینکه با استفاده از اشتباهات حریف، ضدحمله بزنیم. ما قادر نیستیم بازی را به میل خودمان کنترل کنیم. ما توان و برنامه این کار را نداریم. در همین بازی با انگلیس اگر در ۱۰ دقیقه پایانی بازی قادر بودیم توپ را در زمین حریف به گردش دربیاوریم و آنجا بتوانیم حریف را از دروازه خودمان دور نگه داریم، این احتمال وجود داشت که بتوانیم بدون شکست این بازی را ترک کنیم. اما چنین مساله‌ای را شما مشاهده کردید؟ کماکان تیمی بودیم که عقب نشسته و سعی در دفع توپ دارد. با اضافه کردن کسری طاهری هم منتظر بودیم ببینیم چه اتفاقاتی می‌افتد. این مسائل نمی‌تواند به ما دورنمایی از موفقیت بدهد. فرضا این جام را با موفقیت پشت سر گذاشته و تا مراحل نهایی هم صعود کنیم اما این نباید باعث شود که ایرادات و مشکلات بزرگی که در فوتبال‌مان داریم را نبینیم. جوانان و امیدهای ما هم حذف شدند. آن هم در مقابل تیمی مانند مالزی به خاطر یک کارت بیشتر یا در بازی‌های آسیایی از هنگ‌کنگ شکست خوردیم. اینها زنگ خطرهایی هستند که سال‌های قبل مقابل قطر و امارات و ازبکستان یا عربستان به صدا درآمده بودند، حالا به جایی رسیدیم که دارد با هنگ‌کنگ به صدا درمی‌آید. پس باید بپذیریم که نیازمند تغییر، راهکار و فلسفه درست هستیم. این سبک و مدل از فوتبال در تیم‌های پایه نمی‌تواند آینده‌ساز فوتبال برای این بچه‌ها و کشورمان باشد.

ذوبی‌ها یک عذرخواهی به هواداران خود بدهکارند

شاگردان ربیعی حریف می‌طلبند

نیلوفر مژدهی
خبرنگار

چه کسی فکر می‌کرد بعد از هفته دهم رقابت‌های لیگ برتر در شرایطی که تیم‌های سپاهان و پرسپولیس در تعقیب استقلال برای جایگاه اول جدال می‌کردند این تیم ذوب‌آهن باشد که با حرکتی هوشمندانه جایگاه دوم جدول رده‌بندی را تصاحب کند. ذوب‌آهن ۱۸ امتیازی برای رسیدن به صدر جدول فقط ۴ امتیاز با استقلال فاصله دارد. این تیم با ۵ برد شیرین و تنها دو تساوی، از موفق‌ترین باشگاه‌ها در فصل جاری لیگ برتر است. محمد ربیعی از ذوب‌آهن فراموش شده بار دیگر تیمی مدعی ساخت و شاید در ادامه راه، این تیم دوباره توان افتخارآفرینی داشته باشد.

شروع سخت

ذوبی‌ها برای تمدید قرارداد مهدی تارتار که تازه به پایان رسیده بود، تردید داشتند. از طرفی فکر می‌کردند بهتر است با قاسم حدادی‌فر به توافق برسند؛ مربی‌ای که طی مدت همکاری با مهدی تاتار ظاهرا آب دیده به‌نظر می‌رسید. همه اعضای هیات‌مدیره اما با این انتخاب موافق نبودند و او را مربی جوان و ناکارآمدی می‌دانستند که نمی‌تواند حتی جایگاه نهم این تیم در جدول رده‌بندی را تکرار کند. همین موضوع باعث شد تا گزینه سومی به نام محمد ربیعی روی میز قرار بگیرد. محمد ربیعی که پیشنهادهای بسیاری به‌دلیل عملکرد خوب چند سال اخیر در مس رفسنجان داشت زیاد مایل نبود به تیم ذوب‌آهن ملحق شود، از این رو به آنها جواب رد داد. در ادامه او به باشگاه استقلال آمد، اما درنهایت از قبول هدایت این تیم انصراف داد. از طرفی انتخاب مربیان از سوی دیگر باشگاه‌ها درنهایت کار را به سمت و سویی پیش برد که محمد ربیعی تقریبا گزینه‌ای به جز ذوب‌آهن نداشت. این توفیق اجباری البته به‌نفع ربیعی و باشگاه ذوب‌آهن تمام شد و از این انتقال هم سبز قباهای اصفهانی سود بردند و هم ربیعی!

عملکرد محمد ربیعی در تیم مس رفسنجان این باور را به وجود آورده بود که او در تیمی به جز مس نمی‌تواند موفق شود، از طرفی برخی اختلافات در باشگاه مس رفسنجان مانع از ادامه همکاری دو طرف بود. به این ترتیب در شرایطی که به‌نظر می‌رسید پس از گردش مارکوپولویی این مربی در لیگ برتر قرار است دوباره هدایت مس را بر عهده بگیرد، ناگهان اما عوامل این باشگاه رفسنجانی با ساکت الهامی به توافق رسیدند و محمد ربیعی اجبارا به ذوب‌آهن پیوست. شرایط برای تیم ذوب‌آهن در فصول اخیر به حدی نگران‌کننده بود که کمتر مربی‌ای حاضر بود مسئولیت این تیم را قبول کند. حتی مهدی تاتار بعد از دو فصل حضور در جمع گاندوها ترجیح داد اصفهان را رها کرده و شانس خود را در شهر دیگری امتحان کند. درنتیجه از هر سو که به ماجرا نگاه می‌کردیم، اصفهان محل تلاقی باشگاه ذوب‌آهن و محمد ربیعی بود. این انتخاب درست از سوی مدیران باشگاه ذوب‌آهن درنهایت نتیجه خوبی داشت. حالا می‌بینیم از این همکاری پس از ۱۰ هفته جایگاه دوم جدول رده‌بندی به‌دست آمده است.

جبران اشتباه مدیران ذوب‌آهن

طی سال‌های اخیر و بعد از آخرین حضور تیم ذوب‌آهن در لیگ قهرمانان آسیا، شاهد تیمی متزلزل و افول کرده از ذوب‌آهن بودیم. کاهش بودجه این تیم لیگ برتری به‌دلیل مشکلاتی که در کارخانه ذوب‌آهن به‌وجود آمده بود، اجازه نداد تا مربیانی با کارنامه بهتر در جمع اصفهانی‌ها قرار گیرند. درحالی‌که سپاهان دیگر تیم اصفهانی هزینه‌های هنگفتی می‌کرد و برای جام می‌جنگید، این تیم ذوب‌آهن بود که با مشکلات مالی مجبور بود اغلب با مربیان سطح پایین به توافق برسد. این بار اما آنها هرچند ریخت‌وپاش زیادی نکردند اما خوش‌شانس بودند که مربی‌ای همچون محمد ربیعی در لیگ برتر متولد شده بود و ذوب‌آهن این شانس را داشت تا وی را به‌خدمت بگیرد. اگر نخواهیم مشکلات مالی را تنها عامل عدم‌موفقیت چند سال اخیر تیم ذوب‌آهن بدانیم باید قبول کنیم که مدیران این باشگاه تاکنون در انتخاب سرمربی تیم اشتباه کرده بودند. سال‌های اخیر برای ذوب‌آهن امثال امید نمازی، لوکا بوناچیچ، علیرضا منصوریان، رحمان رضایی، مجتبی حسینی و مهدی تاتار مربیگری کردند. طی این سال‌ها تیم ذوب‌آهن تا آستانه سقوط پیش رفت، اما به‌واسطه اعتبار و عقبه‌ای که داشت سقوط نکرد تا تقریبا همه امیدها از این تیم ناامید شود. امسال اما مدیران این باشگاه ترس را کنار گذاشته و با جذب محمد ربیعی که خود نیز مربی ریسک‌پذیری است تیمی متفاوت را روانه رقابت‌ها کردند. به‌نظر می‌رسد مدیران این باشگاه به‌خاطر صدمه‌ای که درنتیجه کج سلیقه‌ای خود به این تیم زدند یک عذرخواهی به هواداران ذوب‌آهن بدهکارند.

توانا در خانه رقبا

ربیعی کار را خیلی زود شروع نکرده بود و از طرفی ۱۲ بازیکن این تیم جدا شده بودند، درنتیجه او تیمی خالی از بازیکن را تحویل گرفت. با اندک فرصتی که داشت چند بازیکن لیگ برتری از دیگر باشگاه‌ها به تیمش اضافه کرد که اتفاقا میانگین سنی خوبی هم داشتند. با بررسی عملکرد تیم ذوب‌آهن کاملا واضح است که این تیم به جز بازی با سپاهان، در هفته ششم مقابل تیم مس رفسنجان هم شکست خورده است. آمار خیره‌کننده تیم محمد ربیعی در بازی‌های خارج از خانه نشان می‌دهد آنها میزبان مهربانی برای رقبا بوده و تاکنون در خانه خودش ۷ امتیاز از دست داده و این نشان می‌دهد شاگردان محمد ربیعی در خانه توانایی لازم را ندارند و در زمین حریف بهتر کار می‌کنند. اتفاقاتی که طی سال‌های اخیر برای ذوب‌آهن رخ داد و فشاری که از سوی سکوها و هواداران احساس می‌کردند، می‌تواند یکی از دلایل عدم‌نتیجه‌گیری این تیم در خانه باشد. با این حال هرچند هفته دهم زمان خوبی برای نتیجه‌گیری در مورد تیم ذوب‌آهن نیست، اما این تیم می‌تواند با روند خوبی که از خود نشان داده در ادامه نیز موفق باشد. واقعیت این است که رقبا مخصوصا تیم‌هایی همچون سپاهان، پرسپولیس و تراکتور دست روی دست نمی‌گذارند تا ذوب‌آهن خود را به صدر جدول نزدیک و نزدیک‌تر کند. قطعا این لیگ با توجه به تعطیلات مکرری که هر از گاهی می‌بینیم، آبستن حوادث بسیاری است؛ هرچند ذوب‌آهن با توجه به مربی و عملکرد خوبی که بازیکنان از خود نشان دادند، می‌تواند خود را به‌عنوان یک مدعی مطرح کند اما هنوز برای نتیجه‌گیری زود است.

آگهی مزایده

موضوع: واگذاری زیرزمین خوابگاه برادران

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند **دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر** قصد دارد زیرزمین خوابگاه برادران خود را از طریق مزایده به‌صورت اجاره واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که متقاضی می‌باشند دعوت می‌شود جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد همه روزه به جز ایام تعطیل و شنبه‌ها در وقت اداری (۱۵-۸) به شرح ذیل اقدام نمایند. مهلت دریافت اسناد و شرکت در مزایده از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز کاری می‌باشد. محل دریافت اسناد مزایده شبستر - دانشگاه آزاد اسلامی - ساختمان اداری - طبقه سوم دفتر معاون توسعه مدیریت و منابع دانشگاه تلفن: ۰۴۱۴۲۴۲۴۲۷۳ محل تحویل اسناد مزایده: اداره حراست واقع در طبقه سوم ساختمان اداری.

سایر شرایط در اسناد مزایده مندرج است.

دانشگاه در قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد یا رد آن دارای اختیار تام می‌باشد و هزینه درج آگهی منتشره در روزنامه سراسری و محلی بر عهده برنده مزایده است.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر

مدرک دانشگاهی (گواهی موقت) اینجانب رضا افروزنده بخشایش فرزند حسین شماره شناسنامه ۴۳۸۲ صادره از تبریز در رشته مدیریت دولتی در مقطع کارشناسی ناپیوسته صادر از واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد سراب – مرکز مهربان به شماره تاییدیه ۷۳۳۲۶ ف/م به تاریخ ۹۶/۰۲/۰۶ در مورخه ۹۸/۰۶/۰۱ مفقود یا سرقت شده و از درجه اعتبار ساقط است. لذا از یابنده تقاضا می‌شود آن را به آدرس: آذربایجان شرقی – تبریز – سردرود – خیابان امام – دانشگاه آزاد اسلامی مرکز سردرود اداره دانش‌آموختگان به کد پستی ۵۳۶۱۸۱۵۳۱۷ و به شماره تلفن ۳۴۲۱۵۵۸۴ ارسال یا تحویل فرماید.

صدای نخبگان، نگاه جوانان
WWW.FDN.IR
روزنامه فرهیختگان
farhikhteganonline
FARHIKHTEGAN

آگهی مزایده
نوبت دوم

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر بابک بر اساس مجوز شماره ۰۷/۵۸۳۸ تصمیم به واگذاری سلف و سرویس خود از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط مندرج در اسناد مزایده به‌صورت اجاره یک‌ساله را دارد. متقاضیان درصورت تمایل از تاریخ درج این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری جهت بازدید اماکن مورد مزایده و دریافت اسناد مربوطه به اداره امور مالی این واحد دانشگاهی واقع در شهر بابک–بلوار خلیج فارس–مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر بابک–قسمت امور مالی مراجعه نمایند.
-ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر در وجه دانشگاه به میزان ذکرشده در اسناد مزایده یا واریز به حساب اعلام‌شده
دانشگاه در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادات مختار است.
هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده خواهد بود.
شماره تماس: ۰۳۴۳۴۱۲۱۲۰۹-
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر بابک

آگهی مزایده
نوبت دوم

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر بابک بر اساس مجوز شماره ۰۷/۲۵/۳/۱۸۸۷۱ تصمیم به واگذاری استخرهای پرورش ماهی خود از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط مندرج در اسناد مزایده به‌صورت اجاره یک‌ساله را دارد. متقاضیان درصورت تمایل از تاریخ درج این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری جهت بازدید اماکن مورد مزایده و دریافت اسناد مربوطه به اداره امور مالی این واحد دانشگاهی واقع در شهر بابک–بلوار خلیج فارس–مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر بابک–قسمت امور مالی مراجعه نمایند.
-ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر در وجه دانشگاه به میزان ذکرشده در اسناد مزایده یا واریز به حساب اعلام‌شده
دانشگاه در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادات مختار است.
هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده خواهد بود.
شماره تماس: ۰۳۴۳۴۱۲۱۲۰۹-
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر بابک

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school
ارائه مدرک معتبر و رسمی از مدرسه عالی مهارتی دانشگاه آزاد اسلامی

اتحاد به جای اعتصاب در واکنش به اقدام عجیب درویش

سوژه جدید قرمزها؛ بیرو می‌خواهد کاپیتان باشد!

نبیل به النصر می‌رسد، امیری فعلا استراحت می‌کند

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

پرسپولیس بعد از شکست مقابل سپاهان وارد یک بحران خودساخته شد؛ بحرانی که به‌نوعی آرامش را در این تیم برهم زد و باعث شد اختلافات درونی در این باشگاه که حتی بین اعضای هیات‌مدیره هم وجود داشت بیشتر از هر زمان دیگری خودش را نشان دهد. نکته جالب توجه اینکه بعد از این بازی یحیی گل‌محمدی سعی کرد در نشست خبری از عملکرد شاگردانش با تاکید بر اینکه بازی برابری را شاهد بوده، دفاع کند و در سوی دیگر نیز علیرضا بیرانوند با بیان اینکه سپاهانی‌ها مراقب باشند جلوی چه تیمی خوشحالی می‌کنند سعی بر این داشت هم جواب تیم رقیب را داده باشد و هم اینکه به‌نوعی همبازیانش را ترغیب کند تا به فکر جبران باشند. یحیی همچنین دو روز استراحت به شاگردان خود داد تا آنها اتفاقات بازی با سپاهان را فراموش کرده و با روحیه بهتر برای بازی با النصر آماده باشند. او حتی بعد از بازی با سپاهان نیز از طریق افشین پیروانی به اطلاع باشگاه رساند که برای بازی با النصر خواهان سفر زودهنگام به عربستان است و می‌خواهد سه جلسه تمرین قبل از بازی با تیم عربستانی در ریاض داشته باشند اما جریمه کسر ۱۰ درصد قرارداد از سوی رضا درویش باعث شد که جو سرخپوشان حسابی به هم ریخته و بزرگ‌ترهای تیم به اتفاق سرمربی واکنش‌های مختلفی را نشان دهند. در این میان یحیی تهدید به کناره‌گیری کرد و پیروانی سعی کرده و می‌کند تا او را آرام کند. بزرگ‌ترهای تیم که برخی از آنها در اردوی تیم ملی بودند در گروه واتساپی تیم ابتدا اعتراض‌هایی داشتند اما کم‌کم آرام شدند. در این میان تماس‌هایی هم از طریق خود بازیکنان و وکیل‌های آنها با درویش و برخی از اعضای هیات‌مدیره گرفته شد و پاسخ آنها این بود که ان‌شاءالله با نتایج خوب تیم این جریمه بخشیده خواهد شد.

اتحاد جای اعتصاب را گرفت

بازیکنان پرسپولیس هنوز بابت اینکه باشگاه نیمی از آپشن‌های قرارداد آنها را پرداخت نکرده و تا اینجای فصل فقط ۲۰ درصد قراردادشان را دریافت کرده‌اند، حسابی شاکی هستند و وقتی خبر جریمه را شنیدند تصمیم گرفتند واکنش تندی نشان داده و تمرینات را تحریم کنند. در این میان بزرگ‌ترهای تیم در گروه سعی بر آرام کردن جو متشنج‌شده کرده و خواستند که در این شرایط حساس به فکر این باشند که متحد شده و با کسب نتایج درخشان در بازی‌های حساس پیش‌رو از جمله دیدار با النصر، الدحیل و دربی پایتخت شرایطی را به وجود آورند که باشگاه به جای جریمه به دنبال پرداخت پاداش به آنها باشد. در حقیقت سرخپوشان برای بازگشت به روزهای خوب و صعود به مرحله یک‌هشتم لیگ قهرمانان آسیا هم قسم شدند اما در عین حال رابطه خیلی سردی با مدیریت باشگاه خود خواهند داشت و در فرصت مناسب واکنش لازم را به اقدام درویش مبنی بر جریمه کسر ۱۰ درصد قرارداد خواهند داشت.

ماجرای بازوبند کاپیتانی که خواهان جدی دارد

در فصل جاری پرسپولیس بازی‌های زیادی داشته که وحید امیری و امید عالیشاه به دلایل مختلف در ترکیب اصلی نبوده‌اند و از این رو علیرضا بیرانوند بازوبند را بر بازو بسته است اما در بازی برگشت پرسپولیس و استقلال تاجیکستان وحید امیری بعد از مدت‌ها فرصت حضور در میدان را پیدا کرد و وقتی قصد ورود به میدان را داشت همه منتظر بودند بیرانوند سمت وی رفته و بازوبند را به او دهد که این اتفاق رخ نداد. بعد از بازی هم همه چیز تحت تاثیر مصدومیت دوباره امیری قرار گرفت و بازیکنان سعی کردند به این بازیکن دلداری دهند. در این میان خود بیرانوند هم که رابطه خیلی صمیمی با امیری دارد سخت پیگیر وضعیت او بود. البته اعضای تیم همه حواس‌شان بود که بیرو بازوبند را به امیری نداده است. این اتفاق در بازی با سپاهان به شکل دیگری تکرار شد. این بار امید عالیشاه در دقایق پایانی به زمین آمد و دوباره بیرانوند تصمیم گرفت توجهی به این مساله نکرده و بازوبند را حفظ کند اما عالیشاه در جریان بازی سمت او رفته و بازوبند را گرفت. در پایان مسابقه نیز امید نزد علی بیرو گلایه می‌کند که چرا موقع تعویض بازوبند را به او نداده است که بیرانوند مدعی می‌شود یادش رفته است. اما همبازیان بیرانوند می‌دانند که او علاقه زیادی دارد تا نقش کاپیتان را در تیم ایفا کند در حالی که امید عالیشاه و سروش رفیعی هم شدیدا علاقه‌مند به این کار هستند. شاید به خاطر همین است که آنها و مخصوصا بیرو و سروش در پایان هر بازی سعی می‌کنند مقابل دوربین‌های تلویزیونی قرار گرفته و در مورد مسائل مختلف پاسخگوی سوالات باشند. واقعیت امر این است که این روزها جای خالی بازیکنانی مثل مرتضی پورعلی‌گنجی و وحید امیری بیشتر از هر زمان دیگری در رختکن سرخپوشان احساس می‌شود چون این دو بازیکن اکثر مواقع جو رختکن تیم‌شان را آرام کرده و صحبت‌های انگیزشی خوبی را با همبازیان‌شان داشتند.

پزشک جدید به امیری استراحت داد

وحید امیری که بعد از تقریبا یک ماه و نیم دوری در بازی تیمش با استقلال تاجیکستان به میادین بازگشت با تشدید مصدومیتش تصمیم گرفت که دوره جدید درمانش را نزد پزشک دیگری آغاز کند. در همین راستا با خبر شدیم که پزشک جدید امیری به وی اعلام کرده وقتی که درد در ناحیه همسترینگش داشته نباید کار فیزیوتراپی می‌کرده و به این خاطر از او خواسته یک هفته‌ای به پایش استراحت دهد و بعد از برطرف شدن دردش در ناحیه همستر ینگ آن وقت دوره درمانی جدید را برای بهبودی‌اش آغاز کند. این پزشک به هافبک پرسپولیس اطمینان داده که سه تا چهار هفته دیگر می‌تواند به میادین برگردد.

نبیل به بازی با النصر می‌رسد

مصدوم جدید پرسپولیس نبیل باهویی است که اتفاقا او هم از ناحیه همسترینگ دچار آسیب‌دیدگی شده است. البته مصدومیت او خفیف است و کادر پزشکی پرسپولیس برای اینکه اتفاق امیری برای نبیل تکرار نشود از کادرفنی می‌خواهند از مهاجم سوئدی در بازی با سپاهان استفاده نکنند. در همین راستا نبیل با چند روز فیزیوتراپی می‌تواند به تمرینات گروهی سرخپوشان برگردد. از این رو مهاجم سوئدی مشکلی برای همراهی پرسپولیس در بازی با النصر را نخواهد داشت. البته اگر کادر پزشکی پرسپولیس شرایط او را درست تشخیص داده باشند از این جهت که آنها در ابتدای فصل درمورد بازگشت مصدومان و طول درمان‌شان اشتباهات زیادی داشته‌اند.

سکوت معنادار یحیی

پرسپولیس بعد از پشت سر گذاشتن حواشی اخیر از امروز برای بازی با النصر استارت خواهد زد. در این میان سرخپوشان تصمیم گرفته‌اند که متحدتر از قبل برای صعود از گروه تلاش کنند و بعد از آن در مقابل جریمه باشگاه واکنش نشان دهند اما گل‌محمدی که از تصمیم درویش حسابی شاکی است ترجیح داده که سکوت کند. البته او در همان اصفهان وقتی متوجه شد درویش چنین قصدی دارد تهدید به کناره‌گیری کرد اما پیروانی این ماموریت را از سوی باشگاه داشته و دارد که سرمربی تیم را در شرایط مختلف کنترل کند تا اشتباهی مرتکب نشود. از این رو پیروانی هم در تلاش است تا یحیی را متقاعد کند به تصمیمات باشگاه احترام گذاشته و بدون مشکل در تمرینات حاضر شود. اتفاقی که انتظار می‌رود امروز رخ دهد؛ چراکه در غیر این صورت حواشی پرسپولیس در این روزهای حساس غیرقابل کنترل خواهد بود. هرچند اگر امروز هم یحیی بدون مشکل در تمرین سرخپوشان حاضر شود معنایش این نیست او موافق اقدام اخیر باشگاه بوده؛ چراکه شکاف بین او و باشگاه عمیق‌تر از هر زمان دیگری است.

اخبار کوتاه

سفر زمستانی آبی‌ها به جزیره

استقلال در تورنمنت چهارجانبه بین‌المللی کیش

پایان نیم فصل اول رقابت‌های لیگ برتر در فصل جاری در حالی با رقابت‌های جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ قطر مصادف خواهد شد که به خاطر تعطیلات حدود ۴۰ روزه رقابت‌ها، از حالا برخی تیم‌ها به دنبال برنامه‌ریزی برای این ایام هستند تا به هر ترتیب ممکن برای حضور پرقدرت در نیم فصل دوم رقابت‌های لیگ، از شرایط مسابقه دور نشوند. این در حالی است که باشگاه استقلال نیز برای تعطیلات حدود ۴۰ روزه نیم فصل، برنامه‌ریزی جالب توجهی را ترتیب داده تا به این ترتیب شاگردان نکونام به خاطر تعطیلی طولانی مدت از شرایط بازی دور نشوند. بر همین اساس و طبق شنیده‌ها استقلالی‌ها از حالا دست به کار شده‌اند تا یک تورنمنت چهارجانبه بین‌المللی را در جزیره کیش ترتیب دهند. نکته قابل توجه اینکه قرار است در این تورنمنت که در دی ماه برگزار می‌شود، دو تیم داخلی از جمله استقلال تهران به همراه دو تیم خارجی حاضر خواهند شد. البته با وجود اینکه جزیره کیش میزبان این رقابت‌هاست اما در اصل این استقلالی‌ها هستند که برنامه‌ریزی و اجرای این تورنمنت بین‌المللی را برعهده خواهند داشت. شنیده می‌شود مقدمات انجام این کار از سوی باشگاه در حال فراهم شدن است و به نظر می‌رسد درصورتی که برخی امور غیرقابل پیش‌بینی محدودیت‌هایی را به‌وجود نیاورند، این تورنمنت دی ماه در جزیره کیش با حضور استقلالی‌ها برگزار خواهد شد. پازوکی، رئیس هیات فوتبال کیش در گفت‌وگویی کوتاه با «فرهیختگان» این خبر را تایید کرد و گفت: «بعد از سفر خطیر به کیش، این پیشنهاد مطرح شد که هنوز به مراحل اجرایی نرسیده است. درواقع ما منتظر اقدامات و پاسخ استقلالی‌ها هستیم تا کارهای لازم را انجام دهیم.»

شکایت ادامه‌دار استقلالی‌ها از اسپانسر قبلی

باشگاه استقلال که با یک اسپانسر موقت (شرکت تمشک) فصل جدید را آغاز کرده بود، بعد از چهار دیدار به مذاکرات خود با شرکت‌های معتبر و بزرگ‌تر ادامه داده و سرانجام موفق شد با یک قرارداد سه‌ساله با یکی از اپراتورهای تلفن همراه به توافق رسیده و با این شرکت قرارداد ببندند. این در حالی است که اسپانسر قبلی استقلالی‌ها متعهد شده بود برای چهار بازی ابتدایی فصل ۲۰ میلیارد تومان به استقلال بپردازد که درنهایت چک‌های پرداختی این شرکت پاس نشده تا به خاطر شکایت استقلالی‌ها از شرکت تمشک کار به محاکم قضایی کشیده شود. نکته قابل توجه اینکه پیش از این نوشته بودیم استقلالی‌ها خیلی امیدی به وصول مطالبات خود ندارند، با این حال و با توجه به ضمانت‌های سفت و سختی که باشگاه استقلال از این شرکت در دست دارد، می‌تواند با کشاندن کار به مراجع ذی‌صلاح به اندازه تعهد داده شده (۲۰ میلیارد تومان) از این شرکت خسارت دریافت کند. نکته دیگر این است که این شرکت چند باری با وعده اینکه چک‌های اسپانسر سابق در موعدهای بعدی تسویه خواهد شد از باشگاه استقلال زمان خرید اما حالا و با پاس نشدن چندباره چک‌های شرکت فوق، شکایت جدیدی از سوی باشگاه استقلال برای زنده شدن مطالباتش انجام شده است.

رفتار حرفه‌ای سرمربی نوجوانان پس از شکست

عبدی؛ الگویی برای مربیان جوان

تیم ملی نوجوانان دومین بازی خود در جام جهانی را در حالی که با یک گل پیش بود با نتیجه ۲ بر یک باخت تا برخلاف بازی با برزیل، تیم ما کامبک خورده و فرصتی طلایی برای صدرنشینی را از دست دادند. پس از پایان این مسابقه حسین عبدی در واکنش به این نتیجه چندین بار از هواداران فوتبال در ایران عذرخواهی کرد و نشان داد به خوبی رفتار حرفه‌ای در مربیگری را بلد است. اتفاقی که قبل از این در سایر تیم‌های رده‌پایه کمتر شاهد بودیم و صمد مرفاوی و رضا عنایتی پس از ناکامی‌هایی که با تیم‌های جوانان و امید داشتند بیشتر مشغول توجیه عدم موفقیت خود بودند و حاضر به عذرخواهی بابت این اتفاق تلخ نشدند.

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

آگهی مزایده فروش آپارتمان

نوبت اول

انجمن سینمای جوانان ایران

انجمن سینمای جوانان ایران در نظر دارد نسبت به فروش یک دستگاه آپارتمان به متراژ ۷۹/۵ مترمربع از طریق مزایده عمومی اقدام نماید. متقاضیان محترم می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی با مراجعه حضوری نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام و حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ پیشنهاد قیمت خود را به‌صورت پاکت دربسته همراه با سپرده شرکت در مزایده (چک بانکی به مبلغ ۵ درصد قیمت پایه مورد مزایده در وجه مؤسسه انجمن سینمای جوانان ایران به حساب شماره ۰۱۱۱۸۱۹۵۸۲۰۰۷ نزد بانک ملی شعبه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) به امور اداری انجمن به نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان گاندی جنوبی، کوی نوزدهم، پلاک ۲۰ تحویل و رسید دریافت نمایند. متقاضیان محترم می‌توانند به منظور هماهنگی لازم برای بازدید یا هرگونه سوال در خصوص موضوع مزایده در ساعت اداری با شماره تلفن‌های ۸۶۰۸۴۸۷۵ (داخلی ۲۱۲) و ۰۹۹۶۰۹۹۷۷۲۶ تماس حاصل فرمایند. بازگشایی پاکت‌ها توسط کمیسیون معاملات انجمن در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۱۴۰۲/۰۹/۰۴ در آدرس فوق‌الذکر انجام خواهد شد. بدیهی است انجمن سینمای جوانان ایران در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

نوع ملک	کاربری	قیمت پایه (ریال)	آدرس	توضیحات
آپارتمان	مسکونی	۶۶،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	تهران، بزرگراه جلال آل احمد، خیابان چهارم، نبش سوسن، پلاک ۴۸، واحد ۳ (اول شمالی)	شش دانگ آپارتمان مسکونی دوخواب به متراژ ۷۹/۵ مترمربع و ۴/۶۰ مترمربع انباری بدون پارکینگ

آگهی مزایده

موضوع: واگذاری بوفه مدارس سما کرمان

حوزه معاونت امور مدارس دانشگاه آزاد اسلامی کرمان قصد دارد بوفه مدارس خود واقع در شهر کرمان به شرح جدول ذیل را از طریق مزایده به افراد حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت می‌شود جهت بازدید از ساختمان بوفه و دریافت اسناد مزایده همه روزه از شنبه تا چهارشنبه شنبه ساعت ۸ تا ۱۳ (به غیر از روزهای تعطیل) به شرح ذیل به دانشگاه آزاد اسلامی کرمان مراجعه نمایند.

مهلت و مکان دریافت اسناد و اطلاعات: از تاریخ درج آگهی به مدت ده روز کاری – ساختمان اداری شماره ۲ دانشگاه–حوزه معاونت امور مدارس

مهلت و مکان تحویل اسناد: متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی به مدت ده روز کاری نسبت به بازدید از مکان و اطلاع از شرایط و امکانات در مهلت مقرر اقدام و مدارک و مستندات مربوطه را طبق شرایط مزایده به دفتر حراست واقع در طبقه همکف ساختمان اداری شماره یک تسلیم نمایند. دانشگاه در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات دارای اختیارات تام بوده و هزینه درج آگهی‌ها در روزنامه سراسری و محلی استان بر عهده برنده مزایده می‌باشد.

دبستان پسرانه سما	کرمان-خ گلدشت –کوچه ۵۱	کانکس ۱۲ متری
دبستان دخترانه سما	کرمان-خ گلدشت –کوچه ۵۷	کانکس ۴ متری
دبیرستان پسرانه سما	کرمان-شهرک خواجو- بلوار سما -مجتمع پسرانه سما	کانکس ۸ متری

معاونت امور مدارس دانشگاه آزاد اسلامی کرمان

آگهی مزایده

مرحله دوم

موضوع: مزایده فروش یک دستگاه خودرو پژو پارس مدل ۹۴

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند **دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان** قصد دارد یک دستگاه پژو پارس مدل ۹۴ (تصادفی) خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که متقاضی خرید این خودرو می‌باشند دعوت می‌شود جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد همه‌روزه به جز ایام تعطیل و پنجشنبه‌ها در وقت اداری (۱۲-۸) به شرح ذیل‌الذکر اقدام نمایند.

مهلت دریافت اسناد مزایده: از تاریخ درج آگهی لغایت پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۹/۶

محل دریافت اسناد مزایده: کرمان–دانشگاه آزاد اسلامی–ساختمان اداری شماره یک – طبقه اول دفتر کمیسیون معاملات دانشگاه –

تلفن: ۳۱۳۲۱۵۳۱

محل بازدید خودرو: اداره نقلیه دانشگاه

مهلت تحویل اسناد مزایده: از تاریخ درج آگهی لغایت پایان وقت اداری دوشنبه ۱۴۰۲/۹/۶

محل تحویل اسناد مزایده: اداره حراست واقع در طبقه همکف ساختمان اداری شماره یک

سایر شرایط در اسناد مزایده مندرج است. دانشگاه در قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد یا رد آن دارای اختیار تام می‌باشد و هزینه درج آگهی منتشره در روزنامه سراسری و محلی بر عهده برنده مزایده است.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

آگهی مزایده

موضوع: واگذاری مکان و خدمات نانوایی دانشگاه

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند **دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان** قصد دارد مکان و خدمات نانوایی خود را از طریق مزایده واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که متقاضی مکان نانوایی می‌باشند دعوت می‌شود جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد همه‌روزه به جز ایام تعطیل و پنجشنبه‌ها در وقت اداری (۱۳-۸) به شرح ذیل‌الذکر اقدام نمایند.

مهلت دریافت اسناد مزایده: از تاریخ درج آگهی لغایت پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۹/۴

محل دریافت اسناد مزایده: کرمان–دانشگاه آزاد اسلامی–ساختمان اداری شماره یک – طبقه اول دفتر کمیسیون معاملات دانشگاه –

تلفن: ۳۱۳۲۱۵۳۱

مهلت تحویل اسناد مزایده: از تاریخ درج آگهی لغایت پایان وقت اداری شنبه ۱۴۰۲/۹/۴

محل تحویل اسناد مزایده: اداره حراست واقع در طبقه همکف ساختمان اداری شماره یک

سایر شرایط در اسناد مزایده مندرج است. دانشگاه در قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد یا رد آن دارای اختیار تام می‌باشد و هزینه درج آگهی منتشره در روزنامه سراسری و محلی بر عهده برنده مزایده است.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

کانون تبلیغاتی سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
ارائه مدرک معتبر و رسمی از مدرسه عالی مهارتی دانشگاه آزاد اسلامی

صدای نخبگان، نگاه جوانان
WWW.FDN.IR
روزنامه فرهیختگان
farhikhteganonline
FARHIKHTEGAN

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

بحران مخاطب تلویزیون با ایده جدید و تصمیم قاطع برای ساخت برنامه‌هایی که عموم مخاطبان را در بر می‌گیرد، حل می‌شود

مشکل از گیرنده نیست

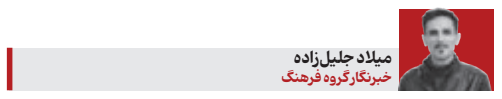

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

هرکس که در صداوسیما مدیر شد، بخشی از نگاه و ایده‌های فردی‌اش را چه درست و چه غلط، با خودش آورد و به کار بست و منشأ تاثیراتی به سبب همان ایده‌ها شد. اعضای تیم مدیریتی رئیس صداوسیما هم هر کدام نگاه و ایده‌ای فردی داشتند که به فراخور امکانات خود، آن را در رفتار اجرایی‌شان نشان دادند و تاثیراتی به جای گذاشتند. به عبارتی همیشه یک ساختار نسبتا ثابت در مدیریت صداوسیما وجود داشته که می‌شد هر نقدی را به کژکاری، کم‌کاری، تناقض درونی، همپوشانی و موازی‌کاری و چیزهای دیگری از این قبیل درون همین ساختار ربط داد و تکلیف منتقدان با کلیت مجموعه مشخص بوده است اما مشکل صداوسیما در دوره مدیریتی اخیر این است که این ساختار منسجم را کسی نمی‌بیند. ماجرا چیست؟

نگاهی به چند اتفاق اخیر که در صداوسیما افتاد و اخبار آن مدتی فضای رسانه‌ای کشور را درگیر یا سرگرم کرد بیندازیم تا ببینیم وجه مشترک همه آنها یا آنچه که می‌تواند منشأ اصلی‌شان باشد چیست. قرار می‌شود چند نفر از مجری‌های سابق صداوسیما که چهره‌هایی شناخته شده بوده‌اند، به آنتن برگردند. رضا رشیدپور و بهمن هاشمی از آن جمله‌اند. محمدرضا گلزار هم که بازیگری شناخته شده بود و سابقه اجرا در تلویزیون را داشت، قرار است برگردد. یکی از مجری‌های کمتر شناخته‌شده تلویزیون که البته فعال فضای مجازی هم هست به این تصمیم اعتراض شدیدی می‌کند و باعث می‌شود حتی با اینکه دکور بعضی برنامه‌ها آماده هستند، بازگشت چنین چهره‌هایی ملغی شود. جالب است که برخلاف رشیدپور، محمدرضا گلزار هیچ نوع حاشیه سیاسی نداشت و البته بازگشت رشیدپور را هم می‌شد نوعی عقبگرد تحریم‌کنندگان نهادهای فرهنگی حاکمیت و ابزاری برای کنترل اظهارنظرها و رفتارهایشان دانست.

اینجاست که باید پرسید پس رئیس صداوسیما دقیقا چه‌کاره است؟ اگر او تصمیم گرفته که کسی را برگرداند، چرا با یک ویدئوی اعتراضی که مجری تازه‌واردی در فضای مجازی منتشر می‌کند، از تصمیمی تا این حد اساسی و مهم برمی‌گردد؟ یک نمونه دیگر خبری است که درباره بازگشت محسن تنابنده به تلویزیون با سری هفتم سریال «پایتخت» منتشر شد. این هم یک تصمیم کلان و اساسی است که در شرایطی نرمال و ساختارمند، به نظر نمی‌رسد با چند هیاهوی ساده کسی نگران ملغی شدنش باشد؛ اما کمپینی در «فارس من» به راه افتاد که مشارکت‌کنندگانش خواستار عدم حضور تنابنده در تلویزیون شده‌اند. هنوز تاثیر این کمپین که معلوم نیست چه حجمی از آن حقیقی و چه حجمی ساختگی است مشخص نشده اما همین که خیلی‌ها بابت موثر واقع شدن آن نگران شده‌اند، یعنی به طور عمومی و کلی، قاطعیت مدیر صداوسیما در اصلی‌ترین و کلان‌ترین تصمیمات او هم برای کسی جدی گرفته نشده است.

در اتفاقی دیگر که به همین روزهای اخیر برمی‌گردد، یک برنامه موفق و رو به جلوی تلویزیون با موضوع جنگ غزه به نام «به افق فلسطین» دچار چالش می‌شود. عده‌ای فشار می‌آورند که چرا فلان چهره‌های جریان سیاسی رقیب‌شان در این برنامه حضور داشته‌اند و حضور چنین میهمان‌هایی قرار است ادامه داشته باشد و فشار آنها باعث شد تیم مدیریتی این برنامه تغییر کند. با روی دادن چنین اتفاقی آنچه در فضای عمومی کشور زبانگردان شد این بود که چون چنین برنامه‌ای موفق از آب درآمد و نابلدی گروه‌های دیگری در صداوسیما را آشکار می‌کرد، توسط آنها سرکوب شد.

به‌طور طبیعی منافع مدیر سازمان با منافع گروهی که در ارتباط با مخاطب ناکام بوده‌اند یکی نیست و به نفع پیمان جبلی خواهد بود اگر از مجموعه تحت امرش یک کار موفق بیرون بیاید. جبلی هنگامی که این اتفاقات می‌افتد در ایران نیست و وقتی برمی‌گردد می‌گوید به زودی به موضوع رسیدگی خواهد کرد، البته تا زمان انتشار این خبر، هیچ اتفاقی نیفتاده است و آقای رئیس در خصوص آنچه رخ داده به کسی پاسخ نداده است. سوال مشخصی که برای چندمین بار پیش می‌آید این است که در روند تحولات صداوسیما، مدیر صداوسیما دقیقا چه کاره است؟

مورد دیگر اظهارنظرهای شاذ سیاسی و تکه‌پرانی‌های گاه و بیگاه مجری‌ها یا مدعوین روی آنتن زنده است که مشخصا عمدی و حتی برنامه‌ریزی شده هستند و هیچ‌کس زورش نرسیده از آنها جلوگیری کند. گذشته از شاذگویی یکی از میهمانان تلویزیون که برنامه به افق فلسطین را با لحنی غیرمعقول و حساسیت‌برانگیز کوبید، در روزهای اخیر یکی از مجری‌ها روی آنتن زنده اظهارنظری درباره ثبت‌نام حسن روحانی در انتخابات مجلس خبرگان داشت که شدیدا حاشیه‌ساز شد. او وقتی خبر این نامزدی را اعلام می‌کرد، گفت: «امیدواریم شورای نگهبان به وظیفه‌اش عمل کند...» یعنی وظیفه شورای نگهبان را رد صلاحیت حسن روحانی می‌دانست. با بیان این جملات وضع دوگانه‌ای به وجود می‌آید که از هر سو به ضرر نظام است یا روحانی رد صلاحیت خواهد شد و به نظر خواهد رسید که چنین چیزی تحت تاثیر فشار گروه‌هایی از این دست بوده یا اینکه روحانی تایید می‌شود؛ در حالی که توقعاتی نسبت به رد صلاحیت شدنش در بخشی از بدنه جامعه ایجاد شده و آنها ممکن است فکر کنند شورای نگهبان به وظیفه‌اش عمل نکرده است. در کدام یک از تلویزیون‌های جدی دنیا چنین مواضع سرخود و هزینه‌سازی را می‌شود از مجری‌ها دید. رئیس صداوسیما دقیقا چه‌کاره است و چقدر توان تاثیرگذاری روی سازمانی را دارد که در دوره او و تبدیل به صحنه زورآزمایی گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شده و البته از آنجا که یک طیف تندرو دوپینگ جانانه‌ای هم دارد معمولا برنده زورآزمایی‌ها می‌شود.

وجه مشترک این چند اتفاق که اخیرا در صداوسیما رخ دادند و اخبار آنها مدتی فضای رسانه‌ای کشور را درگیر یا سرگرم کرد این است که منشأ اصلی تمام‌شان انفعال شخص مدیر صداوسیماست. هر کس که پیش از پیمان جبلی در صداوسیما مدیر شد، بخشی از نگاه و ایده‌های فردی‌اش را چه درست و چه غلط، با خودش آورد و به کار بست و منشأ تاثیراتی به سبب همان ایده‌ها شد. نقدها هم عموما متوجه همان ایده‌ها یا روش پیاده شدن‌شان بود اما مشکلی که حتی هنگام نقد صداوسیما در دوره مدیریتی جدید پیش می‌آید این است که به‌طور واضحی با یک ایده طرف نیستیم تا خود آن ایده یا روش پیاده شدنش را نقد کنیم.

اینکه صداوسیما صحنه زورآزمایی گروه‌های مختلف شود و حتی این زورآزمایی هم عادلانه نباشد و یک گروه به خصوص -احتمالا همه می‌دانند کدوم گروه است- با بهره‌مندی از دوپینگ قوی، همیشه بقیه را کنار بزند، جای هیچ نقد مصلحانه و پیشنهاد راهبردی را باقی نمی‌گذارد؛ چون راهکار نیست که کار را جلو می‌برد، زور و توان حنجره‌ها در قیل و قال و هیاهو است که کار را راه می‌اندازد.

کسی از موضع رئیس سازمان چیزی می‌داند؟

برنامه «به افق فلسطین» را می‌توان یکی از برنامه‌هایی دانست که دچار همین مشکلات شد و نهایت به تغییر تیم رسیدند. برای اینکه این جریان را متوجه بشویم، باید به شبی اشاره کنیم که پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما میهمان این برنامه شد و ویدئوهایی از حضور او در پشت صحنه برنامه منتشر شد که نشان از تایید او برای حضور تیم قبلی در برنامه بود. اما هنوز چند روزی از حضور جبلی در این برنامه نگذشته بود که خبر تغییر و حذف تیم محتوایی برنامه فضای رسانه را شوک‌زده کرد و رئیس سازمان صداوسیما که به لبنان سفر کرده بود بعد از بازگشت گفت: «درباره برنامه به افق فلسطین و حواشی‌ای که ایجاد شد، باید بگویم دیشب از بیروت حرکت کردم و امروز صبح رسیدم، دوستان درحال بررسی‌اند که توضیحات بیشتری دهند، اما ما استقبال می‌کنیم از هرگونه خلاقیت، نوآوری و برنامه‌هایی که با هدف تبیین دقیق و روشن به‌روزشده آرمان‌های انقلاب اسلامی و در رأس آنها یکی از مهم‌ترین‌های آن که فلسطین باشد روی آنتن بیاید. مورد همکاری با عناصر، افراد و موسسات فعال در حوزه رسانه هم -از روز اول گفتم و باز هم تکرار می‌کنم- یک شعار نیست، بلکه یک نیاز است. بار فرهنگ در کشور به‌قدری گسترده و سنگین است که صداوسیما با همه افراد و عناصرش به‌تنهایی نمی‌تواند آن را به‌دوش بکشد؛ ما حتما از همکاری موسسات رسانه‌ای، فرهنگی، افراد و عناصر رسانه‌ای فعال استقبال می‌کنیم و آن را هم ان‌شاءالله گسترش خواهیم داد.» این حرف‌های جبلی منتشر شد اما دوباره بعد از آن شبکه افق بیانیه‌ای داد که این حرف‌ها را تایید نمی‌کرد. همه این رفت و برگشت‌ها نشان از این دارد که هیچ نوع هماهنگی بین مدیران میانی و مدیریت سازمان وجود ندارد. از زمانی که جبلی اعلام کرد این موضوع را بررسی می‌کنیم، چند روزی گذشته و حواشی زیادی هم برای تعطیلی این برنامه به وجود آمده اما هنوز از اعلام موضع رئیس سازمان چیزی نمی‌دانیم.

واقعا باج نمی‌دهید؟

روز دوشنبه ۱۶ مرداد، محمدرضا شهبازی، مجری برنامه‌هایی مثل «پاورقی» و «سیدخندان»، نسبت به شائبه بازگشت محمدرضا گلزار و رضا رشیدپور به تلویزیون واکنش نشان داد و در صفحه توییترش نوشت: «ما این‌ور پاورقی می‌سازیم، میگیم سلبریتی باید در خدمت رسانه باشه، هماهنگ با سیاست‌های نظام باشه، باید با سلبریتی‌ای که وسط شلوغی‌ها آب به آسیاب دشمن می‌ریخت برخورد بشه، بعد اون‌ور گلزار و رشیدپور دارن گرم می‌کنن برگردن روی آنتن.» مدتی که گذشت، رضا رشیدپور هم نسبت به اظهارنظر شهبازی بی‌تفاوت نماند و در توییتی خطاب به او نوشت: «سلام عزیزم. می‌دونی که صداوسیما بیش از ۵۰ شبکه تلویزیونی دارد. اصلا فرض کن که من یک روز برگردم شبکه سه. شما هنوز می‌توانی در بیش از ۴۹ شبکه دیگر توییت‌های مردم را بخوانی و خندان باشی. نگران نباش.» ظاهرا حضور رشیدپور در برنامه «سیم آخر» تلویزیون جدی شده بود اما شهبازی با انگیزه‌ای که قابل حدس است اما طرح آن مجال جداگانه‌ای می‌طلبد، سعی کرد جلوی این حضور را بگیرد. او متنی در تلگرام و اینستاگرامش به انضمام یک ویدئوی ۱۴ دقیقه‌ای منتشر کرد که در آن گفته بود: «از اجرای برنامه پاورقی کناره‌گیری کردم. دلایلش رو توی این ویدئو توضیح دادم. خلاصه‌اش اینکه قرار نیست بسیجی فحش‌خور زمان فتنه و جنگ و... باشه و در عافیت، سلاح‌ورزی‌ها و رشیدپورها و آخوندی‌ها، در میدان اقتصاد و فرهنگ و سیاست جولان بدن. قرار نیست هنوز سال شهید عجمیان و علی‌وردی نشده، فعالان و ساکنان و مشوقان فتنه برگردن روی آنتن...» بعد از انتشار این ویدئو حضور رشیدپور در تلویزیون و حتی حضور گلزار که نه‌تنها در ۱۴۰۱، که اساسا هیچ‌گاه موضع‌گیری سیاسی نداشت، در تلویزیون ملغی شد. جالب‌ترین اتفاق در این میان واکنش رئیس صداوسیما به ماجرا بود که چند روز بعد، ۲۴ مردادماه، در شبکه اجتماعی ویراستی (یک شبکه ایرانی کپی‌شده از توییتر) نوشت: «در رسانه ملی مسیر تحولی بازگشت‌پذیر نیست. یک سال اخیر و تحول مشهود در محتوا و رویکرد بهترین دلیل است. در این دوره تحولی، مدیریت باج‌بگیر و باج‌بده به تاریخ می‌پیوندد! جای نگرانی نیست ان‌شاءالله.»

چرا همه سوتی‌ها شبیه هم هستند؟

یک مجری تلویزیون به نام امیرحسین طهماسبی که پیش از این سابقه حمله به داماد حسن روحانی را روی آنتن زنده تلویزیون داشت، در اقدامی جدید به خود حسن روحانی تکه پراکنی کرد و باعث ایجاد حواشی فراوانی شد. او وقتی خبر نام‌نویسی روحانی در انتخابات مجلس خبرگان را می‌خواند، گفت: «امیدواریم شورای نگهبان به وظیفه‌اش عمل کند....» این کلام به‌شدت جناحی بود و با منافع ملی ناسازگار می‌آمد. اینجا دیگر محل درنگ نبود و بلافاصله اعلام شد که این مجری از کارش تعلیق شده است. نکته اصلی ما فرآیندی است که طی آن یک مجری به خودش اجازه چنین اظهارنظری را روی آنتن زنده تلویزیون می‌دهد. آیا اینکه ممکن است از چنین شخصیتی یک روز چنین رفتاری سر بزند غیرقابل‌پیش‌بینی بود؟ با توجه به اینکه او قبلا نسبت به داماد حسن روحانی هم اظهار داشت که بیشتر مناسب فضای کل‌کل‌های توییتری بود تا رسانه رسمی و ملی تلویزیون، می‌شد از قبل چنین لحظه‌ای را حدس زد یا فرد مورد نظر را کنار گذاشت یا جلوی سر زدن چنین رفتاری را از او گرفت. وقتی می‌بینیم تمام سوتی‌های اینچنینی تلویزیون به‌نفع یک جریان سیاسی به‌خصوص است که همان تندروهای اصولگرایی هستند، نسبت به سیستماتیک بودن چنین روندی هوشیار می‌شویم و لزوم دفع و رفع آن بیشتر خود می‌نماید. اتفاقا اصلاح‌طلبان تندرو هم از این وضعیت به‌شدت قطبی‌شده نفع می‌برند و چنین است که این روند همچنان ادامه پیدا می‌کند. اگر رئیس صداوسیما کنترل بیشتری روی مجموعه تحت‌امرش داشت، قطعا با چنین وضعی مواجه نبودیم. پس از این اتفاق اطلاعات مختلفی راجع به سوابق امیرحسین طهماسبی در فعالیت‌های اقتصادی منتشر شد که بررسی صحت یا نادرستی آنها از گنجایش این بحث خارج است اما جالب است که خود صداوسیما از قبل هیچ توجهی به این سوابق نداشته که اگر داشت، بروز مواردی از قبیل آنچه راجع‌به ثبت‌نام روحانی رخ داد، ممکن نبود.

چه کسی از سرنوشت «پایتخت» خبر دارد؟

«با توجه به اینکه محسن تنابنده در اغتشاشات اخیر به‌وضوح جبهه خودش را نسبت به جمهوری اسلامی ایران نشان داد، از رئیس صداوسیما بابت به توافق رسیدن با این شخص برای ساخت سریال پایتخت تعجب می‌کنیم و قاطعانه حذف آن را از رسانه ملی خواستاریم.» این متنی است که در سرویس فارس من، خبرگزاری فارس منتشر شد و با هدف جمع‌آوری امضا برای جلوگیری از ساخت سریال پایتخت طراحی شده بود. ادبیات و استدلالش همانی است که یکی از مجریان تلویزیون در اعتراض به بازگشت چهره‌های مشهور مطرح کرده بود. اینکه سرنوشت تولید و پخش سریال پایتخت در تلویزیون چه خواهد شد هم از آن مواردی است که مدیران تلویزیون نمی‌توانند باجرات اعلام کنند. می‌گویند درحال مذاکره‌ایم و همچنان وضعیت تولید این سریال مشخص نیست. پیمان جبلی بارها شده که در معرض سوالات خبرنگاران درخصوص سرنوشت پایتخت قرار گرفته و هر بار با لطایف‌الحیل از پاسخگویی طفره رفته است. او چند روز پیش که به پشت‌صحنه یکی از سریال‌های تلویزیونی رفته بود به سوال خبرنگاری درمورد پایتخت پاسخ صریحی نداد و گفت: «دوستان ما در سیمافیلم روزانه مشغول مذاکره با کارگردان‌ها و تهیه‌کنندگان متنوعی هستند و درباره تولیدات جدید یا فصل‌های جدید آثار با آنها صحبت می‌شود.» این مدل پاسخگویی نتیجه هر سیاستی باشد نمی‌تواند گزاره‌هایی از قدرت و فعلیت یک مدیر در تصمیم‌گیری را نشان دهد. او پیش از این هم در گفت‌وگویی که با خبرگزاری تسنیم داشت، گفته بود: «از ابتدای مسئولیتم از کارگردانان بزرگ و موفق سینما و تلویزیون دعوت کرده‌ام تا کارهای ارزشمندشان را بسازند.» اما در همان مصاحبه و در پاسخ به سوالی درمورد پایتخت و زیرخاکی گفته بود: «کارگردان و تهیه‌کننده خیلی از کارها به صورت طبیعی با سیمافیلم و عوامل کارهای ما در حوزه‌های مختلف از دفتر فیلمنامه گرفته تا شبکه‌ها صحبت می‌کنند و درباره جزئیات کار مذاکره دارند یا توافق می‌رسند کار انجام می‌شود یا به توافق نرسند مذاکرات ادامه پیدا کند. این روند دائمی در زمان حاضر برای بیشتر مجموعه‌ها جاری است و این اسم‌هایی (پایتخت و زیرخاکی) را که گفتید درحال مذاکره‌اند برای اینکه کار انجام شود.»

نگاهی به بیانیه مشترک هنرمندان و موزه صلح در حمایت از مردم غزه

مرگ بر اسرائیل سلبریتی‌ها در موزه صلح

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

دوشنبه ۲۲ آبان ماه بیانیه‌ای به صورت مشترک از جانب هنرمندان موزه صلح تهران و خانه سینما امضا شد و آنها کشتار غیرنظامیان در نوار غزه را محکوم کردند و درخواست آتش‌بس فوری دارند. این بیانیه از جانب بیش از ۱۲۶ نفر از جانبازان شیمیایی موزه صلح و هنرمندان سینما همچون داوود میرباقری، مجید مجیدی، پرویز پرستویی، رضا کیانیان، لیلا حاتمی، همایون اسعدیان، کمال تبریزی، محسن تنابنده، رامبد جوان، علیرضا داوودنژاد، فرهاد توحیدی، احمدرضا درویش، رسول صدرعاملی، محسن امیر یوسفی، هادی حجازی فر، محمدحسین مهدویان، محسن کیایی، شبنم مقدمی، مجتبا میرتهماسب، سیدرضا میرکریمی، مجید انتظامی، امیر اثباتی، افسانه بایگان، هانیه توسلی و... امضا شد.

در این بیانیه که خطاب به آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد نوشته شده، آمده بود: «ما هنرمندان ایران به همراه جانبازان و مصدومان شیمیایی بازمانده از جنگ عراق و ایران (۱۹۹۸-۱۹۹۰)، با امضای این نامه دردمندانه از شما می‌خواهیم تمام تلاش خود را در جهت جلوگیری از ظلم عریانی که علیه زنان، کودکان و مردم غیرنظامی محاصره‌شده غزه در جریان است، انجام دهید. جناب گوترش، جایگاهی که در اختیار شماست، چه بخواهید و چه نخواهید، وجدان تاریخی بشر امروز را نمایندگی می‌کند و عملکرد آن سند قضاوت آیندگان خواهد بود. به خاطر انسانیت جنگ را متوقف کنید.» البته این اولین واکنش اهالی هنر نسبت به جنایت صهیونیستها نیست و ۲۲ مهرماه هم خانه سینما با انتشار بیانیه‌ای کشتار مردم غزه توسط ارتش اسرائیل را محکوم کرد. در آن بیانیه آمده است: «سال‌ها غصب، بدعهدی و کشتار مردم بی‌دفاع فلسطین، شرایط امروز را رقم زده است. مظلومیت‌های بی‌شمار این مردم و آنچه بر سر فلسطین رفته را نباید به‌واسطه تندبادهای سیاسی امروز کشورمان نادیده بگیریم.» همچنین بنیاد فرهنگی روایت فتح ۲۶ مهرماه در بیانیه‌ای که به امضای بسیاری از هنرمندان رسیده، آورده بود: «سکوت دردناک حاکمان ناشایست جهان و مدعیان کذاب حقوق بشر تازگی ندارد، اما لازم است جبهه جهانی هنرمندان مقاومت، ضد این فجایع و نسل‌کشی غیرقابل انکار صورت بندد و هنرمندان متعهد جهان به عهد انسانی و الهی خود عمل کنند.» از امضاکنندگان این بیانیه می‌توان به احمدرضا درویش، داریوش ارجمند، سیدعباس میرهاشمی، مسعود نجابتی، فرهاد قائمیان، بهروز افخمی، پژمان لشکری‌پور، جواد شمقدری، حبیب‌الله والی‌نژاد، جهانگیر الماسی، رضا برجی، گلعلی بابایی، اصغر بختیاری، حسن قائدی، حسن روح‌الامین، سیدمحمد نادری، احمد کاوری، محمد روح‌الامین، داوود فتحعلی‌بیگی، سیدمحمد میرزمانی، سیدمسعود شجاعی طباطبائی، شهریار بحرانی و... اشاره کرد.

سکوت در مقابل حقیقت آشکار معنایی ندارد

می‌گویند در دوره سلطنت صنایع شهرت به سر می‌بریم و سلبریتی‌ها، عناصر مهم این صنعت هستند. اگر این گزاره را بپذیریم که خودش محل اختلاف نظر بسیاری است، پس باید این را هم قبول کنیم که سلبریتی‌های دنیای هنر و ورزش در بزنگاه‌ها و اتفاقات اجتماعی موثرند و حرف‌ها و کنش‌هایشان می‌تواند منشأ اثر باشد. اتفاقا همین جاست که سوالات زیادی مطرح می‌شود، از جمله اینکه میزان و کیفیت کنشگری یک چهره مشهور چقدر باید باشد و دیگر اینکه چه ملاحظاتی را باید در واکنش‌های اجتماعی‌اش در نظر بگیرد و آیا سلبریتی می‌تواند خارج از فهم و تخصص خودش، وارد حوزه‌های تحلیل سیاسی و اجتماعی شود. پاسخ به این سوالات در جای دیگری از دنیا شاید راحت‌تر باشد، چون صنعت شهرت و زندگی سلبریتی‌ها، متصل به مناسبات اقتصادی و بازاری است که جریان‌های قدرت بر آن حکمرانی می‌کنند. اما در ایران قواعد و زیست سلبریتی مختصات متفاوتی دارد و نمی‌توان چهارچوب مشخص و واحدی برای مدیریت چهره‌های مشهور تعریف کرد. البته این بی‌قاعده بودن و عدم چهارچوب مشخص هم عارضه کم نداشته است. بارها دیده شده که سلبریتی ایرانی بدون اینکه نسبت به اتفاقات سیاسی و اجتماعی پیرامون خود اشراف کامل داشته باشد، اظهارنظرهایی می‌کند که خودش و فهم ابتدایی‌اش را زیر سوال می‌برد. مثل یکی از همین نمونه‌های مضحکی که سال گذشته در بزنگاه بحران پاییز ۱۴۰۱ از جانب یکی از این چهره‌های مشهور سینمایی مطرح شد و گفته بود طبق قانون اساسی اگر تظاهرات ۲۱ روز طول بکشد، ارتش باید به نفع مردم وارد عمل شود یا در جایی دیگری گفته بود که طبق قانون اگر ۳٫۵ درصد از مردم یک کشور تظاهرات کنند، باید رفراندوم انجام شود. حرف بدون منطق و سند که دستگردان فضای مجازی شد و بعید نبود که فردی ساده‌لوح آن را باور کرده باشد. موارد اینچنینی مورد تمسخر و خنده در فضای مجازی می‌شوند اما کم نبوده‌اند اظهارنظرهای نسنجیده‌ای که منجر به وقایع غیرقابل جبرانی شدند. سال ۹۸ به یک طلبه همدانی حمله مرگباری شد و یکی از نزدیکان قاتل مدعی شد آن چیزی که زمینه‌ساز قتل این طلبه شده اظهارنظر توییتری یکی از سلبریتی‌ها بوده است. شاید برخی بگویند حرفی که درمورد کشتن طلبه همدانی زده شده، ادعایی گزاف است اما وقایع پاییز پارسال که پیش رویمان است و نمی‌توان اثرگذاری برخی از این چهره‌های مشهور در آتش بیار بودن این معرکه را نادیده گرفت. در نگاهی کلان، اگر بپذیریم که سلبریتی‌ها به ترفند رسانه و به موهبت کنجکاوی اجتماعی به شهرت رسیده‌اند، پس باید چهارچوب و اصول مشخصی را برایشان تعریف کرد که اظهارنظرهای آنها هم مبتنی بر قواعد و اصول رسانه‌ای باشد. ممکن است فردی درمورد پدیده اجتماعی یا سیاسی به جمع‌بندی درست برسد اما سوال این است که آیا او می‌تواند در اظهارنظر و واکنش‌هایش خارج از مصالح و منافع ملی عمل کند. البته این مساله درمورد هر فرد تریبون‌داری صدق می‌کند و ممکن است امام جمعه یک شهر، استاندار، نماینده یا همین سلبریتی‌ها باشد و نمی‌شود که یک سلبریتی بدون درنظر گرفتن عواقب اظهارنظرش، هرچه دلش خواست در فضای رسانه‌ای پمپاژ کند. نکته‌ای که عموما از جانب چهره‌های مشهور مطرح می‌شود، این است که پس کجا باید قواره شهروندی او را درنظر گرفت؟ البته طرح این سوال که میزان کنشگری یک سلبریتی به عنوان یکی از اجزای جامعه در کدام نقطه و با چه حدودی باید باشد. اینکه برخی منتقدان رفتار سلبریتی‌ها اعتراض می‌کنند که چرا سلبریتی ایرانی در مقابل جنایت‌های صهیونیست علیه غزه سکوت کرده است؟ آیا با آن چیزی که پیش از این درباره عدم دخالت سلبریتی‌ها در کنش‌های اجتماعی می‌گفتند، در تعارض نیست؟ واقعیت این است که برای پاسخ به این سوال باید به وجدان‌های جمعی رجوع کرد. آنقدر جنایات صهیونیست‌ها در غزه آشکار و عریان شده است که هیچ چشم حقیقت‌بینی نمی‌تواند در مقابل آن سکوت کند. حملات وحشیانه‌ای علیه زنان و کودکان باریکه غزه در حال رخ دادن است، بمباران بیمارستان‌ها و مناطق غیرنظامی، حتی با ترفند رسانه‌های جریان اصلی هم قابل کتمان نیست و اجتماعات خودجوش انسانی در سطح جهانی شکل گرفتند. سکوت کردن هر انسانی چه سلبریتی باشد و چه نباشد، خودش معنایی جز کج‌فهمی در تحلیل شرایط پیرامونی ندارد.

پایگاهی برای رساندن پیام جهانی

موزه صلح تهران که یک بال بیانیه سینماگران بود و در جمع‌آوری امضا آنها تلاش کرده، از جمله پایگاه‌های معتبر جهانی است که می‌تواند برای رساندن کنش‌های جمعی ایرانیان به خارج از کشور روی آن حساب کرد. اندیشه تاسیس این موزه در ملاقات اعضای انجمن حمایت از قربانیان سلاح‌های شیمیایی در تهران با مسئول هماهنگی شبکه جهانی موزه‌های صلح در سال ۱۳۸۴ شکل گرفت. از ویژگی‌هایی که باعث می‌شود هنرمندان به پایگاهی مانند موزه صلح اعتماد کنند، چند نکته است این موزه عضو شبکه بین‌المللی موزه‌های صلح است. هر بیانیه و نامه‌ای که از سمت این موزه انتشار پیدا کند، به آن مقصدی که در فضای بین‌الملل برایش درنظر گرفته شده می‌رسد و می‌توان بازتاب آن را رصد کرد. اعضای فعال این موزه به خصوص راهنمایان موزه از قربانیان جنگ و سلاح‌های شیمیایی هستند که به عنوان نمادهای زنده و پیام‌آوران صلح نام‌گذاری می‌شوند و با سایر تشکل‌های مردمی و موزه‌های صلح در سراسر دنیا در ارتباطند و همین ارتباط کمک می‌کند تا بتوانند برنامه‌های مشترک داشته باشند. همه اینها را بگذارید درکنار کوشش برای فرهنگ صلح نه در معنای سیاسی آن، بلکه در معنای اجتماعی و فرهنگی که همین باعث اعتماد هنرمند می‌شود و او را به این می‌رساند که اگر امضایی پای این بیانیه داشته باشد، حتما به آن مقصد می‌رسد و این امضا فقط به یک کنش داخلی منجر نمی‌شود. یک بعد دیگر این امضا را باید به این تعبیر کنیم، وقتی نهادی مثل خانه سینما بیانیه‌ای جداگانه می‌دهد، هنرمند ممکن است این بیانیه را امضا کند اما می‌داند که این امضا غیر از آن کارکردی که برای محتوای بیانیه یا نامه دارد، کارکردهای دیگر هم می‌تواند پیدا کند، برای همین باید مدام در جنگ با خودش باشد که چرا امضا کرده است. وجود نهادی مانند موزه صلح با توجه به کارکردهایی که دارد، می‌تواند این کار را تسهیل کند.

واکنش سینماگران ایرانی در فضای مجازی

با توجه به جنایت‌های ادامه‌دار رژیم صهیونیستی در غزه، بسیاری از هنرمندان هم در فضای مجازی خود این جنایت‌ها را محکوم کردند. مهران غفوریان در حمایت از کودکان غزه نوشت: «جنگ را متوقف کنید.» نیما جاویدی، کارگردان آکتور هم در فضای مجازی نوشت: «غزه به قبرستان هزاران کودک بی‌گناه تبدیل شده.» علیرضا خمسه، بازیگر سینما تئاتر و تلویزیون با انتشار تصویری تلخ از کودک بی‌جان در دستان پدرش به کشتار کودکان فلسطینی واکنش نشان داد و نوشت: «گاهی کلمات درد دارد اما صدا ندارد، کشتن ده‌ها کودک بی‌گناه جنایت فوق‌بشری است.» محسن کیایی، بازیگر سینما هم در واکنش به حملات رژیم صهیونیستی نوشت: «لعنت به جنگ، لعنت به خاورمیانه، لعنت به نفت، لعنت به سیاست.» مجید واشقانی، بازیگر در واکنش به حملات رژیم صهیونیستی با انتشار تصویری تلخ از کودک بی‌جان نوشت: «دیگر باید به انسان بودن تسلیت گفت.» ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر سابق جشنواره فجر با هشتگ طوفان‌الاقصی و عکس‌هایی از بمباران بیمارستان نوشت: «امن‌ترین مکان‌ها در هر جنگی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی است. رژیم صهیونیستی سیرت واقعی خود را به جهانیان نشان داد.»

احسان علیخانی، مجری تلویزیون با انتشار هشتگ stopgagazagenocide به حملات رژیم صهیونیستی واکنش نشان داده و نوشته: «حمله به بیمارستان که تنها پناه بیمار، زخمی، کودکان و زنان است. این یک فاجعه است برای انسان برای انسانیت برای تمدن بشر برای تمام ادعاهای توخالی جهان برای تمام صورت‌های نقاب‌زده با لبخند که فریاد انسانیت و عدالت سر می‌دهند. تنها قربانی سیاست کثیف، مردم بی‌گناهند.» همچنین رضا رشیدپور در صفحه توییتر (اکس) نوشت: «رژیم صهیونیستی غاصب، جنایت‌پیشه و شارلاتان است. قواعد جنگ روانی را خوب می‌داند و از مظلوم‌نمایی به عنوان تاکتیک در یک راهبرد خبیثانه سود می‌برد. و تاسف برای کسانی است که با ژست روشنفکری یا مخالفت با جمهوری اسلامی خونشویی می‌کنند و جرأت بیان حقیقت را ندارند.»

حسن روح‌الامین، نقاش ایرانی با بازنشر تابلوی مرگ گنجشک نسبت به جنایت بیمارستان المعمدانی غزه و حملات رژیم صهیونیستی واکنش نشان داد. محمد بحرانی، صداپیشه و بازیگر نیز با هشتگ مرگ_بر_جنگ در واکنش به حملات رژیم صهیونیستی نوشته است: «یه موقع جنگ هم قوانینی داشت. این جنگ نیست. نسل‌کشی است. بیست و چند سال است که برای بچه‌ها برنامه می‌سازم به امید بهتر شدن جهان برای آدم‌های آینده، اما دیگه ناامیدم.» گرشا رضایی، خواننده پاپ هم با انتشار تصویری تلخ از کودکان آسمانی با بال فرشتگان به کشتار کودکان، با هشتگ نفرین به جنگ به حملات رژیم صهیونیستی واکنش نشان داد. از میان خوانندگان، روزبه بمانی هم با انتشار تصویری از غزه به حملات رژیم صهیونیستی واکنش نشان داده است. وحید امیرخانی، کارگردان و فیلمنامه‌نویس با انتشار تصویری از تکه نان در دستان کودک مجروح نوشته است: «این دست‌های کوچک گره‌های بزرگی را باز خواهند کرد.» شهرزاد کمال‌زاده، بازیگر در واکنش به حملات رژیم صهیونیستی نوشت: «شهید غسل ندارد... لعنت به شما که به بیمارستان هم رحم نکردید...» سجاد پهلوان‌زاده، کارگردان نیز با انتشار عکس کنفرانس خبری وزارت بهداشت فلسطین در میان اجساد شهدای بیمارستان المعمدانی، به این جنایت واکنش نشان داد. زیبا کرمعلی، بازیگر نیز نوشت: «چون خون مردم اسرائیل برای دنیا رنگین‌تر از بچه‌های فلسطینه؟» محمود بابایی، تهیه‌کننده سینما در واکنش به حملات رژیم صهیونیستی نوشت: «کدام روز بیچاره‌تر از این روزگار و کدام جغرافیا غریب‌تر از فلسطین...!» سیدمحمود رضوی، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون نیز با انتشار تصاویری از بیمارستان المعمدانی، از قول سخنگوی امداد و نجات غزه نوشت: «بیمارستان المعمدانی دیگر زخمی ندارد. دیگر هیچ کسی در بیمارستان رنج نمی‌کشد. همه راحت شدند و در آتش سوختند!» محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده سینما هم جمله خبرنگار الجزیره که نوشته بود «به سختی می‌توان یک بدن کامل با تمام اعضایش در بیمارستان پیدا کرد» را به اشتراک گذاشت. حسین سلیمانی، بازیگر هم در متن تندی نوشت: «خدایا رزق و روزی ما را از جایی فراهم کن که لقمه‌هایمان مجبورمان نکند چشم بر حقیقتی ببندیم.» سیدمازیار هاشمی، تهیه‌کننده سینما نوشت: «نمی‌توان نسبت به این کودک‌کشی وحشیانه و کشتار انسان‌های بی‌گناه و بی‌پناه سکوت کرد.»

چارسو

دستمزد نجومی «دی‌کاپریو» در «قاتلان ماه کامل» فاش شد

لئوناردو دی‌کاپریو برای بازی در نقش اصلی فیلم «قاتلان ماه کامل» ساخته جدید اسکورسیزی دستمزد بسیار بالایی دریافت کرده است. به گزارش ایسنا، براساس گزارشی که سایت «PuckNews» منتشر کرده، لئوناردو دی‌کاپریو برای بازی در نقش اصلی شخصیت ارنست برکهارت در فیلم قاتلان ماه کامل جدیدترین ساخته مارتین اسکورسیزی دستمزد ۴۰ میلیون دلاری دریافت کرده است، این در حالی است که هزینه تولید فیلم ۲۰۰ میلیون دلار اعلام شده است. هنوز مشخص نیست که آیا دی‌کاپریو درصدی از فروش فیلم در گیشه یا ارائه آن در سامانه نمایش آنلاین Apple Tv+ را دریافت خواهد کرد یا خیر. این بازیگر برنده اسکار در فیلم جدید قاتلان ماه کامل ۲۵ میلیون دلار دستمزد بیشتری در مقایسه با همکاری پیشین با اسکورسیزی در فیلم «گرگ وال استریت» در سال ۲۰۱۴ گرفته است و قرار است در پروژه بعدی اسکورسیزی با عنوان «شرط‌بندی» نیز ظاهر شود که روایتگر داستان واقعی غرق شدن یک کشتی انگلیسی در اواسط سال قرن هجدهم در شیلی است. فیلم ۲۰۶ دقیقه‌ای قاتلان ماه کامل براساس کتاب پرفروش غیرداستانی نوشته دیوید گرن با همین عنوان و فیلمنامه‌ای از اسکورسیزی و اریک راث ساخته شده است و روایتگر داستان قتل چندین نفر در منطقه نفت‌خیز اوسیج در اوکلاهاما در دهه ۱۹۲۰ است و تاکنون ۱۳۷ میلیون دلار در گیشه جهانی فروخته است. در این فیلم لئوناردو دی‌کاپریو در نقش ارنست برکهات بازی می‌کند که خواهرزاده یک دامدار قدرتمند به نام ویلیام هیل با نقش آفرینی رابرت دنیرو است. لیلی گلداستون نیز در نقش همسر دی‌کاپریو بازی می‌کند. این فیلم اولین بار در هفتادوششمین جشنواره فیلم کن رونمایی شد که در پایان نمایش با تشویق ایستاده ۹ دقیقه‌ای روبه‌رو شد.

شبکه نمایش خانگی سریال صادر می‌کند

علیرضا سرتیپی تهیه‌کننده سینما و مدیرعامل فیلم نت در پاسخ به این سوال که برای برخی از سریال‌های شما مثل «پوست شیر» قرار است صادرات جهانی داشته باشید، گفت: «اتفاقات خوبی همین الان افتاده و کشورهایی همچون روسیه، هند، پاکستان، کشورهای عربی و آمریکا خواهان پوست شیر هستند و فکر می‌کنم برای دیگر سریال‌های نمایش خانگی هم این اتفاقات افتاده و ادامه‌دار خواهد بود. ما می‌توانیم ان‌شاءالله یک بازار خوب را برای صادرات سریال‌هایمان ایجاد کنیم.» سرتیپی همچنین به این نکته اشاره کرد: «کشورهای عربی الان به‌شدت به لحاظ نیروی انسانی و فکر پایین هستند اما پول خوبی دارند. ان‌شاءالله اگر حمایت شویم، باتوجه به فکر، ایده خوب، نیروهای فنی و اجرایی فوق‌العاده‌ای که داریم، فکر می‌کنیم به سرعت بتوانیم جای خودمان را در دنیا و مخصوصا آسیا و خاورمیانه پیدا کنیم.» این نکته علی سرتیپی ما را یاد درآمد نجومی ترکیه و کره جنوبی از سریال‌سازی می‌اندازد که جزء پیشگامان صادرات سریال به جهان محسوب می‌شوند. وقتی سریال «بازی مرکب» کره جنوبی که تولید نتفلیکس بود، پخش شد در هفته اول انتشار به یکی از پربیننده‌ترین مجموعه‌های نتفلیکس در ۹۰ کشور تبدیل شد و ۲۸ روز پس از انتشار با بیش از ۱۱۱ میلیون بیننده، رکورد سریال «بریجرتون» را شکست و به پربیننده‌ترین مجموعه این شبکه تبدیل شد. به گزارش خبرگزاری تسنیم، بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی سریال‌های خانگی هم اکنون در شبکه‌های تلویزیونی و پلتفرم‌های ۱۵ کشور از چهار قاره جهان در حال پخش است، نکته‌ای که بسیاری از کشورها مثل ترکیه، کره جنوبی، برخی کشورهای آمریکای لاتین و... مدت‌هاست از آن بهره‌مند شده و علاوه بر منافع اقتصادی دستاوردهای فرهنگی آن را هم استفاده می‌کنند.

محصولات صداوسیما به بازار رسانه‌ای مسکو رفتند

بازار محتوای جهانی رسانه‌ای مسکو که از تاریخ ۱۷ تا ۱۹ آبان در روسیه برگزار شد، فرصتی برای عرضه آثار صداوسیما فراهم کرد. در این بازار، نشستی با حضور فعالان عرصه صنعت رسانه‌ای روسیه و دیگر کشورهای شرکت‌کننده برگزار شد که در آن محمدعلی غلامرضایی، مدیرکل تامین و رسانه بین‌الملل سیما ضمن معرفی توانمندی‌ها و ظرفیت‌های سازمان صداوسیما، از علاقه‌مندی برای تعامل هرچه بیشتر با بازارهایی همچون بازار روسیه خبر داد. او با بیان اینکه مردم دو کشور شناخت دقیقی از یکدیگر ندارند، تاکید کرد: «رسانه‌ها می‌توانند به ایجاد شناخت عمیق ملت‌های دو کشور از یکدیگر، به‌ویژه در حوزه تاریخی و فرهنگی کمک بسزایی بکنند.» غلامرضایی از امکان تولید مشترک به‌عنوان یکی از ظرفیت‌ها برای همکاری رسانه‌های دو کشور یاد کرد و گفت: «صداوسیما برنامه‌های مختلفی در حوزه‌های سریال، مستند و پویانمایی تولید کرده است که می‌تواند برای مخاطبان روسی نیز جذاب باشد. از این رو حضور در این بازار را فرصت مغتنمی برای ارتباط هرچه بیشتر با فعالان رسانه‌ای روسیه در جهت ایجاد تعامل با هدف کمک به تعمیق شناخت و روابط بین ملت‌های دو کشور تلقی می‌کنیم.» بازار محتوای مسکو دریچه‌ای برای دسترسی به بازار رسانه‌ای روسیه، قفقاز و همه کشورهای روس‌زبان محسوب می‌شود و بنا به اعلام برگزارکنندگان این بازار، بیش از ۱۰۰۰ مسئول ارشد اجرایی حوزه تجارت رسانه‌ای از بیش از ۴۰ کشور در آن حضور یافتند. مسئولان برگزاری این بازار با استقبال از حضور اداره کل تامین و رسانه بین‌الملل سیما در بازار محتوای مسکو از این حضور به «پیشروی همکاری ایران و روسیه به سطحی جدید» یاد کردند.

تیزر «گارفیلد» با صدای «کریس پرت» منتشر شد

تیزر فیلم «گارفیلد»، گربه‌ای که از روز دوشنبه متنفر است، این بار با صدای کریس پرت منتشر شد. انیمشین جدید گارفیلد ۲۴ می ۲۰۲۴ به سینماها می‌آید. در این انیمیشن جدید شخصیت‌های جدید وارد دنیایی می‌شوند که جیم دیویس خالق این کمیک ساخته که ساموئل ال جکسون در نقش ویک، پدر گارفیلد از جمله آنهاست. پیش از این جکسون در «پنجه‌های خشم: افسانه هنک» در نقش گربه صداپیشگی کرده بود و پرت در فیلم «برادران سوپر ماریو» شخصیت ماریو را ایفا کرده بود. در تیزر فیلم گارفیلد، گربه چاق دوست‌داشتنی تعریف می‌کند که چطور صاحبش جان را به فرزندی پذیرفت و در سکانسی دیگر قبل از اینکه در سینی لازانیا شیرجه بزند، به همه هشدار می‌دهد: پیشاپیش عذرخواهی می‌کنم. چیزی که قرار است ببینید ظریف نخواهد بود و اگر بچه خردسال دارید وقت مناسبی است که اتاق را ترک کند. فیلم گارفیلد با صداپیشگی کریس پرت جدیدترین فیلم از این مجموعه است که به پرده سینما راه می‌یابد. بیل موری پیش از این به‌عنوان شخصیت اصلی در «گارفیلد: فیلم» در سال ۲۰۰۴ و دنباله آن «گارفیلد: دم دو بچه گربه» در سال ۲۰۰۶ صداپیشگی کرده بود. فیلم‌های لایو اکشن و ترکیبی جلوه‌های ویژه هم با وجود واکنش منفی منتقدان، موفقیت تجاری کسب کردند. این مجموعه فیلم‌ها همچنین الهام‌بخش فیلم‌های ویدئویی مانند «گارفیلد واقعی می‌شود» و «جشن سرگرم‌کننده گارفیلد» شدند و مجموعه‌های انیمیشن «گارفیلد و دوستان» و «نمایش گارفیلد» هم برمبنای همین شخصیت ساخته شد. این فیلم توسط کلمبیا پیکچرز تهیه شده و توسط «آلکون انترتینمنت» که حقوق سریال و برند کمیک گارفیلد را در اختیار دارد، تامین مالی می‌شود.

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

گزارش کامل «فرهیختگان» از نشست «فقه دموکراسی و مساله ایران»

سرانجام پروژه فیرحی؛ کدام فقه؟ کدام دموکراسی؟

فاطمه بریمانی‌ورندی
خبرنگار

اینکه برخی گمان می‌کنند حکمرانی در برخی موضوعات به چالش رسیده یک بحث است و اینکه حکمرانی با موانع خود چطور مواجه می‌شود و از آن گذر می‌کند ماجرایی دیگر است. فقه همواره به‌عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از اندیشه سیاسی ایران ایفای نقش می‌کند و الگویی را برای حکمرانی ارائه می‌دهد. اما آنچه همه جوامع به‌دنبال آن هستند بی‌شک با مفاهیم مدرن، تجدد و مدرنیته گره خورده است. حال دیگر بی‌توجه به بسترها و ظرفیت‌های موجود، جامعه مدنی به‌دنبال قانون، برابری، دموکراسی و آزادی است. ایران هم از این داستان دور نبوده و در اندیشه سیاسی مستخرج از فقه به‌دنبال قانونگرایی و دموکراسی می‌گردد. اما اینکه آیا فقه این ظرفیت را داشته و می‌توان از فقه متصلب این توقع را داشت بحث و نزاع نظری مفصلی را می‌طلبد. دموکراسی به‌عنوان یکی از مفاهیم دوران جدید که با عقل عقلایی تبیین شده است، چطور می‌تواند با فقه آمیخته با سنت و طریقت رابطه‌ای برقرار کند. از طرفی هم در عصر توسعه دموکراسی، اقتدارگرایی از طریق فقه درحال بازتولید مولفه‌های خود به‌عنوان ایده حکمرانی است. نشستی به مناسبت سومین سالگرد داود فیرحی، متفکر فقیهی که دغدغه اصلی او دموکراسی و دموکراتیزه کردن فقه بود، در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در این جلسه دموکراسی، فقه و فقه دموکراسی به تنازع کشیده شده و هریک از متفکران دانشگاهی از زاویه دید خودشان فیرحی و پروژه‌اش را بررسی کرده‌اند.

فقیه نواندیش

سیدصادق حقیقت
عضو هیات علمی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

در عنوان، مقصود، فقه، دموکراسی و مساله ایران است. شاید فقه دموکراسی خوانده شود که به‌نظر بنده مقصود این نیست. درخصوص این عنوان چهار گفتمان را با هم مقایسه می‌کنم که گفتمان سوم، گفتمانی است که دکتر فیرحی به آن متعلق است. گفتمان اول، رویکرد حداکثری به دین است. برخی معتقدند که می‌توان و باید همه چیز را از دین استخراج کرد. اینکه چه مقدار از دین می‌توانیم چیزهایی استخراج کنیم، براساس این رویکرد یک طیفی وجود دارد. برخی معتقدند مسائل علوم انسانی مانند تربیت را می‌توانیم از دین بگیریم، بنابراین می‌توانیم فقه تربیت و فقه روانشناسی داشته باشیم. در این گفتمان برخی پا را فراتر می‌گذارند و سراغ علوم پایه می‌روند، فقه فیزیک و فقه شیمی را هم معتقدند، پس در گفتمان اول فقه دموکراسی هم معنا پیدا می‌کند. گفتمان دوم رویکرد حداقلی به دین است، یعنی در انتظار از دین، ما چه انتظاری داریم. رویکرد دوم مبدا و معاد را مقصود قرار می‌دهد، یعنی اینکه دین باید تنها خدا و قیامت را به ما اثبات کند ولی بررسی مابین مبدا و معاد به‌ویژه مسائل سیاسی و اجتماعی دیگر وظیفه دین نیست. براساس رویکرد حداقلی که در گفتمان روشنفکری دینی به‌شکلی خاص، مانند عبدالکریم سروش وجود دارد، فقه سیاسی اعتبار ندارد، یعنی چون خدا در اثبات مبدا و معاد آمده، مابین این دو را به عقل ما واگذار کرده است. فقه در اینجا کاره‌ای نیست. روشنفکری دینی به اعتقاد ما با نواندیشی دینی متفاوت است. اگر دکتر سروش را مثال خوبی برای روشنفکری دینی بدانیم، دکتر فیرحی مثال خوبی برای نواندیشی دینی است، پس تفاوتی میان این دو وجود دارد. رویکرد سوم خاصه دکتر فیرحی است. پروژه فیرحی ذیل گفتمان نواندیشی دینی طراحی می‌شود. دو تفاوت مهم از روشنفکران دارد. نواندیشان دینی عمدتا فقه سیاسی را معتبر می‌دانند روشنفکران دینی آن را معتبر نمی‌دانند، مثلا بحث ما الان رابطه میان فقه سیاسی و دموکراسی است، دکتر سروش ارتباطی میان این دو نمی‌داند. دموکراسی را اساسا موضوع عقلی می‌داند ولی پروژه دکتر فیرحی ذیل گفتمان نواندیشی دینی تعریف می‌شود. متاسفانه دکتر سروش دباغ و بسیاری از اشخاص دیگر مانند دکتر ملکیان بین دو گفتمان روشنفکری دینی و نواندیشی دینی تمایزی قائل نشدند. اما توجه داشته باشید که این تمایز چقدر موضوع بحث ما را راحت می‌کند، یعنی گفتمان دوم که روشنفکری دینی است، با ما و این عنوان همراه نیست اما گفتمان سوم یعنی پروژه دکتر فیرحی که ذیل نواندیشی دینی است، این عنوان را معنادار می‌کند و ارتباط فقه و دموکراسی را معتبر می‌داند. براساس پروژه ایشان، ما درون فقه ظرفیت‌هایی داریم که این ظرفیت‌ها درحالت بالقوه باقی مانده و اتفاقاتی که درطول تاریخ رخ داده، ظرفیت‌های اقتدارگرایانه فقه را برجسته کرده و ظرفیت‌های دموکراتیک فقه مغفول مانده است. پروژه فیرحی این است که ظرفیت‌های دموکراتیک فقه را برجسته کند که به‌شکل خاص می‌شود فقه سیاسی. فقه سیاسی معتبر است، بنابراین می‌توانیم این ظرفیت‌ها را به فعلیت برسانیم. ایشان عمدتا از روش‌های فوکویی استفاده کرده‌اند، یعنی دیرینه‌شناسی و تبارشناسی. اگر دیرینه‌شناسی به این سوال پاسخ می‌دهد که یک دانش به‌شکل خاص درطول زمان چطور به‌وجود آمده و تبارشناسی به همین سوال پاسخ می‌دهد و رابطه آن را با قدرت بحث می‌کند، فیرحی می‌خواهد از این روش استفاده کند و توضیح دهد که فقه و فقه سیاسی در چه تاریخی به جود آمده، چه تطوری داشته و چرا ظرفیت‌های دموکراتیک در فقه به فعلیت نرسیده است. او در کتاب «قدرت، دانش، مشروعیت در اسلام» به‌دنبال این است که با استفاده از روش فوکویی پروژه خود را تحقق ببخشد. بدون‌تردید گفتمان دوم یعنی روشنفکری دینی با این سخن مخالف است، چون اساسا فقه سیاسی و ورود فقه به مسائل سیاسی و اجتماعی را معتبر نمی‌داند. در رابطه با موفقیت ایشان در پروژه‌اش باید به چند نکته اشاره داشت؛ اولا، پروژه، پروژه بسیار مهمی است، یعنی پروژه‌ای است که گفتمانی جدید در ایران به‌وجود آورد و تک نفره توانست کار بسیار بزرگی انجام دهد، کتب بسیار زیادی بنویسد، سخنرانی‌های بسیار زیادی داشت و این پروژه را تا حدی پیش‌برد. اما این پروژه چند ابهام دارد؛ اول اینکه آیا استفاده از روش‌شناسی فوکویی در اینجا درست است یا نه؟ مقاله‌ای با دکتر احمد بستانی در نقد کتاب «قدرت، دانش، مشروعیت» نوشتیم، در آنجا این روش‌شناسی را نقد کردیم. به‌طورکلی پروژه فیرحی با خود فیرحی همراه بود. به این معنا که پس از ایشان خصوصا در این سه‌سال ما متفکران زیادی ندیدیم که این پروژه را ادامه دهند. این پروژه به جهات مختلف ناقص ماند، به‌طورمثال استدلال فیرحی این است که ما از دل فقه، یعنی فقه سیاسی می‌توانیم دموکراسی برداشت کنیم، یعنی وجود اقتدارگرایانه فقه را کنار بزنیم و دموکراتیک بفهمیم. اما سوال مهم اینجا این است که شما در کجا اثبات کردید فقه سیاسی دانش معتبری است؟ در هیچ یک از کتاب‌ها و مقالات دکتر فیرحی به این بحث پرداخته نشده است. البته این نقصی بر دکتر فیرحی نیست، چون جزئی از پروژه‌شان بود و اگر کرونا اجازه می‌داد، ایشان در آینده به این بحث می‌پرداخت، بنابراین اصل اعتبار فقه سیاسی مورد بحث در کتب و مقالات‌شان قرار نگرفته است. من به گفتمان چهارم اشاره می‌کنم که با نظریه فیرحی ارتباط دارد و آن نظریه همروی است؛ من خودم آن را دنبال می‌کنم. نظریه همروی هم مانند فیرحی ذیل گفتمان نواندیشی دینی قرار می‌گیرد، پس اشتراک این نظریه با نظریه ایشان این است که هر دو به اعتبار فقه سیاسی قائل هستند. تفاوت در این است که دکتر فیرحی به‌شکل کلی گفت که فقه سیاسی معتبر است و می‌توان دموکراسی را از فقه سیاسی برداشت کرد، من وارد جزئیات بحث شدم و گفتم اولا فقه سیاسی دانش معتبری است اما اعتبار آن بسیار محدود است، بنابراین نباید انتظار داشت دموکراسی را در فقه سیاسی پیدا کند. فقه سیاسی اعتباری دارد که آن همراه با محدودیت است. اما اینکه با دست باز بتوانیم از فقه و فقه سیاسی، دموکراسی برداشت کنیم، براساس نظریه همروی کاری ناشدنی است. مساله دیگری که تفاوت نظریه همروی را با فیرحی مشخص می‌کند وجود دموکراسی در فقه است. دموکراسی مفهومی نوین و مدرن است. فقه سنت است، یعنی ماقبل مدرن است. اگر اولین استارت مدرنیته را در رنسانس و قرن پانزدهم بدانیم، قبل از قرن پانزدهم ما دموکراسی نداشتیم. مفاهیم دموکراسی عمدتا در قرون هفدهم و هجدهم به‌وجود آمده، چیزی که در اسلام قبل این دوران داریم اساسا دموکراسی نیست. ما مفاهیم سنتی داریم، مثلا ارزش رای مردم، بیعت و... پس اساسا صورت مساله پاک می‌شود. دموکراسی در دین وجود ندارد؛ چراکه مفهوم مدرن است.

آیا امکان نسبت‌سنجی شاخص‌های دموکراسی با دین وجود دارد؟ در بررسی این را ظرفیت‌سنجی می‌گوییم دموکراسی یک مفهوم مدرن است، اما شاخص‌هایی دارد. آن شاخص‌ها را با دین نسبت‌سنجی می‌کنیم. مسلما برداشت مثلا سیدمحمد خاتمی نسبت به استاد مصباح دموکراتیک‌تر است یا برداشت امام خمینی(ره) نسبت به برداشت آیت‌الله مصباح دموکراتیک‌تر است. شما این نظریه‌های مختلف در فقه سیاسی را که ببینید، متوجه می‌شوید نسبت‌شان با شاخصه‌های دموکراسی یکسان نیست، پس اینجا راهی باز می‌شود که ما شاخص‌های دموکراسی را با فقه و با دین- یعنی دین به‌صورت عام و فقه به‌صورت خاص- نسبت‌سنجی کنیم. ظرفیت‌سنجی شاخص‌های دموکراسی در دین، یعنی دین چقدر این توان را دارد که شاخص‌ها را برتابد یا برنتابد. من فکر می‌کنم اگر مرحوم فیرحی عمر طولانی داشتند، این نوع مباحثاتی که الان در نظریه همروی وجود دارد و به‌شکلی نقد نظریه ایشان محسوب می‌شود، درطول زمان با یکدیگر همفکری می‌کردیم و به هم نزدیک می‌شدیم، چون این دو پروژه بسیار به هم نزدیک است اما این تفاوت‌ها را هم دارد. تفاوت‌ها به‌معنای تضاد نیست. به‌هرحال اجل فرصت نداد و ایشان فعلا در عالم برزخ با اولیا و انبیا محشور هستند.

فقه باید مسیر زندگی خوب را هموار کند

ابوالفضل دلاوری
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان بحثی که من انتخاب کرده بودم، تقدم دموکراسی در فقه سیاسی بود. من با ماهیت فقه کاری ندارم، فقه می‌تواند در عرصه‌های خصوصی و در میان مومنان هر باور یا هر حکمی بدون اینکه به عرصه‌های عمومی لطمه‌ای وارد کند، ساری و جاری کند. مومن هر دین و مذهبی یا مومنان و پیروان هر مرجع و فقیهی، می‌توانند عرصه‌های زندگی خصوصی یا گروهی خودشان را بدون تعرض به عرصه‌های عمومی هرطوری که می‌خواهند سامان بدهند، بنابراین فقه همچنان می‌تواند جایگاه بسیار مهمی داشته باشد، حتی همان فقه سنتی و متصلب، اما وقتی وارد عرصه زندگی عمومی و اجتماعی می‌شویم، من یک باور دارم و آن اینکه تاریخ، تاریخ توسعه دموکراسی است و نه هیچ چیز دیگر. اما به‌تعبیر بنده که در حوزه جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی تاریخی بیشتر مطالعه کرده‌ام، به تأسی از یکی از بنیانگذاران این حوزه، آلکسی دوتوکویل معتقدم تاریخ اجتماعی چیزی به جز توسعه دموکراسی نیست. دموکراسی را چیزی جز خودآگاهی و تحقق برابری انسان‌ها در عرصه‌های زیست اجتماعی و عمومی نمی‌دانم. با این تعبیر از دموکراسی، ما نباید آن را به شکل‌های خاصی از رژیم‌های سیاسی، حکمرانی‌ها، سازوکارها، مکانیسم‌ها و نهادها محدود کنیم، بلکه دموکراسی بخشی از زیست روزمره مردم در تمام تاریخ بوده، یعنی تلاش برای برابری خودشان با دیگران. امروزه هم می‌بینیم که دموکراسی صرفا در قالب سازوکارهای نهادی و حکمرانی جلوه‌گر نمی‌شود، چون بیش از آن و موثرتر از آن در عرصه تحرکات اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی تعریف می‌شود، معنا پیدا می‌کند، بازتعریف و نهایتا محقق می‌شود. ما اتفاقا جلوه‌ای از این در جامعه خودمان که متاسفانه دست‌کم نهادهای رسمی و سیاسی‌اش هیچ نسبتی با دموکراسی ندارند، می‌بینیم. دموکراسی درحال تحقق است. بیش از گذشته درحال تحقق است، بنابراین دموکراسی اصالت وجود دارد، به نسبت با فقه که طریقیت دارد؛ برای زیست‌های خاص، برای عرصه‌های خاص، برای دوره‌های خاص آن هم با قبض و بست‌های بسیار متعدد و بی‌کرانی که تاکنون داشته و از این به بعد هم می‌تواند داشته باشد، پس اصالت وجودی را من به خود دموکراسی می‌دهم. اینکه می‌گویم تقدم دموکراسی بر فقه، اینجا می‌خواهم دغدغه فقیه و جایگاهش را تبیین کنم. ما نیازی نمی‌بینیم و تا حالا این‌طور نبوده که دموکراسی را از فقه بیرون بکشیم یا اقتدارگرایی موجود را از فقه بیرون کشیده باشیم. من با این هم موافق نیستم که تئوکراسی مستند به فقه اقتدارگرایی ارتدوکس محصول استخراج از فقه است. این یک فرآیند تاریخی در عرصه تحولات سیاسی و یک برهه‌ای از تحولات سیاسی تاریخی ماست. مساله ما، مساله دولت بوده است، نه حکومت دینی؛ حکومت دینی فی‌الواقع صرفا یک استناد است، یعنی دین، متون دینی، فقه، استنادی به‌شکلی از ظهور دولت است که گویا ما گریزی از ظهور و تجربه‌اش نداشتیم. اتفاقا عنوان فقه دموکراسی، معنای خودش را در بحران این تئوکراسی می‌بیند و باز می‌یابد وگرنه اگر ما این را تجربه نکرده بودیم، هیچ موضوعیتی نداشت و حتی این مفهوم فقه دموکراسی در این کشور زاده نمی‌شد. این مسائل را طرح کردم که بگویم تقدم دموکراسی بر فرآیند درحال تحقق تاریخی بر چیزی به نام فقه سیاسی وجود دارد. فقیه سیاسی امروز می‌تواند به مساله دموکراسی صرفا بیندیشد، نه بیش از این، نه جایگاهش را دارد، نه توانایی‌اش را دارد و نه قبلا این کار را انجام داده است که بخواهد الگویی از حکومت را استخراج و محقق کند. ظاهر قضیه شاید حرف من را نقض کند.

بالاخره این نظام را عده‌ای از روحانیون تعریف و تبیین کردند، سازوکارها و نهادهایش را در قانون اساسی تبیین کردند و پرورش دادند. اما خوب می‌دانیم که این مفاهیم در فرآیند یک منازعه سیاسی و نه فقهی فراهم شد. داستان تدوین قانون اساسی، تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و تنظیم متن قانون اساسی را هر کسی با این نگاه مطالعه کند، متوجه می‌شود که مساله در واقع ساخت‌مند شدن و بافت‌مند شدن یک نیروی اجتماعی بود که از پستوهای تاریخی بیرون آمد. قدرت را در عرصه‌های اجتماعی داشت اما حالا در عرصه‌های سیاسی هم بروز پیدا کرده. فاصله میان تایید پیش‌نویس و اصرار بر گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، یک فاصله یک‌ماهه بیش نبود؛ یا تاکید بر اینکه مجلس خبرگان متشکل از فقها باید قانون اساسی را تایید کند یا اینکه همین را به رفراندوم بگذارند نتیجه یک ماهه یا دو سه هفته‌ای بیش نبود. در این فرآیند مجال اندیشیدن و مناقشات فقهی نبود. اصلا فقه اینجا جایگاهی نداشت. ما امروز می‌اندیشیم، به‌عنوان فقیه یا بنده به‌عنوان دانش‌آموخته علم سیاست به اتفاقی که افتاده، رویدادی که رخ داده؛ اینکه بگوییم آیا می‌توان دموکراسی را از فقه در آورد یا فقه این توانایی را دارد یا ندارد اصلا موضوعیتی ندارد و فکر می‌کنم مرحوم فیرحی هم عملا و نه صرفا در گفتار و نوشتار، کسی بود که به دموکراسی به‌عنوان یک فقیه می‌اندیشید. نه اینکه بخواهد دموکراسی را از فقه استخراج کند؛ آن را ارائه و پیرایه کند و به ما بقبولاند. مساله‌اش دموکراسی بود. من یک بار در اولین سالروز ایشان گفتم که فیرحی یک دانشجو و محقق خوب علوم‌سیاسی بود، یک پژوهشگر فقه، پژوهشگر تاریخ اسلام، تاریخ سیاسی معاصر و همه اینها بود اما بیش و پیش از همه اینها، فیرحی یک مصلح بود. به دنبال اصلاح می‌گشت. تمام تلاش‌هایی که می‌کند، برای این است که چگونه بتواند این مقوله و مفهوم را به نوعی بپروراند و توضیح بدهد. خودش در یک جمله‌ای صریح می‌گوید وظیفه فقه این است که طوری جهان امروز ما را توضیح دهد که تنش و تضاد شدیدی میان زیست مومنانه به یک دین با دیگران پیدا نشود و انسان‌ها خوب زندگی کنند. اینجا فقه اصالت و تقدمش را به صراحت از دست می‌دهد. باید پس و پشت نانوشته‌ها و ناگفته‌ها را بررسی کنیم. مقاله‌ای که من تهیه کردم، دو سال و نیم آخر عمر فیرحی را بررسی می‌کند. اصلا به سراغ کتاب‌های اولیه نرفته‌ام. آنها را در واقع مقدمات و تمهیداتی برای جوهره اصلی مساله‌اش، یعنی دموکراسی در نظر گرفته‌ام. امروز می‌خواهم بگویم فیرحی یک دموکرات بود. مصلح هم بود، اما دموکرات هم بود. در دهه ۷۰ می‌خواهد این فقه متصلب‌شده ارتدوکس را شالوده‌شکنی کند. در نیمه اول دهه ۸۰ معتقد است که این فقه اقتدارگرا است و با دموکراسی ناسازگار است. در نیمه دوم دهه ۸۰ در آثارش می‌گردد ببیند برای این سازه‌ها و نهادهای دموکراتیکی که امروز ما لاجرم نیاز داریم، می‌توان توجیهات فقهی هم پیدا کرد؟ اصالت با اینها است. تحزب، فرآیند توسعه سیاسی و از این قبیل بحث‌ها اصالت دارد. در دهه ۹۰ به سمت مساله حقوق می‌رود. حق را مبنای تفسیرش از فقه قرار می‌دهد. فقه حق، نه فقه تکلیف. انسان‌ها حق دارند.

حقی مساوی در عرصه زیست عمومی‌شان دارند. ارجاع و استناد مکرر او به لاک و دلبستگی و شیفتگی‌اش به او از همین جا می‌آید. انسان‌ها در آفرینش برابرند و بنابراین دارای حقوقی برابر هستند. در حیات، مالکیت، حق حاکمیت بر سرنوشت، حق اعتراض و مبارزه با آنهایی که این حق را محدود می‌کنند یا سلب می‌کنند برابر هستند. فیرحی اصالت را به حق می‌دهد. با استنادش به آن جمله که هیچ چیزی به جز دین نمی‌تواند از یک دموکراسی پشتیبانی کند. فقه جنبه ابزاری و طریقیت دارد. می‌توانیم از آن استفاده کنیم. برای آنکه اهلش است. عرصه تکامل خودآگاهی اجتماعی و همین‌طور صورتبندی‌های زندگی اجتماعی را همه می‌شناسیم، با آن درگیریم و می‌دانیم که گویا به تعبیری راهی جز پذیرش دموکراسی نیست. نه اینکه دموکراسی جایی بیرون از ما باشد. در جریان است. عده‌ای برای آن مانع ایجاد می‌کنند، عده‌ای آن را به رسمیت نمی‌شناسند. عده‌ای اختلال ایجاد می‌کنند. مردم در طول تاریخ یادگرفته‌اند برابری‌هایشان را بشناسند و تحقق ببخشند. از جمله در عرصه عمومی و سیاسی. حالا اینکه در جایی یک ترتیب نهادی خاص ایجاد شده و جایی هنوز این اتفاق نیفتاده، یک بحث فرعی است. فیرحی به صراحت می‌گوید انسان به ماهو انسان آنچنان خداگونه، آزاد و مختار آفریده شده است که هیچ حکومتی مشروعیت ندارد؛ مگر دلایل خاصی برای مشروعیتش ارائه دهد. دو نوع مشروعیت را برای توجیه هر شکلی از حکومت مطرح می‌کند؛ یک مشروعیت فاعلی؛ اینکه چه کسی حکومت کند. دو، چگونه حکومت کند. این را مردم که صاحب عله هستند تعیین می‌کنند. حق حاکمیت متعلق به آنها است. ایشان شاید از مفهوم قوه موسس صحبت نکرده و وارد بحث‌های خیلی انضمامی حقوق نشده است ولی به نوعی مردم را قوه موسس می‌داند؛ هم حق تاسیس دارند، هم نظارت و هم تغییر. این را بارها به‌ویژه در شقشقیه‌های آخر عمرش و سخنرانی‌های عاشورایی مطرح کرده است. با استناد به داستان امام حسین این را شرح می‌دهد؛ یا اینکه قرارداد شکل حکومت را مردم تعیین می‌کنند. صحبت از منشور مدینه نیست، مساله قرارداد مدینه است. قرارداد هم از نوع جان لاکی است و نه هابزی. یک بار برای همیشه اقتدار را تقدیم حکومت نمی‌کنیم. عمودی است. افقی همه لایه‌ها باید با همدیگر قرارشان را تنظیم کنند. مبایعه است. مبایعه‌ای که اسقاط‌کافه خیارات معنی ندارد. همه خیارات موجود است. از جمله خیار کشف فساد. تفسیرش از عاشورا همین کشف فساد است. این فقه، فقه دموکراسی است. نه به این معنا که دموکراسی را از فقه استخراج کند. دموکراتی است که چون با فقه هم درگیر است، می‌خواهد بیندیشد بلکه راهی پیدا کند دیگران هم این‌طور به فقه نگاه کنند. آنهایی که می‌توانند با راه‌های دیگری مانعی ایجاد کنند برای این فرآیند. فیرحی راهش همچنان باز است و ما نیاز داریم به اینکه با این نگاه تقدم دموکراسی بر فقه، تقدم بر علم، حقیقت، فلسفه و هر چیزی که شما تصور کنید، داشته باشیم. ما وظیفه‌مان این است که فقه را طوری بخوانیم، شرح دهیم و بفهمیم که زندگی روزمره تاریخ‌مند مردم دچار تضاد و تنش نشود. خوب زندگی کنند.

امید دموکراتیزه شدن اسلام‌سیاسی در ایران از دست رفته است

سیدمحمدعلی حسینی زاده
عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

فکر می‌کنم داود فیرحی سه دوره اندیشه‌ای و فکری دارد. این سه دوره را باید در سایه تحولات اسلام سیاسی در ایران بررسی، و از این زاویه به آن نگاه کرد. دکتر فیرحی خیلی با مسائل روز مرتبط بود. محصول دوره اول چند کتاب تاریخی است؛ «تاریخ، دانش، مشروعیت و قدرت در اسلام»، «تاریخ تحول دولت در اسلام» و «نظام سیاسی در اسلام»؛ در این کتاب‌ها پژوهشگر تازه کاری را می‌بینیم که نیاز جامعه را در نظر می‌گیرد. بحث اندیشه اسلام تازه داغ شده بود، دکتر طباطبایی تازه این بحث را مطرح کرده بودند. بست این بحث آن زمان خیلی لازم به نظر می‌رسید. زمان دولت اصلاحات هم هست، اصلاحات نیازمند یک دوره تئوریک است. انتظار می‌رفت که این نگاه دکتر فیرحی بتواند به دولت اصلاحات یا تفکر اصلاح‌طلبی کمک کند. آن زمان هم مورد استقبال قرار گرفت. به‌خصوص به این دلیل که سرفصل‌هایی در علوم سیاسی داشتیم که این کتب را اقتضا می‌کردند، این کتب به‌عنوان کتب درسی خوانده می‌شد. دوره دوم، دوره فقه دموکراتیک است. در اینجا با متفکری روبه‌رو هستیم که عمیق‌تر فکر می‌کند و یک برنامه پژوهشی دارد. این دوره باز به تحولی باز می‌گردد که در آن زمان رخ می‌دهد. بحث ظهور پوپولیسم در ایران و حاشیه رفتن سویه‌های دموکراتیک اسلام سیاسی و اینکه به هرحال مساله دموکراسی در ایران و رابطه‌اش با دین به یک چالش و معضل تبدیل شده بود و به هرحال باید این مساله حل می‌شد. آن زمان گفت‌وگوهایی میان طرفداران دموکراسی اسلامی و مخالفان آنها شکل گرفته بود و این آثار در آن راستا تدوین شدند که اسامی آن را خودتان بهتر می‌دانید. پاسخی به تقاضای زمان بود.

بحثی که آن زمان بخشی از طرفداران اسلام سیاسی یا اسلام‌گرایان به آن احتیاج داشتند. به هر حال برجسته کردن سویه‌های دموکراتیک فقه و مذهب کاری بود که آن زمان می‌توانست خیلی به اعتبار و مشروعیت این گروه کمک کند. آن زمان مورد استقبال هم قرار گرفت. بخشی از حاکمیت که تصور می‌کردند این کتاب‌ها و این تفکر در چهارچوب اسلام سیاسی را حفظ می‌کند و هم سویه دموکراتیک مدرن به این گروه می‌دهد. در مرحله بعد که باز به تحولات دولت و اسلام سیاسی در ایران مربوط می‌شود بحث‌های عمیق‌تری را مطرح می‌کند، در دوره دوم دکتر فیرحی یک نومشروطه‌خواه حوزوی است. سعی می‌کند فقه مشروطه را احیا کند. خیلی ساده تقریبا می‌توان گفت در برخی آثارشان مساله دموکراسی در ایران را بررسی می‌کند. یا اصلا بحث فقه و دموکراسی را به نظر خیلی ساده برگزار می‌کند. شما مثلا «فقه و حکمرانی حزبی» را ببینید، استدلال‌ها و اصلا نوع کتاب خیلی ساده‌انگارانه نوشته شده است. خیلی عمیق نیست، یعنی انگار نیازی وجود دارد که می‌خواهد آن را پاسخ بدهد. به هرحال درباره حزب در این حوزه ادبیاتی وجود ندارد و باید تولید شود. بازگشتی است به نایینی. شما با فقیه نواندیش سروکار ندارید. از فقهایی صحبت می‌شود که به‌نوعی می‌توانند مقدمه‌ای برای تفکر دموکراتیک در ایران باشند؛ آخوند خراسانی و نایینی. در دوره آخر دوره‌ای است که خیلی دیده نمی‌شود؛ چراکه فیرحی را بیشتر به دوره دوم و به‌عنوان فقیه دموکرات می‌شناسند. به‌عنوان کسی که می‌خواست یک قرائت دموکراتیک از فقه ارائه بدهد می‌شناسند. در دوره بعد، محور و بحث، قانون است. در دو کتاب آخر به‌خصوص کتاب آخر ایشان که ناتمام منتشر شد ما با یک متفکری روبه‌رو هستیم که خیلی عمیق‌تر فکر می‌کند اما برای معضلات و چالش‌ها پاسخی ندارد. چالش‌ها را مهم‌تر از چیزی که قبلا دیده، می‌بیند اما نمی‌تواند مانند دفعات قبل خیلی ساده به آنها پاسخ دهد. شما مثلا در «فقه و سیاست» می‌بینید که خیلی ساده قرائت دموکراتیک برجسته می‌شود اما در کتاب قانون می‌بینید که دکتر نمی‌تواند یک راه‌حل ارائه دهد. در واقع نه تفکر دکتر اجازه می‌دهد و نه شاید فرصت هست که بتواند این معضل بزرگ مذهب و دموکراسی در ایران را پاسخ دهد. در این کتاب شما بحث‌هایی می‌بینید که خیلی شبیه مباحث دکتر طباطبایی هستند. در اصل و در موضوعات اساسی مانند حاکمیت ملی، دولت مدرن و قانون این دو اندیشمند به هم نزدیک می‌شوند. مباحث به همدیگر نزدیک است. اما مبنا و محوریت بحث تفاوت دارد و طبیعتا مسیر بحث هم فرق می‌کند. به نظرم پروژه فیرحی در این کتاب به‌نوعی به دکتر طباطبایی نزدیک می‌شود. در این کتاب آخر نشانه‌هایی از تحولی عمیق از دکتر فیرحی می‌توان دید که به‌خاطر ناتمام ماندن آن خیلی دیده نشد. در اینجا فیرحی از فقه فراتر می‌رود و دیگر سخن از دموکراتیک کردن فقه نیست. از بازسازی اساسی مذهب سخن می‌گوید. می‌گوید علما باید تصمیم بگیرند یا با دموکراسی بستیزند یا یک بازخوانی دموکراتیک از دین داشته باشند. به اسلام سیاسی در این کتاب به‌شدت انتقاد وارد می‌کند و به نظر من از اسلام سیاسی عبور می‌کند. می‌گوید اسلام سیاسی از دو گفتمان مارکسیسم و اسلام‌گرایی عربی و پاکستانی الهام گرفته و اینها حاکمیت ملی را قیچی کردند. بنابراین اینجا دیگر فیرحی قبلی نیست که در چهارچوب اسلام سیاسی فکر می‌کرد و می‌خواست اسلام سیاسی را کمک کند تا دموکراتیک یا دموکراتیک‌تر شود. این کتاب در واقع نشان می‌دهد که دیگر نه به اسلام سیاسی و نه به فقه امیدی نیست. آخر کتاب می‌گوید که جامعه ایران یا باید به بازسازی عمیق در مذهب تن دهد یا نیهیلیسم آن را فرا خواهد گرفت. خود ایشان هم در این کتاب جایی نیست بتواند از این چالش و معضلی که مطرح می‌کند عبور یا آن را حل کند. در واقع کتاب بیشتر طرح مساله است. به‌نوعی نشان از ناکامی یا ناامیدی نسبت به تلاش‌های گذشته دارد. آنچه در دهه نود به‌عنوان افق در نظر گرفته بود با بحران‌هایی که در اواخر عمرش پیش آمد و مسائلی که اتفاق افتاد ایشان با یک مسیر جدیدی روبه‌رو شد و سعی کرد تغییری در اندیشه‌اش داشته باشد. اینجا شما دیگر تجویز نمی‌بینید بیشتر طرح بحران و طرح مساله متفکری ناامید و خسته را می‌بینیم. آخرین جمله‌ای که از ایشان در خاطرم است این بود که «فلانی من خسته‌ام». این جمله آخری بود که من از ایشان شنیدم. در این کتاب می‌توان این را دید. متفکری که تمام تلاشش را کرد تا اصلاحی در این مملکت صورت بگیرد، دموکراسی با دین عجین شود و بتوان قرائت دموکراتیک از دین ارائه داد و فکر می‌کرد این مهم‌ترین مساله ایران معاصر است. شما احساس می‌کنید که این پروژه و خود متفکر خسته و ناامید شده است. از همراهی کسانی که امید همراهی با آنان را داشت ناامید شده است. اگر دلایل شکست پروژه دکتر را از من بخواهید من معتقدم فارغ از اینکه چقدر استدلال درباره سازگاری دین

ادامه در صفحه ۱۵

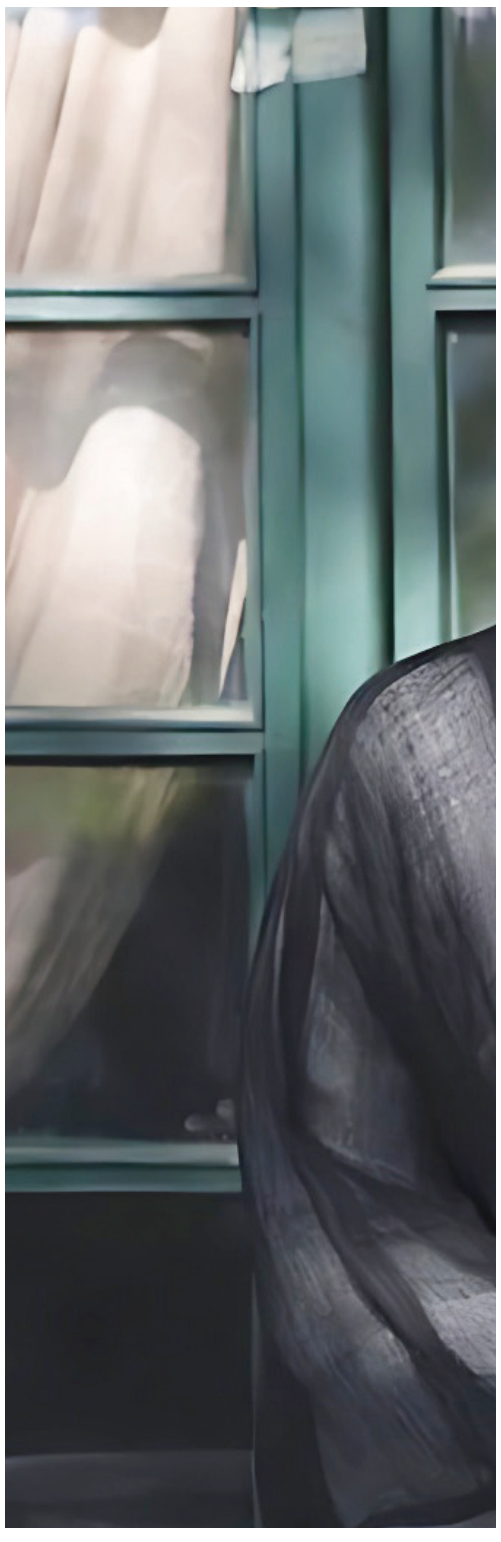

و دموکراسی وجود داشته باشد، بحث این است که چقدر اعتبار و اقتدار پشت این گفتمان است. فیرحی یک مرجع تقلید نبود، یک تحصیل‌کرده عادی حوزوی بود و در حوزه اعتبار لازم را برای این پروژه نداشت. این پروژه کسی مانند آخوند خراسانی، نایینی و امثالهم را می‌خواست تا بتواند از فقه که قرن‌ها دانش اقتدارگرایانه شده بود قرائت دموکراتیک ارائه دهد. فیرحی روحانی تحصیل‌کرده دانشگاهی بود. در حوزه اعتبار لازم را نداشت. نهاد رسمی، مرجعیت و افرادی که به این اندیشه‌ها اعتبار می‌دهند خیلی با این مباحث میانه‌ای ندارند. به نظرم مسیر اندیشه فیرحی را باید با مسیر اسلام سیاسی در ایران و فراز و فرودهایش سنجید. آخرین تلاش فیرحی نشان از این دارد که امید دموکراتیزه شدن اسلام سیاسی در ایران از دست رفته است.

فقیه بازنده

محمدرضا مرادی‌طادی
پژوهشگر مرکز مطالعات کشورهای وارث تمدن ایرانی

من عنوان جلسه را فقه دموکراسی می‌خوانم و دلیلش هم این است که اولا خود استاد بحث فقه تحزب را داشت پس این اجازه را می‌دهد که این را فقه دموکراسی بخوانیم. دوم هم اینکه وقتی این را فقه دموکراسی بخوانیم این فضا باز می‌شود که نقد رادیکال‌تری از آن داشته باشیم. من اسم این را مواجهه گذاشتم. اینکه ما ایرانی هستیم و باید با کلان مساله‌مان که تجدد است روبه‌رو شویم و از منظر فکری تنها کاری که می‌توانیم انجام دهیم تامل در منطق این مواجهه است. یکی از کسانی که به‌عنوان شاخص‌ترین فرد این مواجهه را پیش برد استاد طباطبایی بود که در سه پروژه زوال، تداوم و جدال قدیم و جدید سعی کرد این را صورت‌بندی کند. پروژه زوال تابعی از منطق یونانی بود، پروژه تداوم یک نظریه ایدئولوژی بود که منطق ایرانی دنبال می‌کرد و پروژه جدال را می‌توان تابعی از منطق اشمیتی دانست، یعنی همان سکولار شدن مفاهیم الهیاتی در بستر دولت و حاکمیت. فیرحی به‌عنوان شاخص‌ترین شاگرد طباطبایی که هوشمندانه آن را دنبال می‌کرد در اولین کتاب خودش که پروژه «دانش، مشروعیت» بود بخش تاریخ‌نگاری اندیشه، تسویه حسابی با استاد خودش کرد و نشان داد که او جریان سوم که سیاست نامه‌نگاری باشد را قبول ندارد و تابعی از نظر فارابی، در احصاء العلوم یا به فلسفه سیاسی قائل بود یا فقه. بنا به دلایل شخصی قسمت فلسفه را هم دنبال نکرد و انتهای کتاب «دانش، قدرت، مشروعیت»، با فقیهی روبه‌رو هستیم که شاید هم از منظر منزلت و شأن که روحانی بود یا از منظر یک سری از مبانی‌های تئوریک تصمیم گرفته بود راهی که انتخاب می‌کند کار فقه باشد. اما از پروژه تاریخ‌نگاری اندیشه‌اش که تاثیری هم بر پروژه فکری‌اش دارد بعد معاصریت باقی می‌ماند. در بعد معاصریت آن چیزی که از طباطبایی برای فیرحی بسیار گویا و گیرا بود همان بخش جدال قدیم و جدید بود که ذیل آن منطق اشمیتی می‌خواست گذار را توضیح دهد؛ گذاری که سکولاریزاسیون فقه بود، یعنی تبدیل فقه به حقوق و اینکه به هرحال پلی به قدیم و جدید ما بزند و این معضل را حل‌وفصل کند. در اینجا و در این قسمت فیرحی چهار کتاب نوشت که سعی کرد این پروژه را توضیح دهد. جلد یک «فقه و سیاست» که فقه مشروطه بود. جلد دو، «فقه حکومتداری» بود که در پایان آن جلد هم به بن‌بست‌های اندیشه خودش رسید؛ چراکه نشان داد فقه از تمام وجوه دموکراتیک خودش به‌خاطر به قدرت رسیدنش تخلیه شده و از وجوه اقتدارگرایانه‌اش لبریز شده است. در شرحی که بر تمهید نوشت سعی کرد تفسیر خودش را از فقه مشروطه ارائه دهد. درنهایت در قرائتی بسیار اگزجره و تقلیدشده‌ای در کتاب «فقه و حکمرانی حزبی» سعی کرد صورت‌بندی دقیقی از چیزی که نسبت این دوتا بود را به خواننده ارائه کند. البته این کتاب به صورت معناداری کم‌خوانده‌شده‌ترین کتاب ایشان است و شاید بتوان گفت در این قسمت هم نشان می‌دهد این نظریات می‌توانستند خلأها و گپ‌هایی داشته باشند. اما در کلیت قضیه این پروژه می‌خواست ذهنیت اداره یا تخیل سیاسی را توضیح بدهد که این ذهنیت اداره قرار بود دو وجه را تنظیم کند. یکی اتصال میان قدیم و جدید ما و این‌گذاری که قرار است رخ دهد. دوم قرائتی دموکراتیک، یعنی دموکراتیزه کردن فقه و یا فقهی کردن دموکراسی. اما وقتی شما در مورد فقه دموکراسی یا فقه و دموکراسی صحبت می‌کنید، علی‌القاعده در کانون این دموکراسی باید سوژه‌ای وجود داشته باشد که آزاد است و آزادی را تجربه کرده است. شما به صورت ناگفته، تلویحا یا در ناخودآگاه خودتان بخشی از آزادی را مدنظر داشته باشید، این شما را وصل می‌کند به وجوهی از لیبرالیسم. یعنی نمی‌توانید نسبت به لیبرالیسم هم بی‌توجه باشید؛ چراکه در کانون خودش مفهوم آزادی را دارد. اما آن چیزی که فیرحی از آزادی دنبال می‌کرد و در تمایز حق و حکم سعی می‌کرد آن را توضیح دهد، خوانش‌ها و تفاسیری از لیبرالیسم بود که من اسمش را اقتصاد پایه می‌گذارم. در رابطه با سوژه‌ای برای نظام سیاسی که ثروت تولید می‌کرده و نظم شهر که قرار بوده از این ثروت حفاظت کند. متناظر این را وقتی فیرحی در بحث‌های فقه دنبال می‌کند، توضیح می‌دهد که کسی که این نوع حق را مطرح کرد، شیخ انصاری بود که در معاملات خودش در بخش خیارات، خیار را به‌عنوان یک حق مطرح کرد و در مفهوم حق بخشی گشوده شد که در فقه ما که فقه خصوصی است، مفاهیمی ایجاد شود که حقوق عمومی ما را توضیح دهد؛ چراکه فقه ما در قسمت حقوق عمومی بسیار تنک‌مایه است، هرچند در قسمت حقوق خصوصی بسیار فربه است. اگرچه فیرحی می‌کوشید اینها را توضیح دهد اما در جاهایی بن‌بست اندیشه‌اش مشخص بود. همان‌طور که گفتم، در پایان جلد دوم «فقه و سیاست» مشخص بود این نسبتی که برقرار می‌کند، اصل قضیه را توضیح نمی‌دهد. این نسبت علی‌الاصول در خود فقه نیست. اینجا جایی است که به نظر من گره‌هایی در نظریه فیرحی بود. فیرحی اندکی شتابزده عمل کرد. جدال‌های الهیاتی در غرب بوده که زمان ادغام خدایان با یکدیگر و واحد شدن خدا، مدینه تاسیس می‌شود. یعنی شکل‌گیری امر سیاسی متوقف بر یک انقلاب توحیدی است. وقتی این انقلاب توحیدی رقم نخورد، نمی‌توان از حیوان زحمتکش به حیوان سیاسی گذار داشت. حیوان سیاسی ارسطویی پیشاپیش گذار الهیاتی را طی کرده است؛ چراکه او توضیح می‌دهد اگر یک قدم بالاتر بروی، خدایی. اگر یک قدم پایین‌تر بیایی، دد و دام هستی. اینجا هست که لولا شدن سیاست به آن سوژه رخ داده و بر مبنای آن حق و حقوق هم می‌توان نظم مدینه را توضیح دهد. هیچ‌کدام از اینها در فقه نیست و باید پیشتر از آن توضیحی می‌دادند که فیرحی نمی‌توانست این را توضیح دهد. خودش هم متوجه این تنگنا می‌شود. شاهد مثال اینکه در انتهای کتاب مفهوم قانون می‌گوید معمای کل جهان اسلام این است که نسبت شریعت و قانون اساسی را توضیح دهیم و این نسبت اسلام و دولت مدرن است. یعنی اینکه شما بتوانید لحظه تاسیس را شرح و تئوریزه کنید و بعد به موارد دیگر بپردازید. به نظر می‌رسد در دنباله این معمای جهان اسلام است، دو دسته پاسخ وجود دارد؛ کسانی که به دنبال نظریه امتناع بودند و می‌گفتند جمع این دوتا ممتنع است. دوم نظریه اجتماع و کسانی که قائلند می‌توان این دو را جمع کنیم. ایشان در ادامه به‌طور حیرت‌انگیزی می‌نویسند جمع کردن این دو مسلتزم اصلاح عمیق اندیشه دینی است که علی‌القاعده اصلاح اندیشه دینی چیزی فراتر از فقه است. به نظر می‌رسد اینجا مرحوم فیرحی به شکست پروژه‌اش اقرار می‌کند. امروز در کنار فیلسوف بازنده که از شکست پروژه‌اش می‌گوید، باید از فقیه بازنده هم گفت که نتوانست پروژه‌اش را به سرانجام برساند.

فقه مرجعیتش را از دست داده است

سیدعلی میرموسوی
عضو هیات علمی دانشگاه مفید قم

پروژه دکتر فیرحی یک دغدغه خیلی مهم داشت و آن بحث دموکراسی و توسعه ایران بود. این دوست نازنین و عزیز ما همیشه نگران آینده ایران بود. در این پروژه فکری که وجه فقهی آن برجسته‌تر بود، بحث خوانش دموکراتیک از فقه خیلی اهمیت داشت. ایشان به دنبال این بود که یک خوانش دموکراتیکی از فقه ارائه دهد. به دو دلیل. یکی اینکه ایشان تصور می‌کرد فقه برترین دانش در بین دانش‌های عملی در تمدن اسلامی و در تاریخ اندیشه اسلامی است و آن نقشی که حکمت عملی در یونان ارائه می‌کرده را فقه در ایران ایفا می‌کند. بنابراین مشکل دموکراسی در جوامع اسلامی را به دلیل این می‌دانست که یک صورتبندی فقهی از دموکراسی ارائه نداد. او معتقد بود اگر ما دموکراسی را با فقه همراه نکنیم، درحقیقت به نوعی خشت بر دریا زدن است. به آن سرمنزل مقصود نمی‌رسیم. دوم دلیل اهمیت ایشان به این بحث این بود که ایشان احساس می‌کرد اقتدارگرایی در جوامع اسلامی از راه فقه خودش را بازتولید می‌کند. به همین دلیل بر روشنفکران خرده می‌گرفت که چرا فقه را دست‌کم گرفتند و به ظرفیت‌های فقه توجه نکردند. بر این اساس ایشان در رابطه فقه و دموکراسی یک اصالت به فقه می‌داد. معتقد بود که در راستای دموکراسی‌سازی ایران، ما هم به فقه نیاز داریم و هم از فقه می‌توانیم انتظار اینکه در این مسیر به ما کمک کند را داشته باشیم. او سه کار مهم در این راستا انجام داد. اول اینکه با یک نگاه فوکویی تاریخ دانش و اندیشه سیاسی اسلامی را بررسی کرد و گفت اگر دانش و اندیشه سیاسی خصلت اقتدارگرایانه پیدا کرده است، به این دلیل است که بازتابی از ساختار و روابط قدرت اقتدارگرایانه است. بنابراین در گام اول ایشان اصالت را به ساختار و روابط قدرت می‌دهد. در گام دوم ایشان نگاهی به تاریخ تحول فقه داشتند، در راستای برجسته کردن خوانش دموکراتیک. به‌ویژه در دوره معاصر که دوره مشروطه و جمهوری اسلامی است. ایشان سعی کرد با تاکید بر دیدگاه نایینی در عصر مشروطه نشان دهد که یک خوانش دموکراتیک از فقه امکان‌پذیر است و باید این را برجسته و احیا کنیم. یک نوع نایینی‌گرایی در کارشان بود، در این راستا هم کار کردند. کار سوم ایشان این بود که خودش وارد بحث شد و سعی کرد با نگاه فقهی برخی از مفاهیم و نمادهای دموکراسی را توجیه کند. مثلا کتاب «فقه و حکمرانی حزبی» در این راستا بود. من در این فرصت محدود اگر بخواهم یک ارزیابی از کار استاد فقیه داشته باشیم، به نظرم می‌رسد باید ببینیم آیا اساسا در پروژه دموکراسی ایران ما نیازی به فقه داریم یا نه؟ چه انتظاری از آن می‌توانیم داشته باشیم؟ برای پاسخ به این پرسش باید یک نگاه اجمالی به دو مفهوم دموکراسی در فقه داشته باشیم. در بحث دموکراسی برداشت‌ها و تعاریف خیلی متنوع است. اما من خودم تصور می‌کنم که دموکراسی یک رویه و مجموعه قواعدی برای تصمیم‌گیری جمعی و فعالیت و اداره جمع است. بنابراین هرجایی که بحث تصمیم جمعی باشد و یک فعالیت جمعی، امکان بحث دموکراسی مطرح می‌شود. بنابراین دموکراسی در اصل یک مقوله اجتماعی است که یکی از حوزه‌های مهم آن، حوزه سیاست است. به قول پوپر دموکراسی یک روش است برای ایجاد و پرورش نهادهایی که از حکومت جابرانه جلوگیری می‌کنند. بیتام در بحثی که دارد، دو اصل مهم برای دموکراسی بیان می‌کند. یکی برابری سیاسی و دیگری نظارت همگانی. یک سری نهادهایی که این نهادها را به سه دسته تقسیم کرده است. دسته اولش آن چیزی که مربوط به حقوق شهروندی می‌شود، دسته دوم آن نهادهایی که دولت را نماینده و پاسخگو می‌کند و دسته سوم نهادهایی که انجمن‌ها و جامعه مدنی را حمایت می‌کند. درمجموع می‌توان پنج نهاد مهم برای دموکراسی ذکر کرد. یکی انتخابات رقابتی و آزاد بین احزاب سیاسی، دوم مجلس نمایندگان که بازنمایی همه افکار اقشار باشد، سوم قوه قضاییه مستقل، چهارم رسانه‌ها و مطبوعات آزاد و مستقل و درنهایت نهادهایی که میان مردم و حکومت کار نظارتی را انجام دهد. این نهادهای دموکراسی است. فقه به تعبیر فارابی، صناعتی است که این صناعت احکام عملی زندگی مسلمانان را می‌گوید. این فقه یک دانش یا صناعت مصرف‌کننده است. یعنی از یافته‌ها و داده‌های دیگر علوم و دانش‌ها بهره می‌برد. نصوص دینی را هم بررسی می‌کند، بعد یک سری احکام را استفاده می‌کند. به لحاظ معرفتی خودش تولید محتوا نمی‌کند، از داده‌های دیگر بهره می‌برد. به لحاظ جامعه‌شناختی استقلال ندارد. در هر شرایط و مناسبات اجتماعی فقه رنگ‌وبوی همان شرایط را می‌گیرد. به قول مرحوم استاد مطهری، فقه شهری، بوی شهر می‌دهد. فقه روستایی هم بوی روستا می‌دهد. ما باید ببینیم که دموکراسی چه نسبتی با این فقه پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد که فقه لایه‌ای انکارناپذیر از سنت است که دچار نوعی تصلب هم شده است. به تعبیر استاد طباطبایی مشحون از احکام و فتوایی است که با دموکراسی سازگار نیست. این قابل انکار نیست.

نکته بعدی اینکه برای استقرار دموکراسی ما به بازنگری در احکام و فتاوایی که با دموکراسی ناسازگار است، برابری سیاسی را از بین می‌برد و نفی می‌کند، نیاز داریم. ولی این نیاز به‌طور عملی اگر جنبش دموکراسی‌خواهی و نهادهای دموکراتیک در یک جامعه تقویت شود، خودش به طریق طبیعی آنها را هم در پی می‌آورد. نمونه‌اش خود مشروطه است. شما می‌بینید آثاری که در فقه مشروطه نوشته شد، در آن سه سال میان بسته شدن و باز شدن مجدد مجلس بود. فقها دیدند شرایط زمانه شرایطی است که نیازمند این تفسیر است. بنابراین به‌طور طبیعی اگر ساختار قدرت به سمت دموکراتیک شدن رفت، این تحولات را هم در پی خواهد داشت. می‌توان گفت بازتابی از دگرگونی اجتماعی و تحولی که در پرتو گرایش به عقل عقلایی بود، در مشروطه اتفاق افتاد. همچنان در جمهوری اسلامی هم همین اتفاق افتاد. در جمهوری اسلامی هم ما می‌بینیم که روند دموکراتیک بخشی از آرمان‌های انقلاب ما، در حاشیه قرار گرفت و روند اقتدارگرایانه تقویت شد. اتفاق دیگر این بود که ایدئولوژی، فقه را مصادره کرد. دو اینکه مبانی اندیشه‌ای و معرفتی دموکراسی جنبه فقهی ندارد و از این نظر نمی‌توان به فقه برای توجیه این مبانی فکر کنیم. نهادهای دموکراسی هم جنبه عقلایی دارد. درحقیقت اصالت دادن به فقه در بحث دموکراسی با یک نوع فرهنگ‌گرایی همراه است. فرهنگ‌گرایی می‌خواهد بگوید ما دگرگونی‌های اجتماعی را باید از مسیر فرهنگ و تحول فرهنگی پیش ببریم. این خودش محل بحث است. فقه به مثابه یک لایه انکارناپذیر سنت که با نوعی تاخر تاریخی و فقر همراهی با زمان روبه‌رو است، نتوانسته با تحولات اجتماعی هم‌پا شود و به آسانی به‌عنوان یک ابزاری در خدمت ایدئولوژی قرار گرفت. ولی اگر ما در عرصه‌های دیگر بتوانیم پروژه دموکراسی‌خواهی را پیش ببریم، فقه هم به‌طور طبیعی از این پیروی خواهد کرد.

فیرحی نشان ناتوانی‌های ما حقوقدانان است

فردین مرادخانی
عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان

نخستین نکته اهمیت حقوق در تمدن اسلامی و مدرنیته در این تمدن است. حقوق نگاه خاصی در این تمدن دارد و کاملا برعکس تمدن مسیحی است. لئواشتراوس در تمدن مسیحی می‌گوید در مسیحیت، دین در دادگاه فلسفه از خودش دفاع کرد، ما در دنیای اسلام، فلسفه در دادگاه دین از خودش دفاع کرد. فلذا فلسفه مساله اصلی تمدن اسلامی نشد؛ چراکه دین مسیحی روی ایمان ایستاده بود و الهیات در آنجا جایگاه خاصی داشت، در تجدد فلسفه خیلی مهم شد. در دین اسلام چون فقه جایگاه کلیدی دارد، هر گونه تجددی در تمدن اسلامی از مسیر فقه می‌گذرد و باید با فقه تعیین‌تکلیف شود. فلذا بیشتر متفکران جهان اسلام اگرچه در آغاز از راه‌های دیگری عبور می‌کنند، نهایتا به فقه می‌رسند. در این دانش‌های علوم انسانی جدید، دانشی که بیشترین نزدیکی را با فقه دارد، حقوق است. دکتر فیرحی از این حیث حائز اهمیت است که متوجه شده بود حقوق مهم است و اگر قرار باشد سخنی بگوییم و حرف جدیدی داشته باشیم، باید به حقوق برگردیم. جالب است که آخرین کتاب طباطبایی درباره حقوق بود. آخرین کاری هم که دکتر داوری اردکانی به‌عنوان وصیتنامه خودش نوشته است، بازهم به مسائل حقوقی برمی‌گردد. یعنی یک جایی همه به این دیوار حقوق برمی‌خورند و می‌بینند که باید نسبت به آن تعیین‌تکلیف کنند. اگر بخواهیم آثار فیرحی را تقسیم‌بندی کنیم، من به چهار دوره تقسیم می‌کنم. دوره اول «قدرت، دانش، مشروعیت» است که بیشتر می‌خواهد بگوید فقه با نظام سلطانی آمیخته شده است. در دوره دوم که پنج جلد کتاب مانند تاریخ تحول دولت در اسلام، دین و دولت و... این پنج جلدی که در این دوره نوشت، گسلی است که خیلی کارش را تعیین‌تکلیف نکرده است. اما در دوره سوم، فیرحی متوجه حقوق می‌شود. در «فقه و سیاست در ایران معاصر»، شرحی که بر «تنبیه» نوشت و «قانون» کلا به مساله حقوق پرداخت. در دوره چهارم که تازه شروع شده بود بازگشتی به اوایل اسلام بوده، دیگر چیزی مکتوب نکرد و ناتمام ماند.

من خودم کارهای فیرحی در حوزه حقوق را به دو دسته تقسیم می‌کنم. یکی در کتاب «فقه و سیاست»، «فقه و حکمرانی» و شرحی که بر «تنبیه» نوشته است. در اینجا که مهم‌ترین کتابش هم همان «فقه و سیاست در دوران معاصر» است، می‌خواهد همان کاری را کند که در «دانش و مشروعیت» از آمیختگی فقه و نظام سلطانی گفته بود. می‌خواست بگوید این فقه مربوط به جهان قدیمی بود. برای جهان جدید هم باید یک فقه و مولفه‌هایی تعریف کنیم. اینجا از فقه مشروطه سخن می‌گوید که ما باید یک فقه مشروطه در برابر فقه نظام سلطانی ایجاد کنیم. در دوره دومش روی آخوند خراسانی و نائینی خیلی می‌ایستد. قسمت دوم کارهای فیرحی می‌آید روی کتاب مفهوم قانون. در دوره اول که می‌خواست فقهی را برای جهان جدید تالیف کند، چند ویژگی داشت، اول ایستادن بر متون اصلی فقه. دوم اینکه همراه یک سری از مفاهیم بنیادی در فقه رفت و سعی کرد اینها را مجدد تعریف کند. مانند اصل اباحه، اصل عدم، حق و حکم. سوم استعاره‌ها؛ فیرحی از استعاره استفاده می‌کند، اما من خیلی با این کلمه موافق نیستم. موافقم که بست مفاهیم حقوق خصوصی در حقوق عمومی است.

بیشتر مفاهیم عصر جدید که درباره سیاست می‌گفتند، مفاهیمی هستند که در حقوق خصوصی است. مانند همین ولایت فقیه، ذیل بحث متاجر بحث می‌شود. اینها را می‌خواهند وارد به حوزه حقوق عمومی کنند. کار دشواری است و کاری است که در اروپا قبلا انجام شده و فیرحی سعی می‌کرد در این حوزه زورآزمایی کند. چهارم تامل درباره برخی از مفاهیم جدید. اینکه آیا این مفاهیم جدید ریشه در دوران قدیم دارد یا نه. فیرحی به سراغ برخی از مفاهیم مانند آزادی، نمایندگی، برابری، قانون، پارلمان و شورا رفت. وقتی کمی جلوتر رفت، دید مفهوم قانون مساله مهم‌تری است. اساسا در جهان اسلام هیچ تجددی رخ نخواهد داد مگر اینکه از مسیر حقوق بگذرد. فیرحی هم متوجه این مساله شده بود. او به صراحت این را می‌گوید؛ در جایی می‌گوید شریعت و قانون بزرگ‌ترین معمای جهان اسلام هستند. در جایی دیگر می‌گوید حل مشکلات نظریه دولت در اسلام نیازمند حل مساله شریعت و قانون است. در جایی هم می‌گوید بحران دولت و بحران مدرنیته در جهان اسلام حل نمی‌شود مگر اینکه نسبت قانون و شریعت حل شود. جای دیگری طباطبایی می‌گوید نخستین نظریه‌پرداز دوران جدید جهان اسلام کسی خواهد بود که نظریه‌ای در نسبت بین فقه و شریعت در یک طرف و حقوق و قانون از طرف دیگر ایجاد می‌کند. فیرحی رفت سراغ این مفاهیم شش‌گانه‌ای که گفتم فهمید قانون از همه مهم‌تر است. کار دوجلدی درباره قانون نوشت که سعی کند این مفهوم را از دوره مشروطه بحث کند. کسانی که درباره تاریخ مفهوم قانون و نظریه قانون کارهایی را خواندند، دیدند که خیلی بحث پیچیده‌ای است. انسان در دوره جدید فقط قانون را کشف نمی‌کند، قانون را وضع می‌کند و این برمی‌گردد به یک سری مبانی فلسفی که فیرحی به هیچ کدام از این مباحث نمی‌اندیشد و تنها به سراغ یکی از مباحث قانون می‌رود. فقط بحث شریعت و قانون است. در کتاب دو جلدی‌اش سعی می‌کند این مفاهیم و جدالش را حل کند. کار خیلی کار ضعیفی است. کتاب ربطی به قانون و شریعت ندارد. این کتاب کاری است در حد تاریخ روشنفکری و به دنبال همان نزاع‌هایی می‌رود که همیشه در ایران وجود داشته و بیشتر به سراغ مفاهیمی می‌رود که در روشنفکری ایران وجود داشته است. اینجا به نظرم این کارها علی‌رغم فهم هدف، نتوانست کاری در خور کارهای دیگرش مانند «فقه و سیاست» ارائه دهد. شاید بخشی از کار به ما حقوقدانان برگردد که تامل جدی نکرده‌ایم و مباحث‌مان نازل است. فیرحی هم طبیعتا داشت از این میراث فشل بهره می‌برد. باید بنایی از جانب حقوقدانان برای او فراهم می‌شد که این خلأ محسوس بود. به نظر من این دیگر کل توان ماست و باید این را بپذیریم. ما از لحاظ فکری در یک حالت بسیار ضعیف قرار داریم. در حوزه حقوق چیزی بیشتر از این نداریم و فیرحی نشان ناتوانی‌های ماست.

ادامه از صفحه ۱۴

موانع سخت مجوزهای ساخت و ترجیح احتکار زمین به جای خانه‌سازی، نفس مسکن پایتخت را گرفته است

سقوط ساخت‌وساز مسکن تهران در ۲۰ سال

مهدی عبداللهی
دبیر گروه اقتصاد

آخرین نتایج گزارش هزینه-درآمد مرکز آمار ایران نشان می‌دهد سهم مسکن از کل هزینه‌های خانوار شهری در کل کشور به ۳۸ درصد و در استان تهران به ۵۱ درصد رسیده است. با این وضعیت به احتمال زیاد سهم مسکن در سبد هزینه‌های خانوارهای پایتخت باید به حول‌وحوش ۶۰ درصد هم رسیده باشد. پژوهشگران معتقدند اگر سهم مسکن از هزینه‌های سبد خانوار به بالاتر از ۳۰ درصد برسد، خانوار دچار فقر مسکن شده؛ یعنی خانوار برای تامین اجاره مسکن باید قید خیلی از هزینه‌های بهداشتی، فرهنگی، تفریحی و هزینه‌های بهداشت و سلامت را بزند. آمارها نشان می‌دهد گرچه در سال‌های اخیر تورم عمومی متهم اول رشد قیمت مسکن در استان و شهر تهران بوده اما بازار مسکن تهران یک متهم خطرناک دیگر نیز دارد. آمارها حکایت از آن دارد طی سال‌های اخیر ساخت‌وساز و عرضه مسکن در تهران به طور قابل‌توجهی روند کاهشی داشته است.

فرار سازندگان از تهران

بررسی آمارهای ساخت‌وساز در استان تهران نکات قابل‌تاملی دارد؛ یکی از آنها، کاهش قابل‌توجه سهم استان تهران از کل ساخت‌وساز مناطق شهری کشور است. طبق محاسبات «فرهیختگان» از داده‌های مرکز آمار ایران، سهم استان تهران از کل ساخت‌وساز کشور (تعداد واحدهای مسکونی درج‌شده در پروانه‌های ساختمانی احداث) از حدود ۳۲ تا ۳۸ درصد بین سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ۲۷ درصد تا سال ۱۳۹۷ رسیده و این مقدار طی سه‌سال اخیر به ۱۷ درصد کاهش یافته است. در نگاه اول با توجه به اینکه سهم استان تهران از کل جمعیت کشور حدود ۱۷/۵ درصد بوده، کاهش سهم استان از کل ساخت‌وساز مناطق شهری کشور امر معقول به‌نظر می‌رسد اما باید توجه داشته باشیم که اولا تهران با ورود اتباع خارجی روبه‌رو بوده که این موضوع تقاضای مسکن را در اقمار به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده و ثانیا به‌واسطه قرار گرفتن دفاتر مرکزی شرکت‌های بزرگ کشور در تهران و همچنین حجم بالای تقاضاهای سرمایه‌ای و نیز حجم بالای خانه‌های خالی در تهران، کاهش سهم تهران از ساخت‌وساز به ۱۷ درصد نشان از قفل‌شدگی ساخت‌وساز در استان و شهر تهران داشته و این موضوع نقش مخربی بر بازار مسکن و اجاره گذاشته است؛ چراکه حجم پایین عرضه پاسخگوی تقاضاها در استان تهران و پایتخت نیست. فشارهای ناشی از کاهش ساخت‌وساز در استان تهران به‌حدی بوده که سهم مسکن از کل هزینه‌های سبد معیشت خانوارهای استان در سال ۱۴۰۱ به ۵۱ درصد رسیده است. کاهش سهم استان و شهر تهران از ساخت‌وساز کل کشور درظاهر امر بسیار مهم و مثبتی است؛ چراکه اگر این اتفاق با خروج جمعیت از تهران به‌سمت استان‌های دیگر و افزایش سهم استان‌ها از اشتغال و تولید همراه شود، کمک بزرگی به تمرکززدایی و توسعه متوازن در کشور کرده، اما داده‌های اقتصادی و شاخص‌های کلان توسعه در کشور اتفاق مثبت در تمرکززدایی را آن هم در دوره کوتاه‌مدت چندسال اخیر را چندان تایید نمی‌کند و کاهش ساخت‌وساز در تهران از این منظر که همراه با جمعیت‌پذیری در این سال‌ها اتفاق افتاده، اتفاقا امر منفی و عامل فشار به بازار مسکن بوده است. به‌ویژه اینکه طی سال‌های اخیر حتی اگر مهاجرت داخلی هم به استان تهران زیاد نشده باشد، حداقل در موضوع ورود اتباع خارجی، تهران و اقمار آن با رشد قابل‌توجه جمعیت مواجه بوده‌اند.

سقوط سنگین سهم پایتخت از ساخت‌وساز

درکنار داده‌های ساخت‌وساز استان تهران، وضعیت شهر تهران بسیار قابل‌تامل است. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۱ سهم شهر تهران از کل ساخت‌وساز در مناطق شهری کشور (تعداد واحدهای درج شده در پروانه ساختمانی احداث) حدود ۳۸ درصد بوده است. این مقدار در سال‌های بعد بین ۲۰ تا ۲۷ درصد در نوسان بوده و تا ۱۳۹۷ به ۲۰ درصد می‌رسد. در چهارسال اخیر سهم پایتخت از کل ساخت‌وساز به ۱۰ درصد رسیده و به‌نظر می‌رسد بخشی از این کاهش شدید سهم شهر تهران را باید در صدور مجوزهای نهضت ملی مسکن (دولت رئیسی) و اقدام ملی مسکن (دولت روحانی) جست‌وجو کرد. اما موضوع فقط به اینجا ختم نمی‌شود، به‌طوری‌که نگاهی به سهم بخش خصوصی از ساخت‌وساز شهر تهران نیز نشان می‌دهد سهم پایتخت از کل ساخت‌وسازهای بخش خصوصی در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۸۱ حدود ۱۲٫۶ درصد بوده که این میزان در اغلب سال‌های دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ حدود ۷ تا ۹ درصد در نوسان بوده اما در سال ۱۴۰۰ این مقدار به کمتر از ۴ درصد رسیده است. به‌نظر می‌رسد علاوه‌بر محدودیت‌های ساخت‌وساز (ازجمله بروکراسی پیچیده صدور پروانه و محدودیت‌های توسعه شهری)، بازگشت دیرهنگام سرمایه در شرایط تورمی و ارجحیت احتکار زمین به‌جای ساخت‌وساز نیز نقش پررنگی در کاهش سهم پایتخت از ساخت‌وساز مناطق شهری کشور داشته است.

پرتاب تهرانی‌ها به اقمار

بررسی داده‌های ساخت‌وساز در استان تهران به تفکیک شهرهای کوچک و بزرگ نیز حاوی نکات قابل تاملی است. براساس این داده‌ها، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ وضعیت ساخت‌وساز شهرهای استان تهران بسیار جالب توجه بوده است، به‌طوری‌که طی این مدت ساخت‌وساز در استان تهران (تعداد واحدهای درج‌شده در پروانه ساخت) کاهش ۷۰ درصد و در شهر تهران کاهش ۷۷ درصدی داشته است. این آمارها نشان می‌دهد طی این مدت بیشترین کاهش ساخت‌وساز مربوط به شهر کیلان و رودهن با ۸۹ درصد، آبسرد با ۸۴، قرچک با ۸۳، دماوند با ۸۱، فشم با ۸۰، پیشوا با ۷۵، اندیشه با ۶۸، باقرشهر با ۶۶، حسن‌آباد فشافویه با ۵۶ و ملارد با ۵۵ درصد بوده است. اما طی این مدت (سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱) ساخت‌وساز در پرند رشد ۹۸۹ درصد داشته، در شمشک ۸۶۲ درصد، در جوادآباد ۴۷۵ درصد و در احمدآباد مستوفی و بومهن بین ۱۳۱ تا ۱۴۵ درصد بوده است. با توجه به اینکه در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ اوج ساخت‌وسازهای مسکن مهر بوده، طبیعی است کاهش ساخت‌وساز در مقطع ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ قابل‌توجه باشد، برای درک بهتر از آنچه در ساخت‌وساز استان تهران رخ داده در این گزارش یکبار دیگر وضعیت سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ مقایسه شده است. آمارها قابل تامل است، طی این مدت درحالی ساخت‌وساز استان تهران ۱۴ درصد و پایتخت ۳۳ درصد کاهش یافته که این میزان در شهرهای آبسرد، کیلان، قدس و دماوند و فشم بین ۴۵ تا ۷۲ درصد بوده است. آبعلی، گلستان، ارجمند و لواسان نیز ازجمله شهرهای استان هستند که در این مقطع ساخت‌وساز آنها به‌شدت کاهش یافته است. به نظر می‌رسد در شهرهای لوکس احتکار زمین به ساخت‌وساز می‌چربد. دلیل دیگر شاید هدف‌گذاری نهضت ملی مسکن باشد که بر شهرهای با زمین‌های ارزان‌تر متمرکز شده است. طی این مدت (سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱) ساخت‌وساز در شمشک رشد ۱۴۴۰ درصد، پردیس ۱۳۳۹ درصدی و بومهن ۸۳۸ درصدی داشته و اما بیشترین رشدها در ادامه مربوط به شهرهای اقماری جنوب تهران از پرند و کهریزک گرفته تا رباط‌کریم و پاکدشت و پیشوا ادامه دارد و در سمت غرب تهران نیز ساخت‌وسازها در شهرهای و اندیشه و صفادشت و باغستان و... متمرکز شده است.

زمین؛ متهم ردیف اول

برخی کارشناسان و انبوه‌سازان می‌گویند یکی از دلایل کاهش ساخت‌وساز در تهران، بازگشت سرمایه طولانی‌مدت انبوه‌سازی است. این موضوع به‌دلیل بروکراسی پیچیده و چندلایه، هزینه‌بر است که شهرداری‌های کشور و سایر ذی‌نفعان صدور پروانه ساختمانی رقم زده‌اند. طبق آمارهای داخلی، زمان صدور پروانه در کشورمان به‌طور میانگین حدود هفت‌ماه (۲۱۰ روز) و حداکثر ۱۰ ماه تا ۱۲ ماه طول می‌کشد. این درحالی است که در کره‌جنوبی زمان صدور پروانه ساختمانی تنها ۲۸ روز (چهار هفته)، در سنگاپور ۳۶ روز، در امارات ۴۸ روز، در مالزی ۵۳ روز، در مراکش ۵۸ روز، در فرانسه ۶۲ روز، در گرجستان و آمریکا ۶۳ روز، در دانمارک ۶۴، در فنلاند ۶۵ و در اردن ۶۶ روز است. عامل دومی که در کاهش تمایل به ساخت مسکن در شهر تهران موثر بوده، محدودیت‌های طرح جامع و تفصیلی‌ای است که در کاهش ساخت‌وساز موثر بوده. اما به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و فعالان حوزه ساخت مسکن، یکی از مهم‌ترین عواملی که در کاهش ساخت‌وساز شهر تهران، شهرهای لوکس اطراف تهران و در اغلب شهرهای استان تهران نقش داشته، موضوع قیمت بالای زمین است. آن‌طور که در ادامه می‌آید زمین در شهر تهران طی ۳۰ سال اخیر بالاترین بازدهی را در بین همه دارایی‌ها داشته است، به‌طوری‌که درحالی رشد قیمت زمین در شهر تهران طی سال‌های ۱۳۷۲ تا سال ۱۴۰۰، بیش از ۱۱۰۰ برابر شده که در این مدت میانگین رشد قیمت زمین در ۲۰ شهر منتخب ۳۰۰ برابر، رشد قیمت سکه نیز ۷۲۷ برابر و رشد قیمت دلار در بازار آزاد ۱۴۳ برابر بوده است. این بازدهی بالا باعث شده بسیاری از دارندگان زمین در تهران و حتی سازندگان بزرگ و ملاکان نیز به جای ساخت‌وساز، زمین احتکار کرده و تمایلی به ساخت نداشته باشند. اما موضوع دیگری که به‌واسطه جهش‌های شدید قیمتی زمین باعث شده تمایل به ساخت در انبوه‌سازان، ملاکان و حتی اشخاص عادی کمتر شود، سهم بالای قیمت مسکن در ساخت است. آمارها نشان می‌دهد سهم زمین در هزینه تمام‌شده مسکن شهرهای کوچک ۴۵ تا ۵۰ درصد و این میزان در کلانشهرها ۶۵ تا ۷۰ درصد است. این وضعیت باعث شده سود ناشی از احکتار زمین به ساخت‌وساز بچربد.

اینکه دلیل افزایش شدید قیمت زمین در شهر تهران و شهرهای کشور چیست، موضوعی مفصلی است که در این گزارش نمی‌گنجد، اما به‌طور خلاصه می‌توان گفت محدودیت‌های توسعه شهری و عدم‌افزایش محدوده کالبدی شهرها در کنار تصرف ذخایر زمین‌شهری توسط نهادهای دولتی و حاکمیتی و سهولت ورود تقاضای سرمایه‌ای به بازار زمین و حکمفرما بودن سوداگری و همچنین زمین‌خواری، باعث شده سهم زمین در قیمت نهایی مسکن بالا رفته و همین عامل در کنار تورم عمومی به‌عنوان یکی از عوامل افزایش قیمت مسکن در شهرهای ایران است. رشد شدید و قیمت بالای زمین در ایران موجب کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساخت‌وساز مسکن، عدم‌توجیه‌اقتصادی سرمایه‌گذاری مولد در تولید و انحراف رفتار بنگاه‌های تولیدی به سوداگری در زمین، افزایش رانت اقتصادی و شکاف طبقاتی، بروز تورم پلکانی، رشد قارچ‌گونه سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای و ایجاد بافت‌های ناهمگون شهری شده است.

رشد کلنگی‌ها در غیاب نوسازها

در سال‌های اخیر اتفاقی قابل تامل در بازار مسکن ایران رخ داده است. این اتفاق رشد شدید سهم املاک کلنگی از معاملات مسکن است. طبق آنچه در نمودار آمده، در سال ۱۳۹۴ که بازار مسکن کشور وارد بحران جدید رشد شدید قیمت‌ها و رکود ساخت‌وساز نشده بود، سهم املاک کلنگی (بالای ۲۰ سال ساخت) از کل معاملات مسکن حدود هشت تا ۹ درصد بود. در آن سال‌ها هرچند چندین نوع تسهیلات برای خرید مسکن و تحریک بخش تقاضا درحال اجرا بود، اما سهم املاک کلنگی هشت تا ۹ درصد و سهم املاک نوساز (زیر پنج سال ساخت) ۵۰ تا ۵۶ درصد بود. اما اتفاقی که در سه سال اخیر رخ داده این است که سهم املاک کلنگی از کل معاملات با رشد عجیبی حالا به ۲۲ درصد در مهرماه ۱۴۰۲ رسیده و برعکس آن سهم املاک نوساز که زمانی بیش از ۵۰ درصد بود حالا به ۲۷ درصد طی مهرماه امسال رسیده است.

افزایش سهم کلنگی‌ها در نگاه اول شاید نشان از اتفاق خوبی باشد. تصور اولیه این است که خریداران املاک کلنگی، سازندگان املاک و بساز و بفروش‌ها هستند که برای تامین زمین پروژه‌های ساخت‌وساز خود و تجمیع املاک در بافت‌های فرسوده اقدام به خرید این املاک کرده‌اند. اما همزمانی رکود شدید ساخت‌وساز و خروج تقاضاهای مصرفی از بازار مسکن با این اتفاق، حکایت از این دارد که این املاک عمدتا به قصد سرمایه‌گذاری (احتکار زمین) خریداری می‌شوند. اما مشکل به همینجا ختم نمی‌شود. براساس عرف قدیمی، قیمت مسکن در شهرها اغلب براساس شاخص املاک نوساز تعیین می‌شد و مالکان سایر گروه‌های سنی مسکن، قیمت فروش واحدهای خود را براساس درصدی پایین‌تر (معمولا بین ۲۰ تا ۲۵ درصد پایین‌تر) از قیمت آپارتمان‌های نوساز در همان محله تعیین می‌کردند، اما حالا با افزایش سهم املاک کلنگی، سهم این املاک در تعیین قیمت بازار مسکن افزایش یافته است. توجه داشته باشیم املاک کلنگی عمدتا به نرخ زمین قیمت‌گذاری می‌شوند که قیمت آن (زمین) بالاتر بوده و این موضوع در افزایش قیمت‌های بازار مسکن نیز اثرگذار است.

پی‌نوشت

جدول کامل داده‌های تغییرات ساخت‌وساز شهرهای استان تهران در وب‌سایت «فرهیختگان» قابل دسترس است.

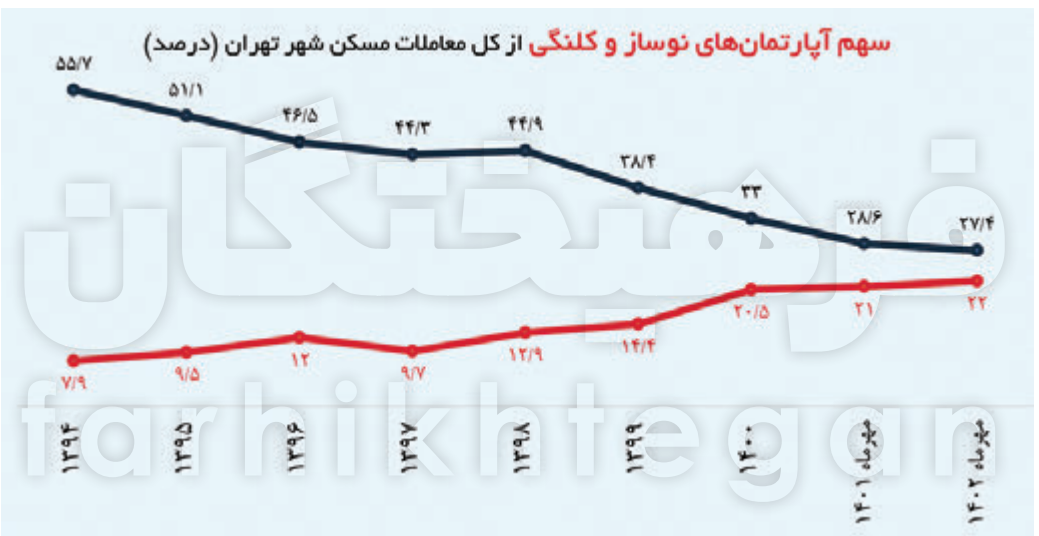

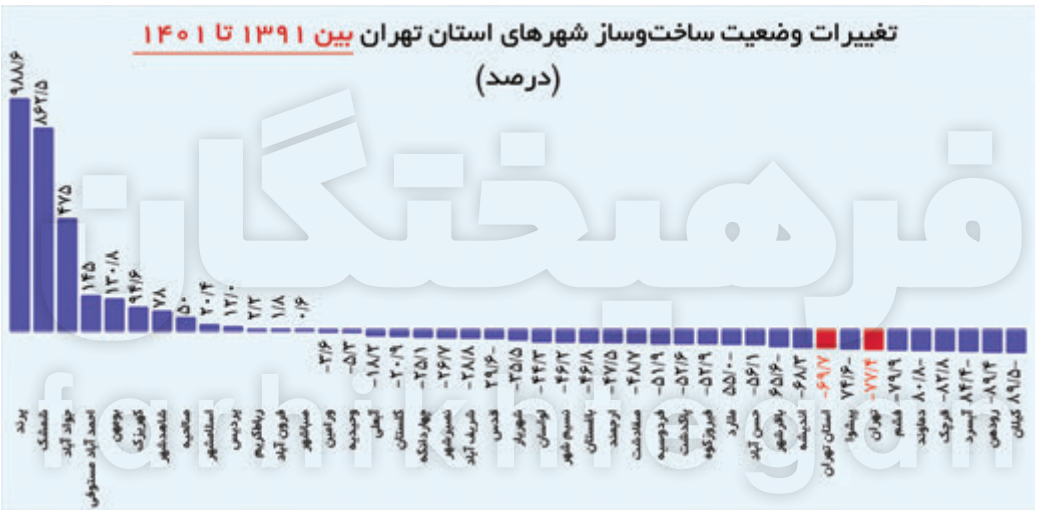

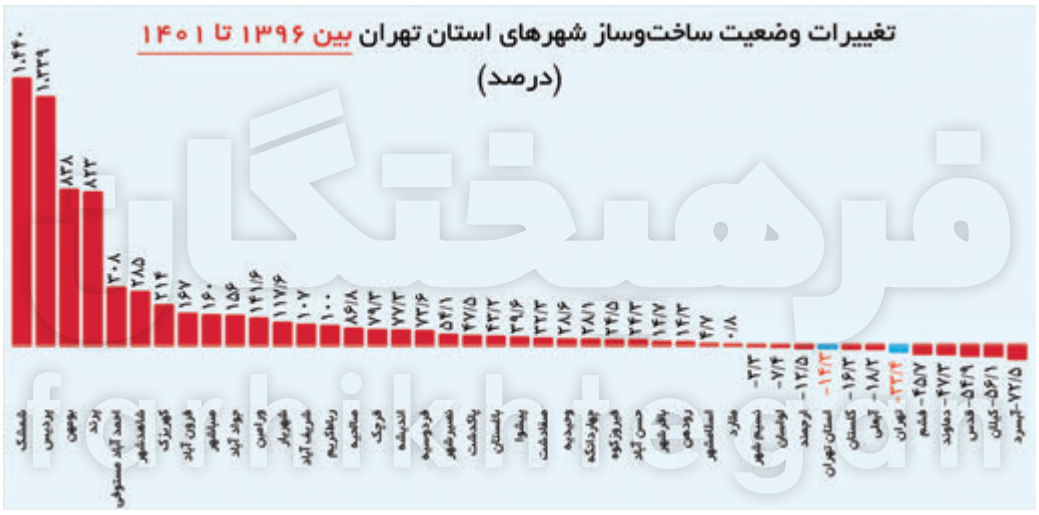

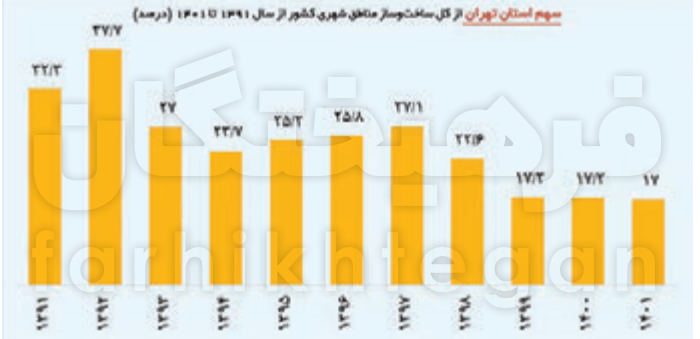

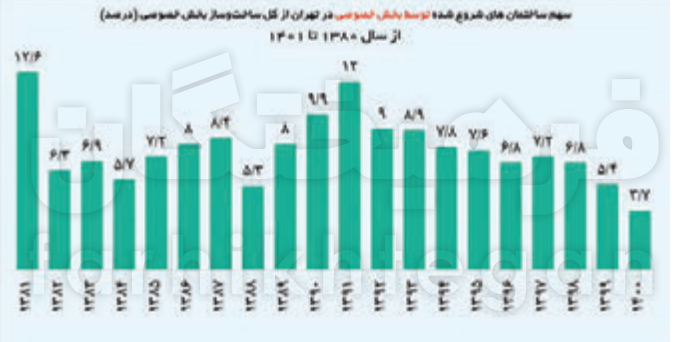

دکتر سرهنگی:

نخستین ترمینال فرودگاهی هوشمند کشور، هدیه کیش‌وندان به مردم ایران است

رحیم سرهنگی افتتاح پایانه جدید فرودگاه بین‌المللی کیش را گامی ارزشمند در راستای تاکید رئیس جمهور کشورمان مبنی بر تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام در منطقه آزاد کیش عنوان کرد. رحیم سرهنگی صبح سه‌شنبه ۲۳ آبان در آیین افتتاح پایانه جدید فرودگاه بین‌المللی کیش این پروژه ملی را به‌عنوان سومین ترمینال بزرگ فرودگاهی و نخستین پایانه هوشمند در کشور معرفی کرد و گفت: «تلاش متولیان این امر مهم و زحمات بی‌وقفه مختصصان و مهندسان داخلی در طول ساخت و تجهیز این طرح ملی قابل قدردانی است.» سرهنگی در ادامه سخنان خود، اظهار داشت: «تمام زیبایی‌ها، عظمت، امکانات و تجهیزات هوشمند این ترمینال حاصل تلاش و تجارب ارزشمند ظرفیت‌های فنی و دانش داخلی است.» وی ضمن اشاره به آیه‌ای از قرآن کریم و زیبایی‌های جزیره کیش این منطقه را یکی از مقاصد مهم گردشگری در سطح کشور معرفی کرد و افزود: «روزگار قدیم، منطقه آزاد کیش محلی برای کسب‌وکارها و کشت مروارید بود و این جزیره یکی از جاذبه‌های مطرح گردشگری ایران و آماده میزبانی شایسته از عموم گردشگران از اقصی نقاط کشور است.» رئیس هیات‌مدیره سازمان منطقه آزاد کیش در تکمیل سخنان خود، تاکید کرد: «از بدو ورود به جزیره کیش و پذیرش مسئولیت، نخستین اولویت کاری خود را پایانه جدید جزیره به‌عنوان پروژه ملی کشور قرار داد که امروز خوشبختانه شاهد افتتاح این طرح بزرگ هستیم.»

رحیم سرهنگی، خاطرنشان کرد: «باید تصویر تک‌تک متخصصان و مهندسان این طرح بزرگ ملی که امروز شاهد افتتاح آن هستیم را در شیشه‌های این پایانه نصب کنیم و از تلاش‌های آنها در طول این سال‌ها که برای تکمیل فرودگاه کیش انجام دادند، قدردانی و به همگان این ظرفیت و توان ارزشمند داخلی معرفی شود.» به گفته سرهنگی پایانه جدید فرودگاه کیش به‌عنوان ترمینال هوشمند در سطح کشور هدیه‌ای از کل کیش‌وندان به تمام مردم ایران است و افزود: «کیش‌وندان ساکنان میهمان نوازی هستند و این منطقه آماده میزبانی از تمام گردشگران از اقصی نقاط دنیا است.» سرهنگی در سخنان پایانی خود بر شریان‌های ورودی جزیره که مسیرهای «زمینی و هوایی» است اشاره کرد و گفت: «کسب‌وکارهای این منطقه متاثر از مسیرهای زمینی و هوایی است که باید گام‌های موثری برای تقویت ظرفیت‌های زمینی و افزایش تعداد ایرلاین‌ها برای میزبانی شایسته از عموم مسافران و گردشگران برداشت.» گفتنی است در این آیین افتتاح، وزیر راه و شهرسازی، دبیر شورای عالی مناطق آزاد، امام جمعه کیش، استاندار هرمزگان و مسئولان سازمان منطقه آزاد کیش و شرکت‌های تابعه، تجار، بازاریان، بازرگانان روسای ادارات و نهادهای مستقر در جزیره کیش حضور داشتند.

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲
شماره ۴۰۰۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم